

کتاب

تاریخ نهضت ایران

تألیف

ح . مدیر حلاج

ناشر

علی اکبر سلیمی

صاحب

مؤسسهٔ مرتقی

آبان ماه ۱۳۱۲

قیمت هر جلد ۸ ریال

طهران

مطبعهٔ مهر

کتاب

تاریخ نهضت ایران

تألیف

ح . مدیر حلاج

ناشر

علی اکبر سلیمی

صاحب

موسسه مربی

آبان ماه ۱۳۱۲

قیمت هر جلد ۸ ریال

طهران

مطبعه مهر

فهرست مندرجات

یك پرده از تاریخ معاصر

این همه نقش که بر صحنه گیتی پیداست
سینمائیست که از دیدهٔ اختر گذرد

عرصه پهناور گیتی بمنزله نمایشگاه دائمی است که افراد بشر همانطور که فوج فوج از کتم عدم پا بعرصهٔ وجود میگذارند در این صحنه متناوباً حضور یافته وچندین پرده از نمایشهای کوچك و بزرگ آنرا تماشا کرده و با یك سلسله خاطرات تلخ یا شیرین کرسی خودرا بتماشاچیان دیگری واگذار و از این سالون خارج میشوند.

دفتر خاطرات هر فردی فقط همان چیزهائی را یادداشت میکند که در این صحنه با چشم خود دیده و بقدر قوهٔ فهم و ادراك خویش در اطراف آن اندیشه هائی بافته و از روی همان تصورات قضاوتهائی کرده وگذشته است و یگانه دستگاه عظیمی که میتواند تمام رشته های این فیلم لایزال بی بدایت و نهایت را بهم اتصال داده و حوادث گوناگون و تطورات بیحد و حصر آن را یادداشت کرده در جلو چشم حاضر و غایب مجسم سازد همانا تاریخ است که کم و بیش حلقه‌های مختلفهٔ را بهم ارتباط داده و طومار درهم پیچیدهٔ زمان را از قدیم تا جدید در مقابل چشم همگان باز و چون جام جهان نما نقاط مجهول و وقایع فراموش شده را در لوح حافظهٔ خوانندگان خود معلوم و یادآوری میکند.

آنچه همین آینهٔ جهان نما یعنی تاریخ نشان میدهد هیچیك از قرون واعصار گذشتهٔ دنیا بقدر یك قرن اخیر آمیخته بحوادث واتفاقات

و علوم و اختراعات گوناگون نبوده و اگر دفاتر حوادث بشریت را از بدایت تا نهایت ورق زنیم شاید کمتر نظیر اتفاقات و اختراعات و اکتشافات متوالیه این عصر را در آنها بیابیم وازاین جهت میتوان گفت که دفتر خاطرات تماشاچیان عصر حاضر بیش از تمام کسانیکه درقرون ماضیه دراین نمایشگاه حضور داشته اند آمیخته بیادداشتهای محیرالعقول و کم نظیر است.

بدیهی است لذت هر تماشائی را بیشتر کسی میبرد که در ابتدا فاقد آن بوده و بعد واجد شده است و مزیت مخصوصی که خاطرات معاصرین ما بر اسلاف و حتی اخلاف خود دارد همین است که بیشتر این حوادث و اختراعات درزمان اینها بوجود آمده و آن لذتی را که شتر سوار یا کجاوه نشین دیروز از اتومبیل وراه آهن و طیارهٔ امروز میبرد یاآن استفادهٔ که قاصد فرست دیروز از تلگراف ورادیو وهزاران وسائل استطلاعی امروز میکند هیچوقت اسلاف او که تصور این اختراعات را هم نمیکردند یا اخلافش که این آلات و ادوات را جزء امور عادی و همیشگی خواهند پنداشت نبرده و نخواهند برد.

مخصوصاً داستان انقلاب مشروطیت ایران و فداکاریهائی که ازطرف ملیون وطن پرست برای نجات این مملکت از چنگال بلیات گوناگون بعمل آمده و کوششهائی که برای نشر تمدن و پیشرفت ترقی و تعالی این سر زمین باستانی در عصر پر افتخار پهلوی شده و میشود بمنزله یك سر گذشت شگفت خیز و حیرت انگیزی است که خواننده آن پس از دیدن یك سلسله پردههای حزن انگیز ودلخراش بالاخره مواجه با مشاهدهٔ یك عاقبت محمود ونتایج روح بخش ومسرت افزائی میشود

که زنگ الم و کدورت از لوح خاطرش زدوده شده و خستگیها و مأیوسی‌ها و تأسفات بی حد و حصری که از مشاهده یا مطالعهٔ وقایع و و حوادث ایام قبل از کودتای مقدس ۳ حوت ۱۲۹۹ در روحش حادث شده پس از دیدن پیشرفتهای معجزه مانندعصر پهلوی یکمرتبه بروح امیدواری وغرور ملی و نشاط حیات‌آمیزی مبدل میگردد.

متأسفانه تاریخ این انقلاب بزرگ وحوادث خطیره باآنکه اشاره نمودیم که از تمام حوادث تاریخی گذشته مهمتر و جالب توجه تراست تاکنون منظماً تدوین نشده و جز یادداشت های مختصری که بعضی دانشمندان معاصر برای خود تهیه کرده اند کتابی که تمام ابناء وطن را از جریان امور کماهی آگاه ومطلع سازد دردست نیست.

فقط تاریخ بیداری ایران که بقلم مرحوم مجدالاسلام کرمانی بطور مجله متدرجاً طبع میشد تایك اندازه مقدمات طلوع وپیشرفت مشروطیت را تدوین کرده ولی موفق بختم آن نگردید واینك مایه بسی خوشوقتی است که یکی از همکاران با ذوق ما آقای حلاج در صدد انجام این خدمت مهم برآمده و تاآنجا که دسترس داشته است کتابی جامع ومختصر راجع بنهضت ایران تألیف و اینك جلد اول آنرا که منتهی بطلوع کوکب بی زوال پهلوی میشود در دسترس مطالعه عموم میگذارد و امیدواریم موفق شود جلد دوم آنرا که تاریخچه پر افتخار دورهٔ با عظمت پهلوی است بطبع رسانیده و حوادث و ترقیات مسرت خیز این عصررا نیز بر صفحات جاوید تاریخ برای آیندگان بیادگار گذارد.

تاریخ نهضت ایران که فعلا ازطبع خارج شده کتابی است که با نهایت بیطرفی و بی غرضی امهات حوادث‌رابدون اعمال نظرمخصوص

بطور اختصار یادداشت کرده و مخصوصاً گراور های زیادی که از اشخاص مهم تاریخ مزبور تهیه و طبع شده برمحسنات آن بیشترافزوده وآنرا یك کتاب کامل معرفی میکنند که تمام افراد داخلی و خارجی بیتوانند همان استفاده هائی را که حقیقتاً از یك کتاب تاریخ حقیقی باید نمود ازآن بنمایند .

من بسهم خود بآقای حلاج نویسندهٔ با ذوق این کتاب تبریك و تهنیت گفته و از خداوند متعال توفیق ایشان را در اتمام و نشر قسمت ثانی درخواست مینمایم .

یدالله - مایل تویسرکانی





تجدید کننده جلالت وعظمت ایران باستانی

اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی خلدالله ملکه

تاریخ نهضت ایران

بنام خداوند بخشاینده و مهربان

دیباچه

کره خاك که مسکون از اولاد آدم است یا بگفته دانشمند شیراز سعدی (سرای دو در) جولانگاه یا محل تلاقی انواع حیوانات و میدان مبارزه صنوف غالب ومغلوب میباشد ـ که از آن زمره قافله های بشریت نسل به نسل یا نژاد به نژاد با پیوند طبیعی و تکوین بهم اتصال یافته از طرفی داخل و از جهتی خارج میشوند. راستی اگر بدیده عبرت و دقت در این دار فانی نگریسته شود ـ ملاحظه خواهد شد که در این صحنه نمایش حیرت آور گوئیا هر دستهٔ از موجودات جاندار را بازی مخصوصی آموخته اند که از بدو تولد شروع وبا آخرین دقیقه پرواز روح از کالبد ظاهراً خاتمه میپذیرد در این میان خوشبخت و سعادتمند آن جمع یا فردی است که بواسطه غلبه شهوت و طمع از وظایف بندگی باز نمانده آنچه استاد ازل تعلیم داده و موجود برای آن بوجود آمده و با زبان بیزبانی گفته است بگو ـ آن گفته وامانت خالقت رابسر منزل مقصود تحویل داده و رفته اند

چنانکه ما بحکم واراده خود نیامده ایم و بمیل واراده خویش قالب از روان تهی نخواهیم ساخت ـ لازم است دانسته و آگاه باشیم که خلقت موجودات عبث نبوده وهر بنده را نسبت به پروردگار خود وظایفی است که در صورت عدم انجام آن کفران نعمت وفلسفه خلقت خود را نشناخته ایم .

بنظر نگارنده وظیفه اولیه اولاد آدم عبارت است از خدمت به آبادی و ترقی مادی و معنوی جهانیان. محبت و صمیمیت با همنوع وسعی و کوشش بطرف ترقی و کمال

***

مدتی دراز با خود اندیشه مند بوده و میگفتم: حلاج. تو در ظرف پنجاه سال نشیب وفراز پست و بلند دیده وبا سوانح زیاد روبرو شده و با غالب تحولات و حوادث و اتفاقات اجتماعی ایران همعنان بودهٔ، چه ضرر دارد خاطرات دوره زندگانی را بطوریکه استنباط نمودهٔ و فهم کردهٔ برشته تحریر در آورده یادگاری ناچیز باقی بگذاری؛ تا تاریخ معاصر ایران درعالم مطبوعات وطن ثبت و برای نسل آینده و طالبان فهم گذارش نهضت ایران در قرون اخیره خاطرهٔ پایدارمانده وبجهة ارباب ذوق هم‌مایه عبرت وتنبه‌وهم باعث‌تفریح گردد

چه باترقیاتیکه اخیراً نصیب ایران جدیدشده و کشورداریوش عظمت و آبادی دیرینه را تجدید نموده و بطرف کمال پیش میرود. قریباً اوضاع شرب‌الیهود ایام ناگوار تاقبل از کودتای مقدس ۱۲۹۹ شمسی هجری از انظار نسل معاصر فراموش علاوه برآنکه مقیاسی برای تطبیق وضعیات قبل وبعد در دست نیست زحمات وفداکاری های نامداران ملت بورور نیزبطاق نسیان‌برتاب و بالنتیجه برای دانستن تاریخ نهضت وطن عزیز باید بکتب نگارندگان بیگانه که هر یك با نظری مخصوص تألیف و بمعرض استفاده گذارده‌شده مراجعه واز هر حیث خواننده گمراه شده و تاریخ ملت خود را از دریچه عینك ارباب غرض معاینه نمایند.

خلاصه: مجملی از مطالعات و یاد داشت خاطرات خود را بر

روی صفحات کاغذ ترسیم نموده از خدامغفرت واز قرائت کنندگان عزیز چشم پوشی ازلغزش و اشتباه وخطا را طالبم .

غرض نقشی است کزما باز ماند
که هستی را نمی بینم بقائی

***

پوشیده مباد آنکه نگارشهای مذکور در این کتاب مشحون از یکرشته حوادث و تطورات میباشد که در وطن عزیز ما ایران رخ داده، و خلاصه ایست در دودیباچه و پایان و دوازده فصل بدین ترتیب از علل پیدایش مشروطیت ، و حوادث ادوار مختلفه آن تاقبل‌از سوم حوت ۱۲۹۹ شمسی ، مداخلات بیگانگان تا مهاجرت واثرات آن ، جنگ بین‌المللی وتاثیر آن در ایران ، تصادم نفوذ روس و انگلیس و قرارداد۱۹۱۹میلادی-مختصری‌ازتاریخ‌احزاب‌ومطبوعات ایران، بالجمله نشاندادن وضعیات جریان نهضت فکری‌واجتماعی برای‌اخذتمدن‌جدید.

سرگذشتی را که مینگارم . شامل ملاحظات و مشاهدات و استنباطات ومطالعاتی است که‌در نتیجهٔ تماس باجریانات ازمجاری موثق شنیده یا دیده ویادر کتب و مطبوعات مطالعه کرده‌ام.

امیدوارم گردش قلم طوری باشد که بدون انحراف ازخط‌مشی بیغرضانه تالیف خود را تدوین نموده بمعرض افکار عمومی بگذارم اینست مقصد و منظور نویسنده تا الهام غیبی را درضمیرم چه‌اثر افتد

ح . حلاج

فصل اول

پیدایش مشروطیت در ایران

تاریخ نهضت تجدد و مشروطیت را در ایران باید از زمان و دورهٔ محسوب داشت که ایران دستخوش سیاست مغرب زمین گشته و صحنه مملکت میدان رقابت دول اروپائی شده است

بطوریکه میدانیم ازاواسط دوره فتحعلی شاه‌قاجار بین سنوات ۱۲۵۰ الی ۱۲۶۰ هجری قمری بوسیاه پیشرفت وغلبه قشون روسیه‌درسواحل دریای سیاه از طرفی و قفقاز و ترکستان و بنادر بحر خزر از طرف دیگر ، توجه ناپلئون به شرق وهند ، تاخت و تاز و تسلط انگلیس ها درسراسر هندوستان ، موجبات و اسباب رفت وآمد ایرانیان راباممالك اروپ فراهم وانظار عقلا ومتفکرین باوضاع و علوم و فنون و نظامات فرنگستان بیش از پیش جاب گردید، ازسنه۱۲۳۶ الی۱۲۴۲ هجری قمری دوره‌ده ساله‌زدوخوردایران‌وروس مخصوصاً بعدازشکستهای پیاپی لشکریان ایران‌بواسطه اسلحه ماشینی وآتشی از مهاجمین‌روسی، توجه بیشتری باخذ تمدن جدیده درطبقات‌عالی ورجال‌حل‌وعقد مبذول گردید، بعلاوه ایاب و ذهاب‌فرنگیان بایران‌ومأمورین‌ایران بفرنگ از دیاد پذیرفته وادخال‌نفوذ وتمدن‌ونظامات فرنگ بیشتر توسط‌عباس میرزا نایب السلطنه‌درسال ۱۲۵۶ هجری قمری بوسیله مستشاران انگلیس و فرانسوی بدواً در قشون و سپس در صنایع و دوائر سیاسی و مالی عملی گردید ، ونیز در تسریع نفوذ غرب بایران بیشتر ازسایر طبقات ارامنه ساعی بودند ، چه‌بواسطه ارتباط و بستگی مذهب ارامنه باملل مسیحی فرنگ از دوره صفویه باینطرف بویژه عصر شاه عباس کبیر . غالباً عهده دار تجارت و مبادله

اجناس اقتصادی با اروپا بودند ودر این زمینه دخالت مؤثری داشته اند دربین رجال آندوره مرحوم میرزا بزرگ و میرزا ابوالقاسم قائم مقام بیشتر ازسایرین بذل مساعی جهة اجرای نظامات غربی درامور مملکت داری نموده اند ولی اثر عمده پیشرفت نفوذ علم و فن مغرب در ایران از دوره میرزا تقی خان امیر کبیر شروع و مرحوم امیر (*) عالمانه خرابی اوضاع ملك و ملت را باچشم بصیرت مشاهده و اصلاحات جدیده از قبیل ایجاد و تاسیس دارالفنون (۱۲٦۸ هجری قمری) واعزام محصل علمی وفنی باروپا ـ تنظیم و تنسیق بودجه را فراهم ـ و بعداً در سنه ۱۲۷۹ هجری قمری اولین کتابچه قانونی یادستور عدالت خانه بافرمان اجرای آن از طرف ناصرالدین شاه بطوریکه ذیلا نقل میشود توسط حاجی علی خان اعتماد السلطنه وزیر عدالت خانه وحاجی محمد قلی خان قاضی تحقیق مجری گردیده است

ایجاد و تاسیس دارالشورای دولتی در سال ۱۲۸۱ قمری صورت عمل بخود گرفته و مرحوم میرزا حسین خان سپهسالار جدیت مخصوصی

(*) میرزا تقی خان امیر کبیر علاوه بر اعزام محصل برای فرا گرفتن علم وهنر جمعی از اهل صنعت را بفرنگ فرستاد تا در کارخانجات عملا هنر آموخته و مراجعت نمایند ، از جمله عده اعزامی مذکور آقا رحیم اصفهانی است که در سال ۱۲٦۸ هجری قمری در طهران ایجاد کارخانه بلور سازی نموده ودر اصفهان تاسیس کارخانه کاغذ سازی کرده که فعلا کارخانهای مخروبه کاغذ سازی درمحل بائین دروازه اصفهان موجود است

درهمان اوان یعنی بین سنوات ۱۲٦۸ الی ۱۳۸۲ هجری قمری بطوری که مرآت البلدان تذکر میدهد در ایران نهضت صنعتی برای تاسیس و ایجاد صنایع جدیده بعمل آمده ، چنانکه بدست هنرور ایرانی کارخانهای کاغذ سازی و ریسمان ریسی در طهران دایر و در مازندران کارخانه شکر ریزی ایجاد شده است ولی بعداً بواسطه عدم توجه رجال قاجاریه با بادی مملکت ازبین رفته است .

در ادخال تمدن و نظامات غربی بعمل آورده وبه جلسات مشاوره هیئت وزراء رسمیت بخشیده اند

چنانکه شورای وزراء در تحت ریاست خود آن مرحوم رسماً در روز دوم شوال ۱۲۸۹ قمری مفتوح گردید

شورای وزراء مرکب بود از صدارت عظمی ، وزارت داخله ، وزارت خارجه، وزارت مالیات ، وزارت جنك ، وزارت عدالت خانه ، وزارت علوم ، وزارت فواید ، وزارت تجارت و فلاحت

اینست فرمان تاریخی قانونی عدالت خانه که از نظر خوانندگان میگذرد

فرمان ناصرالدین شاه

راجع بدستور عدلیه و اجرای کاپیتولاسیون !

فصل اول

در تکلیف سایر وزارتخانها بادیوان عدلیه اعظم

وزارت امور خارجه

نظر بآنکه یکطرف مدعی یا مدعی علیه از تبعه خارجه خواهد بود باید کاریکه فیمابین تبعه این دولت و اتباع خارجه اتفاق می افتد بگذرد باین جهة از وزارت عدلیه مداخله در آن جائز نیست !! مگر اینکه تبعه خارجه نیز باطلاع سفارت آن دولت و وزیر امور خارجه خود رجوع بدیوان عدالت نمایند ـ البته باید رسیدگی واحقاق حق بعمل آید توضیح آنکه اگر از متداعیین یکی از تبعه خارجه باشد این خالی از دو صورت نیست : یاعارض اعم ازداخله وخارجه بصرافت طبع خود بوزارت عدلیه رجوع خواهد کرد ، وزارت خارجه کاری که دراین میانه خواهد داشت فرستادن وکیلی است بوزارت عدلیه که از

بدو تاختم گفتگو مستحضر شده مراتب را بوزارت خود اطلاع دهد
واگر بعکس باشد از وزارت عدلیه همین وکیل دروزارت خارجه لابد
حاضر خواهد شد

برای ختم کار وکسب استحضار این دو وزارت در این دو قسم
محاکمات که یکی خارجه باشد ودیگری داخله حتماً ازختم گفتگو باید
یکدیگر را اطلاع دهند وباستحضار هم قطع وفصل گفتگو رابنماید

سایر وزارتخانها

نظر باینکه لفظ عارض مخصوص است باینکه در دیوانخانه
عدالت رسیدگی واحقاق حق شود وابدا احدی ازمتعلقات سایر وزارت
خانها را از عرض بدیوان عدلیه اعظم نباید ممانعت کنند فرضاً اگر
دو نفر تاجر یادونفر ازاهل نظام یااز دفتر استیفا وغیر اینها رجوع
بدیوانخانه عدالت نمایند بدقت غوررسی نموده واحقاق حق بعمل خواهند
آورد . واگر مدعی یکی ازوزارتخانها باشد کهمدعی علیه ازابوابجمع
آن وزارتخانه باطلاع آن مأمور دیوان عدالت رسیدگی واحقاق حق
نماید وکیفیت قطع وفصل مابین مدعی ومدعی علیه را از آنوزارتخانه
بدیوان عدالت خواهد فرستاد که بعرض حضور همایون برسد و
اگر مدعی از یك وزارتخانه ومدعی علیه از وزارتخانه دیگر باشند که
مدعی بدیوان عدالت آمده وعارض گردد . وزیر دیوان عدلیه می باید
طرفین را حاضر نموده وغوررسی واحقاق حق را بعمل آورد . مثلا تاجر
یا بزاز یا بقال وکاسبی از یکنفر صاحبمنصب یا نایب قشون ادعای طلبی
یا اظهار تظلمی نماید یا بالعکس بدیوان عدالت عارض شود وزیر دیوان
خانه عدالت میباید بانوشته در کمال ادب معروض شده تا از وزارتخانه

متعلقه بآن مطالبه نماید که در دیوانخانه عدلیه حاضر شود. آن وزارت خانه که مدعی علیه ابواجمع آنست میباید فوراً و بلاتامل هر کس باشد روانه دیوانخانه عدلیه نموده وآدمی هم ازخودهمراه نماید که بااطلاع آدم آن وزارتخانه امنای دیوان عدالت باکمال دقت رسیدگی نموده تفکیك عمل وتحقیقات لازمه نموده احقاق حق نماید. والا اگر مدعی علیه درحاضر شدن استنکاف وتعالل وتامل نماید. وزیر دیوان عدالت حق خواهدداشت که بعرض خاکپای مبارك رسانیده محصل مامور شده حکماً مدعی علیه را در دیوان عدالت حاضر سازد و هیچیك از وزارت خانهاحق نخواهندداشت کهغیر از ابواجمع خودمداخله در ابواجمعی دیگری نماید مگر وزارت عدلیه کهحق دارد در هروزارتخانه و هرجاوهر کس عارضی بهمرسد غوری نموده احقاق حق بعمل آورده بشرایط معلوم معینه که مرقوم شد ودر هردایره وزارتی گفتگوئی که منتهی برجوع شرع شد رسیدگی و اجرای آن باالانحصار مخصوص وزارت عدلیه اعظم خواهد بود.

فصل دوم

در تکالیف دیوان عدلیه اعظم باحکام ممالك محروسه

شق اول : درتکالیف مابین وزیرعدلیه باحاکم دارالخلافه است

ساکنین و متوطنین و متوقفین دار الخلافه اعم از غریبه بانومی که باقسام مختلفه میباشند، نوکر، تاجر. تبعهٔ خارجه، کسبه، خوش نشین، رعیت، زارع وآنچه متعلق بسایر وزارتخانها باشد ازقبیل نوکر.تاجر، تبعه خارجه وغیره وغیرهحکم آنها بنحوی است که درفوق مرقوم شد

آنچه کسبه ورعیت وزارع است. موافق قاعده کلیه که دیوان عدالت ذیحق است دررسیدگی عرایض واحقاق حق کافه ناس همین

حق رادررسیدگی عموم اهالی دارالخلافه و توابع نیز دارد.

لیکن محض ملاحظه تقویت حاکم دارالخلافه ازجانب سنی الجوانب همایون امر ومقرر میشود که اهالی دارالخلافه وتوابع مختار هستند، دراینکه عرض خودرا بدیوانخانه عدالت بیاورند یا نزد حاکم و وزیر دارالخلافه ببرند.

حاکم ووزیر دارالخلافه طهران نباید احدیرا ممانعت ازعرایض دیوان عدالت نماید. ودردیوان عدالت هم اگرعارضی ازاهالی ونواحی عرض کند آنهم بردونوع است: اگر عرض عارض ازدست گماشتگان حاکم ووزیر ومباشرین دارالخلافه وتوابع باشد، بر ذمه امنای دیوان عدالت فرض است که عرض عارض را بخاکپای همایون رسانیده. بنحویکه ازجانب سنی الجوانب همایون امرومقررمی شود معروض عنه را حاضر نموده باکمال دقت و غوررسی رسیدگی نمایند و بعداً ازعرض ساطع النور همایونی احقاق حق نمایند. دراین صورت اگر ازجانب امنای دیوان عدلیه معروض عنه را احضار نمایند اگرچه شخص حاکم یاوزیر باشد.باید دردیوان عدالت بدون عذرحاضرگردد و ازعهده جواب مدعی بطور حساب برآید وهیچ کاری را براین مقدم ندارد والا اگر مدعی ازکسان وبستگان حاکم دارالخلافه باشد ازجانب امنای دیوان عدالت آدمی همراه مدعی مامور شده نزد حاکم و وزیر دارالخلافه ببرد حاکم نیز مدعی علیه را حاضر نموده ودرحضور مامورین دیوان عدالت غوررسی واحقاق حق نماید ومأمور دیوان عدالت کیفیت را نوشته بوزیر دیوان عدالت اعظم بدهد، تابنظر انور اقدس همایونی برساند اگر حاکم و وزیر دار الخلافه دررسیدگی عرض عارض طرف

وغرضی منظور کند که مدعی غرض وطرفداری آنها رادر دیوان عدالت برساند ، یاحاکم ووزیر بابی اعتنائی واهمال وطفره بگذرانند وبعرض عارض رسیدگی ننمایند ، و آدمی که از دیوان عدلیه مامور میشود معطل دارند که از پنج روز بگذرد ، دراین صورت وزیر دیوان عدالت حق خواهد داشت که مدعی علیه را درهرجا وهرکس باشددر دیوانخانه عدلیه بامدعی حکما حاضر ساخته رسیدگی نموده احقاق حق نماید وبعرض خاکپای همایونی برساند، ونیزاگر مدعی مزبور بسبب موجهی که دردیوان عدالت نماید انکار از ترافع وتحاکم درنزد حاکم ووزیر دارالخلافه نموده وسببی موجه وحشت نماید از دیوان عدالت حاکم و وزیر دارالخلافه مینویسند که مدعی علیه را باآدمی ازخود بدیوان عدلیه بفرستند تا بااطلاع آدم حاکم و وزیر طی دعوای طرفین بحق بشود وحاکم و وزیر دارالخلافه نیز مدعی علیه‌را بلاتامل باید بفرستند بدیهی است محض تقویت حاکم و وزیر دار الخلافه وزیر دیوان عدلیه اعظم رجوع محاکمات و گفتگوی فیمابین اهالی دارالخلافه راکه در تحت حکومت مندرج هستند مهما امکن بخودشان خواهند نمود ، لیکن حاکم و وزیر دارالخلافه میباید در اجرای اوامر ونواهی احکام دیوان عدلیه اعظم، بهیچوجه مسامحه واهمال جایز ندارند .وهیچ حکمی را از دیوان عدالت مهمل و متروك نگذارند . و امر عارض را بهرجا منتهی کردند ، بوزارتخانه عدلیه اطلاع دهند . که بواسطه وزارتخانه مزبور مراتب را بعرض حضور همایون برسانند زیراکه احکام دیوان عدلیه اعظم راجع بوجود مسعود همایون وباعرض خاکپای مبارك است وتخلف از آن خلاف رای معدلت آرای همایونست

شق ثانی : در تکالیف دیوان عدلیه اعظم است باحکام ولایات ممالك محروسه.

نظر باینکه اجرای حقوق ذوی الحقوق و رفع ظلم ورفع جور مرکوز ضمیرمنیرهمایون است . لازم‌بود مانند دارالخلافه درهرولایتی نیز دیوانخانه با اجزا و اسباب آن از جانب دیوان عدلیه اعظم مقرر گردد که‌طی دعاوی مردم بالتمام درآنجا بشود. و همیشه روزنامه کل بدیوان عدلیه اعظم برسد ، که امنای دیوان عدالت ثبت وضبط کنند تاپس ازاین‌دعاوی گذشته‌درهرجا که باشد دو باره نتوانندازسربگیرند ومزاحمت باولیای دولت یابطرف منازع برسانند.لیکن چون حکام‌ممالك محروسه متمسك باین هستند که برقرار نمودن دیوانخانه بااجزاو لوازم آن مایه اختلال امر حکومت میشود ، لهذا بملاحظه تقویت حکام عجالتاً ازاین‌منظور بزرك خجسته صرف‌نظر فرموده‌امرومقرر داشتند که از دیوان‌عدلیه اعظم بهرولایتی یکنفرآدم عاقل ، آرام ، بی داعیه باعرض خاکپای‌مبارك‌مامور گردد . محض‌ازجهة‌اینکه‌اشخاصیکه‌بدربار همایون آمده و بدیوان عدلیه اعظم عارض میشوند . برای اجرای هرحکمی محصل مخصوص مامور نشود ، واحکامیکه از دیوان عدالت بحکام صادر میشود آن شخصی که از جانب دیوان عدلیه مامور است ناظر اجرای آن حکم باشد که حاکم آن ولایت چگونه باعارض رفتار نموده بهر نوع در اجرای حکم دیوان عدالت رفتار نمود مراتب را کما هوحقه بدیوان عدالت نوشته عرض نماید .

اگر حکام اجرای‌احکام دیوان عدلیه‌راازروی بیغرضی و درستی جاری نمودند که درخاکپای مبارك ممدوح و مستحسن خواهد بود والا اگر بی‌اعتنائی کردند و بغرض وطمع حق‌ذی‌حق‌را پایمال کردند.

بدیهی است چنین حاکمی ظالم خواهد بود . ورفع ظلم برذمت همت ملوکانه فرض است در این صورت واجب میشود که از دیوان عدالت مامورین بزرك مامور بشوند ورسیدگی بعرض وداد مردم مخصوص آنها شود ، وبرای حاکم هم آن اعتبار و اعتماد در حضور مهر ظهور همایون نخواهد بود، ونیز ماموری که ازجانب دیوان عدلیه بجائی منصوب میگردد. اگراز مظلومین رعایا کسی از بستگان و گماشتگان حکام شکایت وعرضی داشته باشد که بحاکم عرض کرده وحاکم بجهة طمع یا طرف گیری مدعی علیه اعتنا بعرض مدعی ننموده غوررسی و احقاق حق نکرده باشد! ماذون خواهد بود که عرض عارض رامخفیانه بدیوان عدالت برساند ، که از دیوان عدلیه معروض خاکپای مبارك افتد تا بهرچه اقتضای رای جهان آرای همایون حکم محکم جهانمطاع باشد ازمصدر خلافت کبری صادر خواهد گردید .

واگر ماموری کهازجانب دیوان عدلیهبجائی منصوب میشود دروغ و افتراء در حق کسی ازحاکم وغیره بنویسد . یابخلاف واقع عرض کند ودر وقت غوررسی وتحقیق نتواند از عهده اجرای عرض خود برآید مورد تنبیه خواهدشد ، وهم معزول ازشغل ومنصب ومواجب میگردد ، وابدا دیگر دراین دولت بهیچ خدمتی مامور و منصوب نخواهد شد ، و درهیچیك از وزارتخانهها اورانباید بخدمت دیگر وادارند اینست دستورالعمل وتکالیف دیوان عدلیهاعظم که برحسب امرواراده رای بیضاضیای همایون اقدس مرقوم گردید .

چون خدمت و نظم عارضین دیوان عدلیه را از شخص اعتمادالسلطنه حاجی علیخان وزیر عدلیه خواستهایم وباید دراین فقرات کمال سعی را

بکندلهذااین کتابچه و دستور العمل دیوان عدلیه اعظم بروفق حکم وفرمایش مانوشته‌شده وصحیح است

امنای دیوانخانه وسایر وزراء وحکام وغیره‌نبایدازاین تخلف نمایند.

۲۲ جمادی‌الثانیه ایت‌ئیل ۱۲۷۹ هجری قمری (نقل‌از مرآت البلدان)

***

میرزا سعید خان وزیر دول خارجه بوسیله مرحوم(شیخ علی مازندرانی) بگفته ناسخ‌التواریخ‌وتاریخ بیداری‌ایرانیان که‌مخترع«تفنگ ته‌پر» و «کالسکه خودرو» و «ساعت دزدبگیر» درطهران است قانون کاملی برای ادارات و عدلیه تحریر نمودند که درکتابخانه سلطنتی موجود است

مرحوم امین‌الدوله نیز خدمات شابانی بنهضت و ترقی وتکامل و قبول نظامات فرنگ دردوایر مختلفه وتکمیل دوایر پستی نموده است

ازاشخاصیکه خدمات عمده بعالم شرق وممالك اسلامی عموماً و ایران خصوصاً نموده وموجبات جنبش عمومی و هیجان افکار را فراهم ساخته‌اند مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی (افغانی) ودوستان نزدیك وی میباشند

معزی‌الیه بوسیله همفکران خودامثال شیخ احمد روحی کرمانی ومیرزا آقا خان تبلیغات مؤثری درزمینه اتحاد اسلام بعمل آورده و با علماء اسلامی بنای‌مکاتبه ومراسله‌را گذارده وباعث بیداری‌طبقه ممتازه گردیده اند

برای سرعت جریان تبلیغ درسال ۱۲۵۶ هجری قمری در مکه معظمه انجمن(ام‌القری)راتأسیس وتا یکسال انجمن مزبور دایر بوده و

بالاخره ازطرف سلطان عبدالحمید پادشاه معروف عثمانی منحل گردید
بس ازانحلال جمعیت ام‌القری مرحوم سید برای نشر افکار خودنامه
زیبنده (عروةالوثقی) را منتشر وتادم مرك ازخدمت بعالم شرق سرنتافت
پرنس ملکم خان (ناظم الدوله) که در جای دیگر یعنی در قسمت
تاریخ احزاب ومطبوعات ذکر آن خواهدشد درپیشرفت واخذ تمدن فرنگ
کوشش های مؤثری بعمل آورده است ومرحوم مؤیدالاسلام مدیر حبل‌المتین



(١) طرفدار اتحاد اسلام و بیدار کننده ملل شرق خصوصا ایران درقرن معاصر

سید جمال‌الدین اسد آبادی معروف به (افغانی)

بیش ازسایرین ازمجاری تبلیغ به بیداری ونهضت ایران خدمت نموده اند
صنیع‌الدوله ومحمدحسن خان اعتمادالسلطنه وفروغی (مرحوم ذکاءالملك
بزرگ) بذرهای افشانده را آبیاری ودامنه نهضت را وسعت بخشیده اند

خلاصه . رفته رفته دانایان‌واصلاح خواهان ازهرطبقه از گوشه‌و کنار بفکر اصلاحات افتاده ودنباله این جریان غیرمستقیم ادامه داشت تا در دوره مظفری استقراضهای پیاپی از روسها و اسراف در مخارج بواسطه مسافرتهای بلانتیجهٔ بفرنگستان وبذل وبخشش بیجاوخرابکاری های امیر بهادر ها تقریبا زمینه را بجهة قیام ملت‌آماده ساخت. خصوصاً تقسیم مشاغل دولتی بین شاهزادگان - چنانکه صدارت عظمی نصیب شاهزاده عین الدوله و سپهسالاری مملکت حق مسلم امیرخان سردار برادر عین‌الدوله ، فارس قسمت شعاع‌السلطنه ، آذربایجان ملك خاص وتیول محمد علی میرزا ، لرستان و بروجرد نان خانه سالار الدوله همینطور سایر نواحی در زیر پای جمعی شاهزاده خود خواه پایمال و خرابی دربار ازطرفی و شدت رقابت سیاسی روس و انگلیس بر سر آسیا اصولا و ایران فروعاً از جهتی بر اشتداد اوضاع افزوده و بکسره برده را ازروی کارها برداشته وراز نهفته را آشکار وایران را ازهرجهت برای نهضت واخذ تمدن جدید وقیام واقدام اصلاح خواهان مستعد وفراهم نمود که بعداً شرح آن بیاید





(۲) — میرزا ابوالقاسم فراهانی معروف به قائم مقام بزرگ

خدمات معظم له به نهضت ایران مستغنی از توصیف است

فصل دوم

هیجانات اولیه

متعاقب جنگهای روس وژاپون درشرق اقصی و اختلال اوضاع تجارتی که صدی پنجاه از بیلان تجارت مملکت دردست روسها افتاده بود ، بواسطه آشفتگی جریان اقتصادی روسیه وبستگی وارتباط محکم تجارت ایران وروس بعد ازمعاهده منحوس ترکمانچای، که تازه میرفت پای بر جای شود . نفت و قند یگانه محصول مهم وارده از شمال و مصرف زیادی که بتدریج دربازار ایران پیدا نموده وجزء حوائج عمومی شده بود ، دراثر شدت جنگ ناگهان ترقی فاحش یافته وترقی قیمت و کمیابی نفت وقند نقل هرمجلس ومحفل شده بود .

معلوم است دریك چنین مواقع تجار ذینفع در صدد جلب استفاده برمی آیند . از آن زمره چندنفر تاجرقند فروش ـ یکی موسوم بهسید هاشم قندی ودیگری بنام سید حسین ساکن کاروانسرای تجارتی امیر واقع دربازار طهران قند زیادی احتکار و بطور دلخواه بمعرض فروش می گذاردند.

نظربآنکه غالباًافراد طبقات دانیه وطبقات عامه دست آویزی رفع احتیاجات روزانه خود نمائی میکنند وازمدتها قبل دنبال آن بودند ازاندیش وخیم اندیش منتظر چنین وقت وفرصتی بودند ودربی موقع مناسب برای تحریکات میگشتند و میدانستند مردم راچه وقت وباچه ترتیب وتبلیغی وترسی میتوان بقیام واقدام

واداشت. واین مسئله دائم درمحافل مخفی وذیعلاقه مطرح بود. وغالباً ازبانزد خواص بود که : سیاست طهران وابسته بنان ومایحتاج روزانه عموم است !

ازاین نظر عمال تبایغ درآن موقع ازهیچگونه انتشارات گوناگون ومهیج فرو گذار نمیکردند.

ازطرف دیگر رجال دربار مظفری موضوع را دانسته وازتهیه و تسهیل مایحتاج عامه تامیتوانستند غافل نمیشدند.

دراین هنگام که وضع قیمت وکمیابی قند درهم وبرهم واهمیت یافته وشهررا پرازهیاهو وجنجال ساخته بود، ودستهای پشت پرده بادست کش شریعت خواهی وملت پرستی سرگرم کار وموجبات تلاطم وانقلاب را فراهم مینمودند. ازطرف صدراعظم شاهزاده عین الدوله باعجاله هرچه تمامتر علاء الدوله را که در حکومت استراباد جربزه بخرج داده بود. احضار وبحکمرانی دارالخلافه منصوب وبرای رفع غائله چون از وی ... ظنین بودند. هرگونه اختیاررا بدو تفویض نمودند.

علاءالدوله نیز جهة مرعوب نمودن اهالی روزی چند نفر آردل وفراش باخود برداشته وپس ازگردش مختصری دربازار بطوریکه قبلا پیش بینی نموده وتصمیم گرفته بود، درکاروانسرای امیرداخل ودرمقابل حجرات سیدهاشم وسیدحسین قندی ایستاده وپس از سئوال وجواب کمی امر داداشخاص مذکور را شلاق مفصلی زدند وچند عدل قندرا بین فقرای تماشاچی قسمت کرد (۱٤ شوال ۱۳۲۳ قمری) ضمنا باتنزل قیمت قند نرخی اعلام وبدارالحکومه عودت کرد.

شلاق خوردن سیدهاشم وسیدحسین سید پیرمرد بدست بازیگران سیاسی که از مدتها پیش خودرا برای چنین روزی آماده می نمودند بهانهٔ خوبی دست داد.

دراثر این پیش آمد صدای واشریعتا ووادینا ووردزبانها گردیده ودرب منازل علماء دین که قبلا مهیاشده بودند مانند مرحوم آقای سید محمد طباطبائی مجتهد ومرحوم آقای سیدعبدالله مجتهد بهبهانی بروی سرجنبانان بازار وطلاب علوم دینیه باز شد .

طبیعی بود تجمع طلاب و کسبه بازاری سبب اظهار شکایت گردید وباب مباحثه ومشاجره فیما بین قائدین جماعت ورجال مظفری مفتوح و کم کم رشته بدرازا کشیده ومساجد و منابر میدان مبارزه سیاسی و صحنه تبلیغ وتهییج وعاظ واهل منبر شده ومردم سخت تحریك شده و بهیجان آمدند .

مساجد رونق گرفت وحاج شیخ محمد واعظ معروف سلطان الواعظین بیشتر از سایرین جوش وجلامیزد و در موقع موعظه درمسجد جامع نسبت بصدراعظم عین الدوله اهانت ورزیده لذا حکم توقیف واعظ مذکور ازطرف صدراعظم صادر ودرصدد گرفتاری او بودند .

قضا را مامورین گرفتاری حاجی شیخ درمقابل قراولخانه محله حیاط شاهی اشیخ مصادف و شیخ را در قراولخانهٔ توقیف کردند

چند نفر سید وطلبه سروسینه زنان بدوره افتاده ومردم را ازواقعه باخبر واهالی برای نجات واعظ بقراولخانه هجوم آور شدند

حمله مهاجمین بقراولخانه باعث شلیك سرباز شده و دراین میان سید عبدالحمید نام طلبه جوان مقتول گردید .

قتل سید عبدالحمید بیشتر بر هیجان مردم افزوده و جمعی نعش مقتول را برداشته وبمدرسه دینی (آصفیه) که در آن نزدیکی بود انتقال دادند.

شهرت قتل سید وهیجان کسبه بازار وطلاب باعث قیام علنی علماء دین شده وبعنوان توقف در اماکن مقدسه ازطهران بطرف قصبه حضرت



(٤) - مصلح امور کشوری ولشکری و موجد معارف جد
در ایران میرزا تقی خان امیر کبیر

بدالعظیم وقم حرکت نمودند . (۱۸شوال ۱۳۲۳قمری) و مسجد جامع
حل اجتماع طلاب و اصناف بازاری گشت: برای اسکات علماء ومردم از
طرف مظفرالدین شاه فرمان رسید کی بعرایض مردم وعلماء وتکمیل عدالتخانه
صادر وعدهٔ ازعلماء ازقم مراجعت نموده وبرای تعیین تکلیف قطعی و نتیجهٔ
گرفتن ازاقدامات خوددرقصبه حضرت عبدالعظیم سکونت اختیار نمودند
و بیشتر برغلظت اوضاع افزودند ولوای سیاسی را درزیر نقاب مذهب وعدالت
خواهی برافراشتند. و تجمع مسجد جامع راتقویت بخشیدند ازطرف صدراعظم
عین الدوله برای تفرقه جماعت متحصنین مسجدجامع محمدولی خان سپهسالار
تنکابنی مامور تفرقه مجتمعین مسجد جامع گردیده وفوج سربازاطراف
بازار و مسجد را از هرطرف محاصره وراه آذوقه را بر روی اجتماع
کنندگان مسدود کردند تابجائیکه بین متحصنین وطلاب ومحاصره کنندگان
کار بزدو خورد کشید وبازار اغتشاش وهیجان گرم ترشد

رجال دربارمظفری نیز دوتیره بودندو برای مقام خود درخفااز یکدیگر
کارشکنی میکردند: دستهٔ متوقفین قصبه حضرت عبدالعظیم راتحریك میکردند
وعدهٔ برای مرعوب نمودن کسبه واهالی جمعی ازالواط شهررا واداشتند تا
شبانه داخل صحن حضرت عبدالعظیم شده ودرحال خواب مرحوم میرزا
مصطفی آشتیانی را باطرز فجیعی مقتول و بیشتر موجب وحشت وطغیان
را فراهم کردند ونیز جهة تکمیل مرعوبیت مردم فرمانی از طرف
عین الدوله درشهر بدیوار ها الصاق گردیده وعبور ومرور در شهر از
۳ساعت ازشب گذشته بدون اسم شب غدغن گردید . شبها مامورین
غلاظ وشداد وفراشان حکومت خانهای متمولین و مظنونین را دق الباب



(٥) - میرزا حسین خان قزوینی (سپهسالار)

مؤسس سورای دولتی وشورای وزراء

کرده ومیگفتند: ـ بیائید آب ببرید! بیچاره صاحب منزل بطمع بودن آب از خانه خارج وفوراً دستگیر وروانه محبس میگردید همه روزه تبلیغات اضطراب آور با کمال شدت درشهر وبین اهالی مخصوصاً طبقات اصناف بازاری و کسبه وتجار ازطرف محافل مخفی واشخاص ذینفع جریان داشت، عمال غیبی که هر دسته برای پیشرفت نظریه خود کارمیکردند با نهایت بیداری وزبردستی آب را برای ماهی گرفتن گل آلود نموده ودامنه تفتین بین رجال دربار مظفری ومردم ازهمه جا بیخبر را وسعت داده و عوام را بنام دین ومذهب وعدالت بطغیان دعوت میکردند

چنانکه ازطرفی عمال حکومت را باستبداد وفشار وتجاوز تشویق وترغیب مینمودند .وازجهتی طلاب علوم دینیه وهچمنین کسبه واصناف را بتمرد وسرکشی وغوغاوادار وآتش فتنه را دامن میزدند

علماء وفقها کمافی السابق درقصبه حضرت عبدالعظیم (ع) متوقف وجهة تهییج افراد ملت و ایجاد هیجان نماز جماعت را متروك و مساجد را تعطیل نموده وبولایات وایالات بنای کاغذ پرانی را گذارده بودند

دراین گیرودار عمال نقاب دار و مبلغین محافل خفیه بعنوان (امنیت وعدالت میخواهیم) کسبه واصناف را برفتن وتحصن در سفارت انگلیس ترغیب وتشویق میکردند . تازمینه برای التجاء بیرق بیگانه فراهم ومردم زحمت کش و کسبه از [illegible] توسل بخارجی را فوزی عظیم شمرده وجمعی بریاست حاجی محمدتقی معروف به بنکدار بابنه وبساط واعتبار کافی بسفارت [illegible] مدخل سفارت انگلیس را در شهر ییلاق تابستانی برای [illegible] دادند



۶ — صنیع‌الدوله فداکار راه اصلاحات مالی و اقتصادی عصر جدید
واولین رئیس دارالشورای ملی

فصل سوم

توسل به بیگانه

مسئله توسل به بیگانه وقبول خفت ومذلت از خارجه وطلب دخالت اغیار وپناه بردن درزیر بیرق اجنبی ، یکی از یادگارهای شوم دوره سلطنت قاجاریه میباشد ! که عمال دول استعماری فرنگستان برای تولید نفاق وتضعیف قوای ملی بکار برده وبدین وسیله استفاده های قابل توجهی از سادگی وعواطف افراد شرقی نموده ومقاصد سیاسی خودرا بنام خیرخواهی ونوع پرستی وقانون ونظامات طلبی از پیش برده اند

ولی موضوع اتکاء باماکن مقدسه وبست نشستن در ظل عنایت و عدالت شاهانه ومعابد از زمانهای قدیم درایران معمول بوده و درقرون اخیره سلاطین صفویه برای ترویج مذهب تشیع مردم را به تحصن دراماکن مقدسه مذهبی عمداً تشویق وترغیب مینمودند

بست نشستن وپناه بردن بنمایندگان خارجه بطوریکه کتاب آبی مینویسد از دوره محمدشاه قاجار وصدارت حاجی میرزا آقاسی سابقه پیدا کرده بود .

چنانکه درسنه ۱۸٤٤ میلادی مطابق ۱۲۶۲ هجری قمری جمعی به تحریك عمال نفاق انگیز خارجه که تازه ریشه دوانیده بودند : بعنوان شکایت از تجاوزات حاج میرزا آقاسی درسفارت روس و انگلیس تحصن اختیار کرده بودند ، واین عمل خیانت آمیز ومخالف شئون استقلال ملی و پرورش دهنده ضعف نفس بعداز دوره حاج میرزا آقاسی در بین طبقه

ممتازه که گاهی معمول شده بود وازطرف رجال دربار قاجار بادخالت بیگانه ماست مالی میشد . دراینموقع بطوریکه درضمن راپورتهای رسمی در جلداول کتاب آبی مینویسند : از مدتی قبل از تظاهر عانی بقیام و طغیان وتحصن در سفارت فیمابین برخی از علماء دین و اولیاء سفارت انگلیس مکاتبات محرمانه در جریان بود .

بعداز کشته شدن سید عبدالحمید وجنجال گرفتاری حاج شیخ محمد واعظ وتفرقه اجباری اجتماع مسجد جامع وجریان تجمع متوقفین صحن حضرت عبدالعظیم ، وضعیات روشن تر ومابین مرحوم آقای سید عبدالله مجتهد بهبهانی و (مستر گرنت دوف) شارژدافر انگلیس مکاتیبی بعمل آمده که یکی از مراسلات را ذیلا از کتاب آبی نقل مینمائیم .

« ماعلماء ومجتهدین چون راضی نیستیم خون ریزی بشود لهذا حرکت باماکن مقدسه را عازم گشتیم! واز آنجناب متمنی هستیم که در دفع ظلم وتعدی همراهی خود را از مادریغ ندارند » !

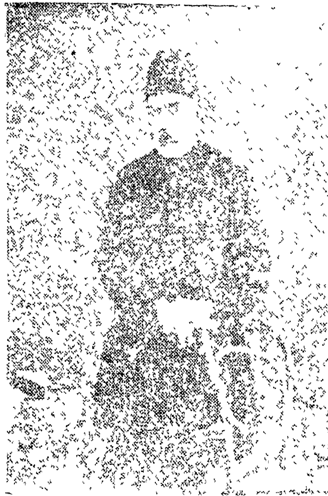
بعداز حرکت آقایان باماکن مقدسه دونفر که در راپورت رسمی مندرج در کتاب آبی اسم نمیبرند.! درسفارت قلهک باشارژدافر مذکور در زمینه تهیه وسایل تحصن مصاحبه بعمل آورده و مستر گرنت دوف چنین جواب داده اند :

« امیدوارم اقدام باین عمل نشود ، بااینکه بست نشستن ونگاهداری وحفاظت بستیان درمملکت ایران امری است مشروع ولی درصورت اقدام باینکار بازمجبوراست بواسطه قوه قهریه شما را مانع از دخول شوم »

با وجود تظاهر به تهدید و اعلام پیغام خشن در موقع ورود جمعی بسفارت ـ بهیچوجه اقدامی درجلوگیری از تحصن وبست نشستن

بعمل نیامد و بلافاصله عصر روز نوزدهم ژویه ۱۹۰۶ میلادی مطابق ۱۳۲۳
هجری قمری قریب پنجاه نفر از طلاب و تجار و اصناف به محل سفارت طهران
رفته و شب را در آنجا ساکن شدند. و بر عده ایشان روز بروز منظماً افزوده
میگشت، تا بجائیکه تعداد نفرات متحصنین به چهارده هزار نفر بالغ شد.

بیست چهارم رجب ۱۳۲۴ هجری



(۷) — میرزا علی خان کاشانی (امین الدوله)
مصلح تشکیلات کشوری و مؤسس مدارس بطرز جدید

هر دسته و صنفی از مجتمعین در سفارت انگلیس چادر مخصوصی
برای صنف و طبقه خود بر پا نموده و تحصن اختیار کردند. بازارها عموماً تعطیل
و محل نمایندگی خارجه پناهگاه و مسکن اجتماع طبقات تجار و اصناف گردید
معلوم است در یک چنین موقع سوریان حاشیه نشین باغ مصفای
سفارت را استراحتگاه خود قرار داده و دود ودهی راه انداخته بودند

اوضاع جماعت متحصن ازهر جهة تماشائی بود و همانطور که موضوع سرمایه اصلی و مخارج متوقفین قصبه حضرت عبدالعظیم کاملا برای ارباب بینش مجهول بود ـ دوران ثروت پناه جستگان سفارت نیز مسئله بغرنجی را تشکیل داده بود

برخی معتقد بودند که ازطرف تجار عمده برداخته میشود . وبعضی میگفتند وجوهات ظل‌السلطان یاسالارالدوله. ومیرزاعلی اصغرخان اتابك‌مشکل گشائی مینماید و بالنتیجه شاید همه میدادند و برضد همدیگر کارشکنی میکردند . وهر کدام درطریق‌مقصود نظربه خاصی داشته در پی اغراض خود افتاده بودند . درهرصورت سور وپلو درراه وبالاخره نتیجه برله ملت تمام شد . !

باالجمله از طرف خزانه غیبی بعنوان صندوق تجار بساط را سرو صورت داده‌بودند ویك‌جماعت‌چهار ده‌هزار نفری راشام‌وناهارحا[illegible]

منظره مطبخ ملی بی تماشا نبود مثلا دیگهای پلو مانند خط زنجیر سپاهیان حبشه و افریقای مرکزی جهة جبهه شمالی باغ سفارت را اشغال نموده وهنگام ظهر یااول شب که وقت صرف ناهار یاصرف شام خوردن‌بود. مجموعه‌های پلو بتناسب کثرت وقات‌نفرات چادرها تقسیم وجوانان اصناف هر کدام یك مجموعه از برنج پخته ودم نکشیده وظرف خورش قرمه سبزی وقیمه‌را بوسر گرفته وروبطرف چادر های‌قلندری مأوای خود درحرکت بودند .

رفت‌وآمد سرپائیها منظره زیباوقابل توجهی را برای کنجکاوان تاریخ نویس تشکیل داده وشعرای حاشیه نشین بمدیحه سرائی باغ وپلو نغمه‌سرائی کرده وقطعات اشعاررا زیب چادرهاودرختان‌باغ کرده‌بودند . هرصنف‌وطبقه ، مطابق ذوق وسلیقه خود چند کلمه بافته ادبای دیمی را

در روی قطعه مقوا ترسیم و نوشته‌را در رهگذرها آویخته بودند و بدین وسیله بروز احساسات میکردند .

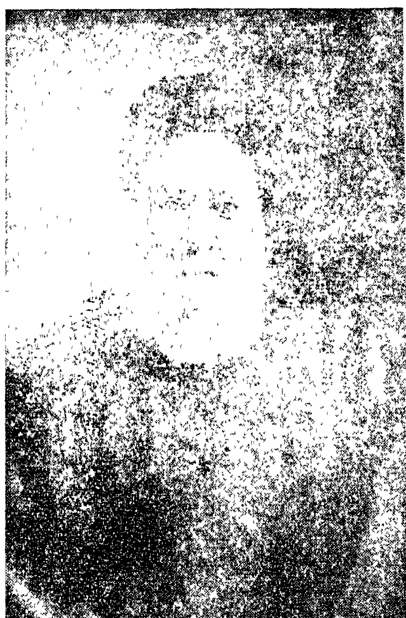
***

در بین گروه اجتماع کنندگان ظاهر آحرف و مطالبی غیر از تقاضای امنیت و اجرای احکام شرع و عدالت و اصلاح دربار ذکری نبود درغالب شبها مرحوم حاج سید عبدالحسین واعظ اصفهانی در چادر طلاب متحصن بمنبر بالا میرفت و شرحی از مظالم و تجاوز افراد ظالم یا محاسن عدالت و قانون گوشزد مستمعین نموده و مقداری گریه برای شهدای کربلا (ع) میگرفت و مجالس روضه‌سرائی تاشب بعد برای خوردن شام تعطیل میگردید . خلاصه آنکه مردم بطور کلی ندانسته میرقصیدند - و باستثنای بازیگران مخفی وسرجنبانان اجتماعی دیگران نمیدانستند چه میخواهند و چه باید بخواهند باتمام بیخبری های عامه از جریان وضعیات شعور ملی و هیجان - روح ترقی و تکامل طلبی روز بروز برقوت خود افزوده و نشوونما مییافت.

قرائن و امارات و اوضاع و احوال نیز بمردمان کنجکاو نشان میداد که موضوع اینقدرها ساده نیست . و در زیر پرده استتار اسرار و مذاکراتی در جریان و کیفیتی در کار است که توده ملت و اغلب مجتمعین و ستیان سفارت انگلیس را از آن اطلاعی نیست - در بین اجتماع کنندگان محافل‌سری باترتیبات منظم بخوبی دایر ومشغول کار بودند.

چنانکه عدهٔ را مخفیانه برای انتظامات بکار گماشته و کلیه اقدام وحرکت رفت‌وآمد کنندگان را درتحت نظر گرفته بودند - در زمینه انتظام طلبی و نجابت فطری وحسن طینت ایرانیان دریك‌چنین هنگامه شوروغوغا راپورت رسمی اولیاء نمایندگی انگلیس درطهران بوزارت خارجه لندن چنین توضیح میدهد :

«رفتار جمعیت خیلی موافق نظم و ترتیب بود: حسن انتظام و ترتیب داخلی متحصنین بواسطه رؤسای‌مات تأمین شده‌بود، و کسانیکه احتمال فساد در حق ایشان میرفت . درسفارت و میان خود راه نمیدادند . برای حفظ از آفتاب و بارندگی در سفارتخانه چادر های بسیار برپا بود وامور شام ونهار متحصنین چنان نظم‌وترتیبی داشت که بهیچوجه



(۸) - سید محمد طباطبائی مجتهد سنگلجی

تغییری در ساعات و مکان آن داده نمیشد . کلیه مصارف و مخارج را جمعی از تجار معتبر کفیل بودند . کلنل دو کلاس آتاشه میلتر مواظب ابنیه و عمارات سفارت بود باوجود اینکه بهیچوجه باینکار احتیاج نبود.»

چه خود متحصنین بیش از پیش رعایت نظم و ترتیب وقانون را مینمودند.»
نقل از جلد اول کتاب آبی »

***

از طرف مجتمعین جمعی را برای تهیه اطلاعات گماشته بودند و قسمتی راجهة نشر عقاید و تبلیغ نظریه مؤسسه غیبی مأمور کرده بودند

نگارنده که خود شاهد قسمتی از قضایا بودم خوب بخاطر دارم روزی بشعبه تبلیغ خبر دادند که از طرف مرتجعین و مخالفین در بین جوانان نجار واره کش اعمال غرض شده وجوانان نجار از اینکه نمیدانند چه میخواهند و برای چه اینجا آمده و از کار بیکار شده اند . ناراضی و عصبانی شده و با نق نق زیاد خیال تفرقه دارند . اگر موجبات تفرقه پیش آید لطمه وشکست بزرگ بنهضت آزادی‌خواهی وارد خواهد شد

ازهمه بدتر آنکه جوانان اره کش عوامند و حرف حساب بخرجشان نمیرود و نمیدانیم باآنان چگونه باید رفتار کرد . اگر این دسته زبان نفهم از سفارت بیرون بروند طبیعی است شکست درقطار افتاده و دربین کسبه و اصناف نقاصت خواهد افتاد و کار متحصنین بلا نتیجه وزار خواهد شد !

شورای مبلغین شروع به رای‌زدن نموده وهریك چیزی گفتند .
یکی از سردسته های مبلغین زبر دست معروف به مشهدی حسین شیشه‌بر - دستور تبلیغ‌را بدین‌نهج صادر نموده و گفت بجوانان نجار بگوئید : برادران دینی . متحصنین سفارت که شما اخوان خود از آنها هستید میگویند : در این روز ها کاری صورت عمل بخود گرفته ، که شمر از ارتکاب آن شرم دارد و عرش خدا بلرزه آمده . برای آنکه گناه لواط از قتل امام بالا تر است از این معصیت کبیره بالاتر .



(۹) سید عبدالله مجتهد بهبهانی

تخریب بنیان بیت المال مسلمین است از تمام اینها عظیم تـر تضییع اخلاق اطفال وجوانان نادان ومعصوم‌است. برادران‌دینی، مگر نشنیده‌اید کـه بواسطهٔ مجالست یکشب با عزیز رقاص یهودی عشرت آباد که یکی ازباغهای معروف سلطنتی است . بعزیز بخشیده شده و این مسئله طوری درانظار کافر ومسلمان بدنماشده که هرجوان فاسدی هرروزو هرشب خیال دارد عزیز بشود! تاصاحب باغ عشرت آباد گردد، معلوم است با این تـرتیب دامنه بیغیرتی بالا خواهد گرفت و شریعت غرای محمدی‌ازدست میرود ! قربان جوانانی میروم که حاضرند جان‌خود را فدای دین وناموس بنمایند .

بقدری این کلمات در حضار تاثیر بخشید که تمام جوانان هم قسم‌شده‌وتاآخر تحصن مردانه‌ایستادهٔ وبابیکاری و گرسنگی ساختند. (*)

خلاصه پس از کشمکش زیاد بین ملیون و دربار مظفری چنانکه قسمتهای برجسته آن بعداً توضیح داده خواهدشد .

عاقبت‌الامر شاهزاده عین الدوله ازمقام صدارت عظمی بر کنار ومقام خودرا تسلیم مرحوم میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نائینی نمود. واز طرف مظفرالدین شاه مرحوم عضد الملک رئیس سالخورده طایفه قاجاریه برای استقبال ومراجعت آقایان‌علماء‌بطرف قم وحضرت عبدالعظیم عازم . وآقایان را باسلام وصلوات بدارالخلافه وارد و دستخط تاسیس دار الشورای ملی و انتخاب وکلاء در چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۴ هجری قمری صادر و بجریان تحصن خاتمه داده شده و بازارها مفتوح وکسبه وتجار پس از شش ماه بلا تکلیفی بکسب‌وکار مشغول شدند.

(*) عزیز بچه رقاصی بود یهودی کـه بواسطه یکسب رقص در قصر نیاوران علاوه بر استفاده ازحقوق نقدی و ماهیانه ، فرمان تملک باغ عشرت آباد را دریافت وچندی مالك عشرت آباد شده بود .)



۱۰ - میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نائینی
تشکیل دهنده مجلس مؤسسان

فصل چهارم

دوره اول ـ انتخابات طبقاتی

اولین جلسه انتخابات دوره قانونی مشروطیت درروزهیجدهم اوت ۱۹۰۶ میلادی مطابق ۱۳۲۴ هجری قمری دراطاق نظام ـ محل فعلی عدلیه دایر و چندی بعد فرمان انتخابات عمومی و طبقاتی بایالات و ولایات مخابره گردید .

ولی برای آنکه افتتاح رسمی دارالشورای کبری ملی یامجلس مؤسسان به تاخیر نیفتد وتسکینی در خاطر افکار تحریک شده حاصل آید . پس ازمشاجرات زیاد بین رجال دربار وزعمای قوم قرار براین شد که پس ازمعلوم شدن نمایندگان طهران مجلس رسمیت یافته ورسماً شروع بمذاکرات برای تهیه مقدمات انجام امور مشروطیت بنمایند .

چنانکه خوانندگان عزیز ملاحظه فرمودند ـ مشروطیت ایران بدون خون ریزی و بالماس مقاومت ومختصر اعتصابات اقتصادی ومذهبی حاصل شد ومعلوم است چیزیکه بسهولت و باتفاق آرای ملا بانجام باید . باهمان سهولت برایگان ازدست میرود ـ همینطور هم شد . طوریکه بعداً مشاهده خواهند نمود .

***

انتخابات طبقاتی دارالخلافه باکمال عجله ونهایت سرعت عمل و بدون سروصدا صورت گرفته . وپس از جمع شدن شصت وچهار نفر نمایندگان اصناف وتجار ـ رجال و ملاکین و اعیان و شاهزادگان و طلاب علوم دینیه مقیم طهران ـ اولین جلسهٔ دار الشورای ملی باحضور

مظفرالدین شاه درهیجدهم شعبان ۱۳۲٤ هجری قمری مفتوح گردید ونیز بعداز چندی نظامنامه اساسی درماه ذیقعده همان سنه تدوین وبامضای مظفرالدین شاه ممضی ومجرای گشت .

وکلای طبقات مقیم ابالات وولایات بتدریج انتخاب و بطرف طهران اعزام وپیاپی بمرکز وارد وبرقدرت واهمیت مجلس می افزود .

نمایندگان آذربایجان باحرارت مخصوصی ازطرف اهالی تبریز انتخاب وبااستقبال وهیاهوی مؤثری وارد دارالخلافه شدند، شوال ۱۳۲٤ هجری قمری - ورودمنتخبین آذربایجان ازنظر تاریخی بی شباهت بورود وکلای مارسیل (ژاکوبنها) درانقلاب ۱۷۸۹ میلادی بپاریس نبود - چه همان طورکه (ژاکوبنها وژیروندنها) سبب توسعه انقلاب فرانسه شدند ، همینطور ورود وکلای آذربایجان باعث ازدیاد حرارت مرکزیان شده و دنباله انقلاب آرام را بجدال وخون ریزی کشانیدند ، ونهضت آزادی وقانون وعدالت خواهی بیشتر ازهمه جا در تبریز اثر بخشیده بود .

برای آنکه اهالی تبریز سالها بود مورد فشار و تعدی اطرافیان مظفرالدین شاه ومحمد علی میرزا واقع گردیده اززجر وجبر بتنگ آمده وبرای هرنوع فداکاری مستعد وتقاضای خاتمه به بلاتکلیفی وایام بهتری را داشتند، باالجمله اولین مباحثات مجلس درزمینه اصلاح مالیه ودخالتهای مسیو نوز بلژیکی درامور بیت المال شروع ومیرزا ابو القاسم خان ناصرالملك همدانی وزیر مالیه را برای استیضاح بمجلس طلبیدند - وتوضیح ایشان بر غلظت اوضاع افزود چه ناصرالملك درجواب استیضاح مجلسیان اظهار داشت که : اینجانب بیش از یکنفر محاسب نیستم واطلاعی از گذارشات

مالی ندارم ! وحساب بدست وزیر خزانه مسیو نوز میباشد) (*)
روشن شدن مطلب برشدت هیجان افزوده مجلسیان جداً انفصال مسیو
نوز)را از دربار خواستار شدند .

کشمکش بین مجلس ودربار که باطناً مخالفت باپیشرفت سیاست
استعمار خارجی درمملکت بود سبب ضعف کابینه اولیه مشروطیت شده
ومرحوم میرزانصرالله خان مشیرالدوله مستعفی وعبدالحسین میرزافرمانفرما
کابینه خود را به ترتیب ذیل بموجب دستخط مظفرالدین شاه بمجلس
معرفی کرد :

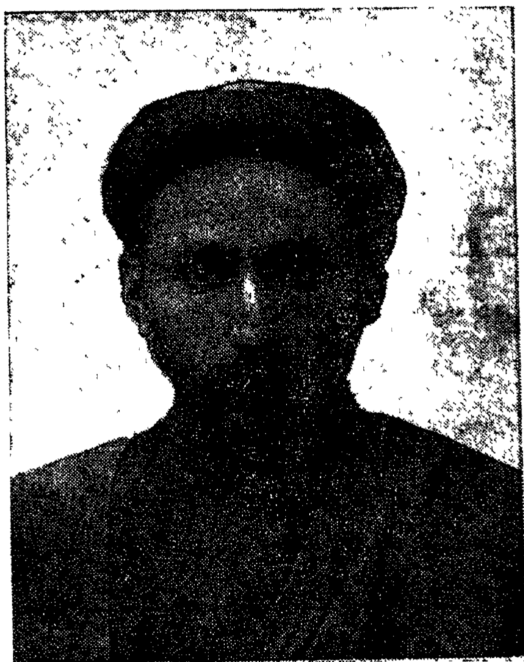
فرمانفرما رئیس الوزراء و وزیرعدلیه ، علاء السلطنه وزیر امور
خارجه، وزیرافخم وزیرداخله، ناصرالملك وزیرمالیه، کامران میرزانایب-
السلطنه وزیرجنگ، مهدیقلی خان مخبرالسلطنه وزیر علوم واوقاف ؛
مهندس الممالك وزیر فوایدعامه ، وزیرهمایون وزیر تجارت، معاون الدوله
وزیر دربار ورئیس اداره پستخانه ،

دردوره اول مشروطیت اولین صورت بودجه جمع وخرج قانونی توسط
ناصرالملك وزیرمالیه بمبلغ سه ملیون وصد وهشتاد هزار وسیصد وشصت
تومان کسر بودجه تقدیم مجلس گردید ، ۲۲ مارس ۱۹۰۷ میلادی
مطابق ۱۳۲۵ هجری قمری

***

بالجمله صلای آزادی و مشاجرات بین مجلس و دربار مظفری
باعث ازدیاد توسعه اجتماعات گردید، انجمنها وصفوف ملیون برای

* (چون برطبق قرار داد استقراض از روسیه گمرکات شمالی بوثیقه رفته بود
وانتخاب مسیو نوز برای اصلاح اوضاع مالی تقریباً بانظر روسیه انجام گرفته ومسیو نوزدر کار
های مالی فعال مایشاء شده هر کاری میخواست و منافع او اقتضا میکرد انجام میداد)



(۱۱) — سید جلال الدین کاشانی (مؤید الاسلام)

مؤسس ومدیر نامه ملی حبل‌المتین

تقویت مجلس ومبارزه جهة اخذ وحفظ‌حقوق عمومی وتثبیت مشروطیت نوزاد خود آرائی میکردند .

بهارستان ومسجدسپهسالار دائماه‌ملواز اجتماعات و بواسطه‌تجمع طبقات آزادیخواه وتماشاچیان وعمال وپادوهای این و آن قیافه مدهشی بخود گرفته بود. عصرها ناطقین بوسیاه نطق مردم‌را تهییج کرده و بیانات سرشاری ازطرف اشخاص مختلفه مشکوك که‌غالباً آلت اغراض‌سیاسی بودند ادا میشد ! وباعث بسط نفاق ودوری فیمابین مجلس ودربار می گردید . در این میان انجمنهای آذربایجان . برادران دروازه قزوین؛ اصلاح خواهان وحقوق وآدمیت. نقشه مخفی وعمدهٔ رابازی‌میکردند. وتقاضای تکمیل قانون اساسی را مینمودند .

بالاخره تقاضای ملت توسط محمدعلی میرزا که‌اخیراً بواسطه بستری بودن پدرتاجدار بمرکز احضارشده بود . بسمع شاهانه رسیدو متمم قانون اساسی پیشنهادی دارالشورای ملی در شوال ١٣٢٥ هجری قمری بامضای مظفرالدین شاه‌مزین وبعامه اعلام گردید ، درهمین‌اوان مظفرالدین‌شاه که ازمدتها قبل‌مریض وبواسطه شدت مرض بستری شده بود دنیارا وداع گفته ومحمد علی‌میرزا رسما بدون‌منازع تخت و تاج پدرراتصاحب‌وتکیهٔ‌براورنگ خسروی‌زد.(*) ذیحجه١٣٢٤هجری‌قمری

(*) مظفرالدین شاه آدم نیك نفس دیندار ولی ضعیف‌النفس و بزدل بود ، متلك گوها شهرت‌داده‌بودند که‌مظفرالدین باآندك انقلاب در جو مانند رعد و برق از سید بحرینی استمداد جسته خود را درزیر عبای سید پنهان میکرد . . یاهنگامیکه بحمام میرفت قبلا امیر بها د ر رئیس کشیك خانه درصحن حمام داخل شده و چند ضربه شمشیر به آب خزانه‌زده ومیگفت قربان جنهارا کشتم !

قطعااین‌اراجیف را مضمون گو ها ساخته وبدهنها انداخته بودند ولی از اینکه مظفرالدین ضعیف العقل و جبون و بی اراده و بواسطه معاشرین نادان بد سابقه قوای روحی وجسمی را از دست داده بود و باضمحلال مملکت بوسیله‌استقراضهای سنگین واتلاف و مبالغ هنگفت کمك میکرد حرفی نیست!)



(۱۳) - آقای سید حسن تقی زاده نماینده مبرز دوره
اول مجلس شورای ملی

محمد علی میرزا پس از تسلط به تاج وتخت یکصد وپنجاه ساله سلسله قاجار بدوا روی خوش بملیون نشان داده وبا گرفتن متمم قانون اساسی چنانکه اشارت رفت ، باملت همصدائی وهمراهی میکرد اما بعد ورق بر گشت و بواسطه تلقینات امیر بهادرها و(شاپشال روسی) درصدد برهم زدن اساس مشروطیت بر آمد وبرای پیشرفت مقصود خویش باروس های تزاری بندوبست نموده وهمیشه گفته بود : هروقت بخواهم سی هزار قشون قابل وپول زیاد دراختیار خود خواهم داشت . بیچاره روی همین قیاس بیجا ووعده های عرقو بی عاقبت تسلیم سفارت روس شده وباعث ننگ گردید .

خلاصه مسئله بندوبست باروسها موجب ازدیاد غبطه انگلیس ها رافراهم وموجبات خلع راتسریع کرد ـ دراین زمینه بموجب مندرجات کتاب آبی (سرا سرینك رابس) وزیر مختار انگلیس مقیم طهران بوزارت خارجه لندن چنین راپورت داده است :ـ

(شنیده شده است که دول خارجه چنان مایل باقتدار شاه میباشند که اگر تزلزل سخت وخطر شدیدی آنروی دهد نظر بحفظ آن البته مداخله خواهند نمود . بنابراین من بایك جدیتی شاه را آگاه ساختم ـ اگر بامید معاضدت و کمك خارجه آن اعلیحضرت را بمجادله بر می انگیزانند . حمایتی نخواهد شد . دولتین روس وانگلیس هردومصمم شده اند که بمداخله نپردازند مگر درموقع محافظت منافع ومصالح خویش ! واتباع خود «نقل از کتاب آبی صفحه ١٥٠ »)

***

معلوم میشود دیپلوماسی روسیه دوسر دبازی میکرد از یکطرف محمدعلی میرزا را تشجیع بسر کوبی آزادیخواهان وملیون میکردند ٠

ازطرف دیگر باانگلیسها شاید طوردیگر حرف میزدند .

درهرصورت دردربار محمد علی‌میرزا مقدمات خرابی مجلس فراهم وسید هاشم تبریزی که یکی ازسرجنبانان محله شتربان تبریز بود وبواسطه مخالفت خودبامابیون آذربایجان معروف واخیراً بطهران لنگر انداخته بود . بامساعدت مادی و معنوی محمد علی میرزا جمعی ازافراد اراذل طهران وتبریز را دورخود جمع و شروع بدسته بندی کرد ، و نیز مرحوم شیخ فضل‌الله و ملا محمد آملی پیشنماز مسجد مروی با اسلحه تکفیر مابیون ووطن‌خواهان را بباد فحش گرفته و ضنیع حضرت چاله میدانی و مقتدر نظام سنگلجی جوانان محلات دارالخلافه را جمع آوری ودرکوی و برزن فریاد (مادین نبی خواهیم) (مشروطه نمیخواهیم) را بفلك رسانیده وشعله حریق فتنه را دامن میزدند ، طبیعی است درقبال‌رجاله بازی مرتجعین مابیون ومجاسیان که ازکنه کار باخبر بودند ، نیز بیکار ننشسته و بالنتیجه کیفیت میدان توپخانه وقتل چند نفر بیگناه فراهم شد (۱۶ ذیقعده ۱۳۲۵ هجری قمری) بعد از تظاهرات بسیار چون محمد علی میرزا قوای خود را کافی برای مقابله‌ندیده ـ ! خود موجبات تفرقه تعزیه گرداناں میدان توپخانه را فراهم ساخته واجرای مقاصدباطنی‌را بموقع مناسب دیگری محول داشت، باوجود تفرقه‌میدان توپخانه‌بازارهامدتی بحال‌تعطیل باقی وعلت هم توقیف وتبعید ناصرالملك وزیر قانون خواه باروپا بود .

خلاصه مصلحین بمیان افتاده وکارهای کسبه بجریان افتاد ولی اوضاع‌سکونت‌نیافت‌وساعت‌بساعت‌بسوی‌هرج‌ومرج‌وآشفتگی‌سیرمیکرد. واخبار ناهنجاری از ولایات وایالات بطهران‌میرسید وسبب پریشان‌خیالی

مجلسیان وملیون میگردید، فشار ووحشت موجب شده بود که نمایندگان اصناف وتجار مرتبا شبها در گرد یکدیگر جمع واز گذارشات عمومی همدیگر را مطلع بدارند - الواط واراذل نیز بتحریك مخالفین مشروطیت بیکار ننشسته برای مرعوب کردن اهالی وبیزاری مردم از مشروطه و قانون دربازار و کوچه افراد کسبه وصلح طلب را بباد فحش و چپاول گرفته وعبا وردای عابرین را بمصادره میبردند .

اینگونه اقدامات شرارت انگیز نه تنها از طرف حکومت وقت جلوگیری وممانعت نمیشد - بلکه تقویت هم میشد .

تاجدار جدید محمد علی میرزا درباغشاه بیرون دروازه شهر منزل گرفته وکاملا پریشان حواس وعصبانی بود .

درهمان اوان زبانزد عوام شده بود که محمد علی میرزا شبها درحال مستی وبیخودی هفت تیر خودرا کشیده وتیرمی انداخت ومیگفت: « تقی زاده وسید جمال را کشتم » البته تکرار این عبارت در زبان خواص وعوام درهرمحفل ومجالس خالی از اغراق نبود ولی پربی جهة هم شهرت نداشت ومعلوم بود محمد علی میرزا ازتندی نقشه های سید حسن تقی زاده وبیانات مؤثر مرحوم سید جمال الدین واعظ اصفهانی درهراس واز رویه قائدین ملت نگران واز اوضاع بیمناك بود بویژه از سید جمال الدین وتقی زاده که بیش ازهرکس درمرکز وپایتخت یکی درمجلس ودیگری دربین جماعات بوسیله نطق وخطابه عامه را برای مبارزه با ارتجاع وقبول تجدد دررویهٔ زندگانی ونهضت فکری وانقلاب



(۱٤) - خطیب ملی سید جمال‌الدین واعظ معروف اصفهانی

آمادهٔنموده‌ومریدان وشاگردان‌خوبی برای روزمبادا حاضرمیکردند. *

***

بالجمله درنتیجهٔ ازدیاد نفاق و کدورت فیمابین‌محمد علی‌میرزا و ملت موجبات برهم خوردن دار الشورای ملی و توپ بستن مجلس فراهم گشته ودر ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ هجری قمری مجلس شبانه ازطرف دستجات قزاق وسرباز سیلا خوری‌وممقانی درتحت فرماندهی فرمانده‌جوان‌روسی (لیاخوف)محاصره وبعدازهفت‌ساعت‌جنگ وشلیک توپ وتفنگ جمعی کشته وعدهٔ زخمی و برخی اسیر گردیده ، بالنیتجه مجاس ومجلسیان متفرق وباغشاه منبع جور ومظالم گردید .

استبداد واشتداد درشهر حکفرما وهیچیك از افراد آزادیخواه وکسبه وصلح طلب بزندکانی خود تامین نداشت .

روز ۲۵ جمادی الاول یعنی دو روز بعد از خاتمه کار مجاس حکمی بامضای کلنل لیاخوف روس فرمانده بریگارد درشهر منتشر و

(*) مرحوم سید جمال الدین ناطقی فصیح ومبرز وشجاع وفداکار بوده وکلمات سیدرا در سامعه مستمعین اثر خاص بود ، بطوری خطابات جانگداز معظم له بسمع قبول تلقی م شد که جمعی از کسبه بازار ازسرمایه وکار صرف نظر کرده وبافروش اثاثیه منزل تفنك وطپانچه تهیه دیده دیوانه‌وار شبها برای اجرای اوامر وحمت آقا پای منبر حولان میدادند ،

خلاصه‌وعظ آقا همه‌روزه بطورورقه فوق‌العاده درتحت عنوان (الجمال) طبع و نشر میگردید . برای نمونه گفتار ایشان چند سطری از نامه الجمال نقل مینمائیم:- (ای مردم از چون خودی نباید ترسید ، همانطور که بواسطه وهم وخیال از شیاطین وجن پری رم نباید کرد ، همینطور باید دانست که فراشهای قرمز پوش مانند شما یك سر-دارند ودو گوش وابداً قابل اهمیت نمیباشند ، خدای‌هردوی شمایکی‌است وهردوبهم احتیاج دارید چیزیکه هست آنان از رعب وترس وهراس شماها کوساله بیزبان استفاده کرده وباهمه‌چیزتان‌بازی میکنند)



(۱۲)- میرزا جهانگیر خان صور سردبیر روزنامه صوراسرافیل
و شهید راه آزادی

چند روز بعد حکم لیاخوف بوسیله دستخط مشیرالسلطنه صدراعظم تصحیح گردید.

دستخط مذکور توضیح میداد که شاهزاده مؤیدالسلطنه حاکم معمولی شهراست و کلنل لیاخوف حکمران نظامی ! و هیچیك نباید در کار یکدیگر مداخله ننمایند، ونیز فرمانی ازطرف محمد علی میرزا صادر شد ودرآن فرمان اصلاحات فراوانی راوعده میداد که ازآنجمله بود:- اصلاح وتوسعه معارف ! تجارت و مؤسسات صنعتی وغیره.

***

در جریان زد و خورد مجلس تقریباً دویست نفر از سران ملیون اسیروبرخی مانند:- مرحوم ملك المتکلمین، میرزا جهانگیر خان صور، روح القدس وغیره معدوم وآقایان سید محمد مجتهد طباطبائی و سید عبدالله مجتهد بهبهانی تبعید گردیده و حضرات آقای سید حسن تقی زاده و مرحوم بهار الواعظین از خطر جسته و بسفارت انگلیس پناهنده ومرحوم سید جمال الدین واعظ اصفهانی فراراً بطرف لرستان حرکت ودر بروجرد مقتول گردید.

فرمان حکومت نظامی بتاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی مطابق ۱۳۲۶ هجری قمری به ترتیب ذیل در شهر پایتخت اعلام گردید:- «چون طهران وسایر شهر های دیگر مماکت در تحت قانون نظامی خواهد بود،

لهذا برای جلوگیری از افساد وبرقراری نظم وآسایش عموم- ما بموجب این فرمان امر وحکم میفرمائیم که کلیه اجتماعات در خیابانها ومحلات ومیدانها و بعلاوه جمع شدن عده کثیری ازمردم یابیرون شهر یادرمنزلهای شخصی وقتی قانونی خواهد بود که اجازه ازحکومت گرفته شود

بموجب این فرمان امر میدهیم که اگر برخلاف این ترتیب اجتماعی در خیابانها و محلات و میدانها بشود ، بقوه قهریه نظامی مجتمعین را متفرق خواهند کرد .

در صورت عدم اطاعت و مقاومت بقوهٔ قهریه و شلیك تفنگ آنها را متفرق خواهند نمود .

محض اینکه این نوع اتفاقات ناگوار بر رعایای ما وارد نشود ، ما نیز حکم مینمائیم که حتی در کوچها یا مساجد یا نقاط دیگر برای تماشاهم جمع نشوند ، در صورت عدم اطاعت باین احکام :

اول ـ رؤسای این اجتماعات و اشخاص دیگر که مربوط باین اجتماعات بوده بحکم حاکم ـ دستگیر وسه ماه محبوس خواهند شد

دوم ـ فرمانده بریگاد قزاق کلنل لیاخوف بحکومت شهر معین گردیده است .

رئیس نظمیه و فرمانده نظامی در تحت اوامر او و فرمان او خواهند بود .

سوم ـ آن اجتماعاتی که عمومی از قبیل تجار در تجارتخانها. قهوه خانها و اصناف که قانونی است ـ پس از سه ساعت از شب گذشته ممنوع است .

چهارم ـ حمل اسلحه بدون اجازه حاکم ممنوع است ومرتکبین بر وفق ماده اول این فرمان مجازات خواهند شد .

حتی آن اشخاصی که اجازه حمل اسلحه دارند باید بلیط مخصوص از حکومت داشته باشند ،

پنجم ـ اشخاصی که بی احترامی به‌نظام بکنند بطورمذکور تنبیه‌و همچنین بسربازاجازه‌داده خواهدشد که اسلحه خودرا بطرف آنها بکشند

ششم ـ تعیین تنبیه برای تقصیراتی که در این مواد ذکرشده‌در ولایات برعهده مأمورین مسئول محلی است.

هفتم ـ اجرای این احکام از تاریخ‌صدور آن خواهد بود .

امضاء (محمد علی شاه قاجار)

فرمان عفو عمومی

بتاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی

« جناب صدر اعظم ، مقصود ما اعاده نظم در مملکت است و اقداماتی که برای دستگیری خائنین و مفسدین بعمل آمده محض آسایش و راحتی مردم است .

و برای اینکه اهالی بی تقصیر ومصالح بیش از این دیگر دچار زحمات و صدمات نباشند بموجب این دستخط مسروریم که اعلان عفو عمومی نموده وصریحاً اظهار میداریم که ما عفو مینمائیم :

تمام اشخاصی که نسبت بآنها سوء ظن برده شده است اما آن اشخاصی که دستگیر شده اند ، مجلسی مرکب از اشخاص سالم و بی طرف تشکیل داده خواهد شد و سوابق آنها را بدقت رسیدگی خواهند نمود .

هر کس بی تقصیر باشد مرخص خواهد شد ولی مشروط براین که‌مردم ازحدود قانونی که حکومت نظامی ترتیب و منتشر نموده‌تجاوز نکرده و اقداماتی بر خلاف قاعده و قانون ننمایند ۲۵ جمادی الاول ۱۳۲۶ هجری قمری .

امضاء (محمد علی شاه قاجار)

***

بلا فاصله بعد از ابلاغ فرمان حکومت نظامی در تمام ممالکت ازطرف محمد علی میرزا برای اجرای فرمان‌مزبور مواد ذیل ازجانب حکمران نظامی دارالخلافه طبع و انتشار یافت ـ اعلان حکومت نظامی ۲۵ ژوئن۱۹۰۸میلادی

« حسب‌الامر اعلیحضرت همایونی محض آسایش مردم واجرای قوانین ووظایف قوای‌شهری وهمچنین برای‌اطلاع‌عموم موادذیل دستور لازم شمرده میشود :ـ

۱ـ استقرار نظم درشهر مخصوصاً به بریگاد قزاق اعلیحضرت همایونی وژاندارمری و افواج خاج وزرند محول گردیده است

۲ ـ اشخاصیکه برخلاف این قوانین رفتار نمایند مورد مؤاخذه سخت واقع خواهند شد اشخاصی که مظلوم واقع گردیده اندمیتوانند شکایت خود را باداره من یا خود من شخصاً ابراز دارند .

۳ ـ هر کس بکس دیگر تعدی و ظلم نماید باحضور شخص مظلوم واطلاع نماینده حکومتی تنبیه خواهند گردید .

در صورتیکه بکسی اذیت یا مال کسی دزدی شود آن شخص میتواند مراتب را بقزاقیکه مامور قراولخانه است اطلاع بدهد .

٤ ـ قیمت نان‌و گوشت به نرخ حالیه باقی خواهدبود

اگر میزان قیمت گرانتر فروخته شود جریمه از فروشنده گرفته خواهد شد !

۵ ـ اگردر کوچه بیش از پنج نفر جمع شوند بقوه قهریه‌آنها را متفرق خواهند ساخت

٦ . اشخاصیکه مشغول فروش اسلحه هستند بعد از این بدون

اجازه من مجاز بفروش نخواهند بود و اجازه فقط از طرف من داده خواهد شد .

۷ ـ اگر تیری در شهر دربرود قزاق بآن نقطه فرستاده خواهد شد ـ درصورتیکه تیر بلا اراده باشد مرتکب برای یك مدتی محبوس خواهد گردید .

اگر کسی در شب بدزدی درخانه تیر بیندازد قزاق باید وارد خانه بشود وکسب اطلاع بنماید اگر تیر با قصد عمد در رفته شده باشد مرتکب سخت مجازات خواهد شد .

۸ ـ به اشخاصیکه بارکاه یا هیزم یا بارهای دیگر در کوچها گذارده ومانع ازعبور مردم میشوند اخطار میشود که بعد ازاین دیگر بدین عمل مبادرت نورزند ،

۹ ـ اگر از خانه قراول کوچه تیر انداخته شود آنخانه توسط توپ خراب خواهد شد .

۱۰ ـ کالسکه ها باید درسمت راست کوچه پشت سرهم بایستند درشکه چیهائیکه باین ترتیب رفتار ننمایند مورد مؤاخذه سخت واقع خواهند شد .

۱۱ ـ آب پاشی وجاروب کردن کوچه بر عهده صاحبان خانه و مستاجرین است :

۱۲ ـ من خواهش معاونت از تمام اهالی طهران برای استقرار نظم درشهر مینمایم ـ

«رئیس وفرمانده بریگادقزاق اعلیحضرت همایونی کلنل لیاخوف

ابلاغیه مشیرالسلطنه صدراعظم

۷ ژوئیه ۱۹۰۸ میلادی

بموجب این ورقه بتمام ساکنین شهر طهران اخطارمیشود

تامدتیکه پایتخت درتحت قانون نظامی است بریکاد قزاق وافواج ساخلو در قراولخانها و ژاندارم در تحت فرمان کلنل لیاخوف مشغول محافظت کوچها برای استقرار نظم درشهر بوده وبعد ازاین هم باید بروفق احکام و دستورالعمل های مقرره همینطور مشغول استقرار نظم وامنیت در شهر باشند ولی امور دیگر حکومتی از قبیل رسیدگی بشکایات و رفع تظلمات مربوط بشاهزاده مؤیدالدواه حاکم طهران است واهالی شهر هم باید بهمین ترتیب رفتار بنمایند و بدانند که امنیت وانتظام شهر مخصوصا مربوط به کلنل است رسیدگی شکایات وکارهای دیگر راجع بحضرت والا است **امضاء صدراعظم**» (جمادی الاخر ۱۳۲۶ هجری قمری)

باوجود اقدامات وعملیات شدیده ازطرف دربار محمد علی میرزا ومرتجعین برای تسکین افکار عامه واعدام وحبس وزجر مردم بیگناه معهذا بر اشتداد اوضاع افزوده ودامنه اغتشاش وانقلاب بولایات کشیده وبواسطهٔ تمرکز ملیّون قبل از همه جا درتبریز شعله تمرد وعصیان زبانه کشید که بعداً شرح آن بیاید .

پس از وصول اخبار هیجانات اهالی تبریز برای فرو نشانیدن آتش فتنه فرمان انتخابات جدید برای دوره دوم دار الشورای ملی به ترتیب ذیل انتشار یافت .ـ

دستخط همایونی

« جناب صدراعظم ـ پس از اینکه دولت محض استقرار نظم در مملکت وجلوگیری ازمفسدین وانجمنها واشخاص لامذهب که باعث اذیت مردم بودند مجلس را منحل نموده ماقول دادیم که پس ازاعادهٔ نظم وقلع

وقمع رولوسیونرها (انقلابیون) وانجمنها واستقرار امنیت وخاموشی اهالی مجلسی منعقد نمائیم که قوانین اوموافق مقتضیات مملکتی وقوانین مقدس پیغمبری بوده حامی و مروج عدالت گردد تا اینکه ما بتوانیم تمام اهالی وتمام طبقات رعایای خودرا که نگاهداری آنها ازطرف خدای تعالی بماواگذار شده درصلح وآسایش نگاهداشته ومفسدین راقلع و قمع نموده وآئین مقدس اسلام را که اولین وظیفه ماست حفظ وحراست نمائیم.

حتی بتمام نمایندگان دول متحابه هم اینطور مااعلان نمودیم -

اکنون موقع انعقاد مجلس نزدیك شده ما بجناب شما اخطار مینمائیم که مجلس باشروط معین ومحدود موافق مقتضیات مملکتی که قوانین او بروفق شرع انور بوده واز بروزاغتشاشات جلوگیری نماید- درنوزدهم شوال منعقد خواهیم نمود.

لهذا بتمام اهالی مملکت وتمام طبقات رعایای ما اعلان نمایند که چون خدا شخص مقدس مارا حافظ مملکت و مردم ودارنده تاج وتخت و حامی مذهب مقدس فرموده وچون ما مقصودی جز صلح و آسایش مردم واجرای قوانین عدالت نداریم .

وچون وظیفه ماانیست که طریقه وعادت پیغمبررا سرمشق خود کنیم - باین جهة بصدور این دستخط اهالی مملکت را مسرور و امیدوار مینمائیم . و ما نیز حکم مینمائیم که مجلسی مرکب از اشخاص متدین وعاقل بتوفیق خدا وتوجه امام دوازدهم درنوزدهم شوال منعقد خواهیم نمود .

بوسیله این مجلس که موافق شرع و عدالت خواهد بود مردم در آسایش خواهند زیست . وقوانین اسلام محفوظ وبموقع اجرا گذارده خواهد شد . وتمام آثار اغتشاش وناامنی وانجمنها محو خواهد شد!

چون نیت مقدس مابموقع اجرا گـذارده شود ـ راهها باز ومردم درظل عنایت ومرحمت ما آسوده خواهند گردید .

این اقدامات برای آسایش مردم بعمل خواهد آمد ولوازم ترقی فراهم وثروت مملکت خواهد گردید .

الحال ما حکم میکـنیم کهشما قانون انتخابی وقانون مملکـتی موافق شرع ترتیب داده برای غرهٔ شوال حاضر نمایند تااینکه هردومجلس منعقد گـردد ؟!

تمام مردم تکالیف خودرا شناخته ازحدود خود تجاوز ننمایند. وتمام اهالی براحتی زندکانی نمایند ، لیکن یاغیان تبریزطوری بواسطه افسادوخون ریزی مقصرند که دولت نمیتواند ازتقصیر آن اراذل گذرد!!

لزوما بهمه اعلام میشود که تامدتیکه نظم درتبریز برقرارنگردیده ویاغیان قلع وقمع نشوند واهالی بدبخت آن شهر ازتطاول اینگونهاشخاص خلاص نگردند ـ تبریز ازاین حکم واین دستخط خارج خواهند بود .

۲۷ شعبان ۱۳۲۶ هجری قمری « **امضاء محمد علی شاه قاجار** »

***

بعد از انتشار جریان وقایع طهران و کیفیت توپ بستن مجلس واسارت و کـشتن جمعی از ملیون بدست عمال ارتجاع بلا فاصله در تبریز بازارها تعطیل وجنـگ وزد و خورد فیمابین طرفداران محمد علی میرزا ومشروطه طلبان شروع وتاسه روز مداومت داشت .

بالاخره درنتیجهٔ مداخلات مصلحین بین نمایندگان طرفین قرار ملاقات داده شده وشرایط صلح راتحت مذاکره قرار دادند .

دراین بین قلدرهای محله شتربان تبریز دونفر ازافراد مشروطه طلب راقتل رسانیده و سواران قراچه داغی که بامر محمدعلی میرزا



(۱۰) محمدولیخان سپهسالار تنکابنی

فرمانده مجاهدین فاتح طهران

عازم تبریز شده‌بودند دربیرون شهرتبریز هویداوخبر انتصاب شاهزاده مرتجع عین‌الدوله بحکمرانی آذربایجان بیشتر سبب وحشت و اضطراب اهالی گشته وسواران شاهسون بچپاول و یغمادست گشودند .

مشروطه‌طلبان ناچاراًاستقامت ورزیده وشروع بجمع‌آوری استعداد کردند.چندروز بعد یکه تازان شاهسون چلپیانلووسواران‌متفرقه‌دولتی تقریباً بموجب یاد داشتهای موثق سه‌هزار نفر باسه عراده توپ بداخله شهر هجوم آور شده و شروع بغارت کردند

دسته‌ازانقلابیون‌ازترس‌جان‌ومال بریاست مرحوم ستارخان وباقرخان رسما درعقب سنگر نشسته و ازپیش آمد قشون ارتجاع جاوگیری و ممانعت بعمل‌آوردند . تابالنتیجه دامنه انقلاب رسمی وسعت یافته ودر اصفهان وگیلان آتش فتنهٔ شعله ور وپس ازتمرکز قوای ملی در اصفهان درتحت‌فرماندهی‌مرحوم‌حاجی‌علی‌قلی‌خان‌سرداراسعد بختیاری و مرحوم نجفقلی‌خان‌صمصام‌السلطنه‌ودر گیلان بریاست محمد ولی خان سپهسالار تنکابنی وسردار محی ویپرم خان ارمنی بعزم مرکز حرکت وبعدازچند جنگ مختصر درقزوین وقریه بادامك شهریاربطرف پایتخت حمله ور وعلی الطایعه صبح جمادی الثانی ۱۳۲۷ هجری قمری بشهر طهران وارد وبحکومت خودسری خاتمه داده وموجبات تجدید اصول مشروطیت راعلام نمودند (*)

(*) انتشار اخبار فتوحات ملیون بختیاری ومجاهدین تبریز وگیلان وقیام سید عبدالحسین لاری در کرمان ونیز قیام مرتجعانه یوسفخان هراتی درمشهدموجب هیجان ملیون پایتخت شده و از گوشه و کنار زمزمه انقلابی آغاز و شعرای ملی برای تهییج افراد شروع بسرودن اشعار نمودند که برای نشاندادن نمونهٔ ازذوق ادبای‌آنروره قسمتی ازاشعار (صفائی) را که جنبه تاریخی دارد ذیلا نقل میشود :

کار ایران باخداست

هردم از دریای استبداد آید بر فراز

موجهای جانگداز

متعاقب ورود مجاهدین گیلان وسواران بختیاری بدارالخلافه و قیام ومساعدت ملیون مرکز بامهاجمین درظرف دوروز شایك مختصری صورت گرفته و محمدعلی میرزا تاج وتخت را بدرود گفته و برای حفظ جان در قریه ییلاقی زرگنده بسفارت روس پناهنده و باالملازمه درشهر آرامی هویداو بلافاصله برای قبضه کردن اقتدارات مملکتی وحفظ اصول مرکزیت ـ بموجب دعوت رؤسای نهضت مجلس ـ شورای عالی مرکب ازرجال ونمایندگان دوره اول دارالشورای ملی در بهارستان تشکیل بدواً هیئت مدیره انتخاب وسپس برطبق قانون اساسی احمد میرزا کودك دوازده ساله صاحب تاج وتخت وعضدالملك پیرمرد سالخورده ورئیس طایفه قاجاریه که سابقا نظریه نیکی نسبت به تغییر اوضاع ابراز داشته بودبه نیابت سلطنت اعلام ومحمد ولی خان سپهسالار تنکابنی بر باست وزراء و وزارت جنگ و مرحوم علی قلی خان سردار اسعد بختیاری بسمت وزارت داخله معلوم ویپرم خان رئیس مجاهدین ارامنه بااختیارات تام بریاست

(*) زین طلاطم کشتی ملت بگرداب فنا است   کار ایران با خداست
سنگر شه چون بدوستان تبه شد از پادشاه   تازه نو شد داغ شاه
روز دیگر سنگرش درسرحد ملك فنا است   کار ایران با خداست
باش تا اسفر به ری تازد ز آذربایجان   حضرت ستار خان
آنکه توپش قلعه کوب وخنجرش کشور گشااست   کار ایران با خداست
باش تابیرون ز ری آید سپهدار بزرگ   سر داد از سترگ
آنکه گیلان زاهتمامش غیرت دار فناست   کار ایران با خداست
باش تا از فتح کرمان با سپاهی ارجمند   سوی ری تازد سمند
سرداری که لاریجان ازاو عشرت سرا است   کار ایران با خداست
باش تا از اصفهان صمصام حق گردد پدید   دین حق سازد جدید
تا به بینم آنکه سر ازاحکام حق پیچد کجاست   کار ایران با خداست
خاك ایران بوم وبرزن ازتمدن خورده آب   جز خراسان خراب !!
هرچه هست از قامت ناساز بی اندام ماست   کار ایران با خداست

کل نظمیه‌منصوب ودرصدد تهیه‌موجبات اصلاح امورات تامینیه بر آمده وبا کمال عجله‌مقدمات انتخابات دورهٔ دوم را فراهم وپس از چندی دوره دوم دارالشورای ملی با تشریفات ملی تاسیس وتشکیل گردید (*)



(۱۶) - علیقلی خان سردار اسعد بختیاری رئیس سواران
بختیاری فاتح طهران

(*) برای قدردانی از زحمات اشخاصیکه در دوره اول مجلس که میتوان مجلس موسسان نامید لزوماً تذکر میدهد که عمده نقشه ، وعملیات مهم این دوره پرشروشوررا ازنظر تجدد و مشروطیت آقایان سید حسن تقی زاده تبریزی ومرحوم صنیع‌الدوله که بالاخره جان خودرا برای وطن روی نقشه های اصلاح‌طلبان گذارده



(۱۷) - سردار ملی ستار خان آذربایجانی

و بدست دو نفر گرجی مقتول گردید ، واحتشام السلطنه قاجار وممتاز الدوله رؤسای متناوب مجلس دارالشورای ملی انجام گرفته ونمیشه ارتجاع را امیر بهادر جنك قراچه داغی وسعدالدوله به پایان رسانیده اند)

(* بلافاصله بعد از ورود سرداران ملی و فتح طهران برای تحکیم مرکزیت عدهٔ از معاریف طبقه ممتازه بضمیمه سردار اسعد و سپهدار بعنوان هیأت مدیره تشکیل و بعدار تحصن محمد علی شاه قاجار درزرگنده بین سفارتین



(۱۸) - باقر خان تبریزی سالار ملی

روس وانگلیس ازطرفی‌وهیئت مدیره ازجهتی راجع بخاتمه‌کار محمدعلی میرزا شروط ذیل تنظیم گردید .

اول ـ محمدعلی شاه مخلوع از ایران خارج شده ومملکت را ترك گوید

دوم ـ جواهرات سلطنتی‌را که باخود برده رد نماید .

سوم ـ قرصهائیکه شخصا نموده اداکند واملاك خودرا که رهن گذارده ازاملاك دولتی تفکیك نماید . وصد هزار تومان وظیفه سالیانه مقرر گردید که بعداً قطع شد (کتاب‌اختناق ایران)

فصل پنجم

تأثیر نهضت مشروطه و معاهده ۱۹۰۷

دوره اول مجلس و مشروطهٔ کبیر یا مجلس مؤسسان را باید یکی ازادوار تاریخی نهضت ایران باستانی برای تجدید عظمت دیرینه ایران در قرون اخیره محسوب داشت .

چه علاوه براینکه برای اخذ تمدن جدید واصلاحات اساسی در اداره مملکت هزاران نفر ازافرادوطن درگوشه‌وکنارتلف وملیونها اموال بواسطه اعتصابات و نا امنی بباد‌فنا رفته وبالنتیجهٔ موجبات وضعیات اصلاح امور داخلی فراهم گشت .

از نظر سیاست خارجی نیز بی تأثیر نبوده و خدمات مهمه به استقلال کامل با تمام معنی کشور باستانی نمود، که قریب صدسال یعنی ازاواسط سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار مطمح نظرهمسایگان اروپائی شده و ازهرحیث مغلوب مبارزه دو حریف قوی پنجه گردیده ودرعین آنکه عمال‌اجنبی غیرمستقیم درتمام‌شئون‌داخلی مداخله‌مینمودنداخیراً‌ازبیحالی و ندانم کاری و شهوت پرستی دربار خراب مظفرالدین شاه استفاده و قوای مالی ونظامی مملکت‌رامستقیم وغیر مستقیم دردست گرفته وبعنوان احترام عادات ملی کیفیت توسل به بیگانه را برای تهیه موجبات تکمیل دخالت در امور و توسعه نفوذ سیاسی در تمام مظاهر اجتماعی ترویج میکردند وخود مستقیماً درایجاد نهضت مشروطه طلبی مساعدت های علنی ومخفی بعمل می‌آوردند. شایدتجددرا ملعبه خود قراردهند

معهذا از پیشرفت نهضت آزادی واستقلال‌طلبی اهالی اندیشه مند شده و برای جلوگیری وممانعت از پیشرفت جنبش عمومی قسمت مهمی از معاهده منحوس ۱۹۰۷ میلادی را به اختناق ایران متجدد



(۱۹) - ملك المتکلمین ناطق ملی

اختصاص داده وبجهة تحمیل معاهده مذکور بعناوین‌مختلفه توسل‌جسته قوه فشار را تا بجائی کشانیدند که در دوره دوم بصورت اتمام حجت (اولتیماتوم) عرض اندام نموده و باعث انحلال دوره دوم دارالشورای ملی باتعلیمات ناصرالملك گردید .

معاهدهٔ ۱۹۰۷ - ایران‌را بسه منطقه نفوذی تقسیم کرده بود جنوب وشمال باذکر تمام جزئیات برروی نقشه سیاسی که ازطرف دیپلوماسی کهنه‌کار طرح شده‌بود . سهم آنان

(طالبین اطلاعات کامل‌و تاریخی جریان معاهده‌مزبور بترجمه کتاب (اسناد محرمانه سیاسی) مراجعه‌نمایند.

وقسمت کمی ازصحنه وسیع ایران‌را حسب ظاهر آزادو بیطرف معرفی کرده بودند ومعلوم بود باتقشه های تهیه وعمل شدهٔ آزادی و بیطرفی سیاسی منطقه‌مرکزی معناًموضوعی نداشت- برای فهمانیدن‌اهمیت معاهدهٔ مزبوره وبرای آنکه خوانندکان‌بدانند تاچه درجه برای اختناق ایران جدید کوشش بعمل آمده وخدای‌ایران - ایران جدیدرابادست اولاد صالح وطن از مهالك نجات دادهٔ وکار مملکت در اینموقع که مشغول نگارش این سطور میباشم ازحیث ترقی و انتظام بجائی رسیدهٔ که نه‌تنهاازمفاسد گـذشته‌آثاری جز درصفحه‌ات تاریخ‌وحافظه‌ارباب فراست باقی نیست بلکه کاملاوضعیات شرب‌الیهود سابقه‌اصلاح‌وازهرجهة موجبات ترقی وتکامل فراهم گردیده است که‌اگر عمرو فرصت باشد درجلد دوم ازمعرض افکار خوانندکان خواهد گـذشت .

برای‌نمونه‌افکار دیپلوماسی همسایکان‌نسبت‌باوضاع‌سطوری چنداز راپورت رسمی انگلیسی رااز جلداول کتاب‌ادبی دراینجانقل‌مینمائیم:-

(تلگراف‌سراسپرنیك‌رایس‌وزیرمختارانگلیس‌به سرادواردگری وزیر امور خارجه انگلیس ازقلهك بتاریخ ۲۲ ماه می۱۹۰۷ مینگارد:

حس استقلال وحفظ ملیت نمودن وممانعت از ظلم وذیحق بودن در ادارهٔ کردن امور خویش همه‌روزهٔ مابین مردم بطور سرعت تولید

میشود قوت این احساسات در آذربایجان و همچنین در پایتخت بیشتر است. واگر مخالفین هر گونه عوایق واشکالاتی برای مجلس فراهم آورند که قوه ونفوذ حالیه آنرا مضمحل نمایند حس آزادی وعقیده وطن پرستی را که مردم بتازگی دریافت کرده اند زائل نتوانند نمود.

۲

سابقا دقت شمارا درخصوص ازدیاد احساسات ضد اروپائی ! که مخصوصا درمجلس قابل ملاحظه است جلب نموده بود.

این احساسات بواسطه ترس از معاهده جدید بین دولتین روس و انگلیس است.

۳

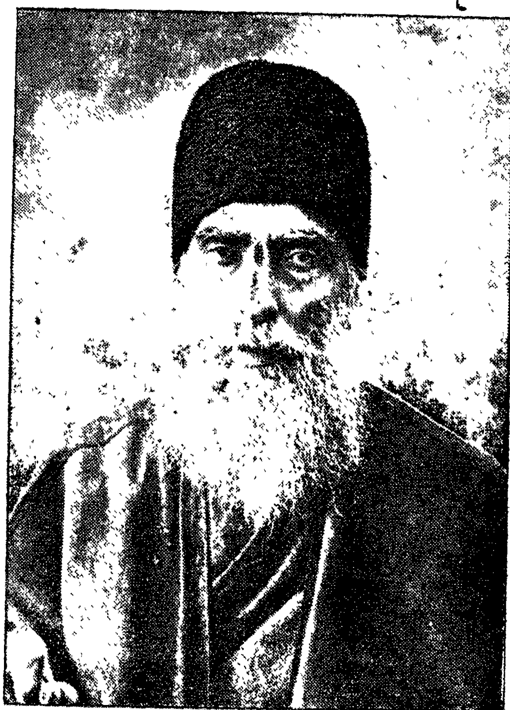
در این وقت خیالات وضدیت باخارجه خیلی احساس میشود ـ مجلس ریاست بلژیکیها رادر گمرکات ایراد مینماید. ونیز بر بریگاد قزاق تاخت آورده ـ همچنین متعرض سایر امتیازاتی که بخارجه داده اند میباشد دراینصورت هیچ جای تردید نیست که بانك شاهنشاهی بسبب داشتن امتیاز اسکناس ـ! بزودی مطرح ایرادات سخت واقع خواهد شد البته طولی نمیکشد که بواسطه حرکات مردم امور واوضاع رعایای خارجه دچار سختی واشکالات خواهد گردید)

خوب ملتفت شدید ؟ نگارنده تصور مینماید که همینقدر برای نمونه کافی باشد ـ تاخوانندگان ازجریان کیفیت اوضاع سیاسی آن روزه مبارزه فداکارانه ملیون جان نثار وطن و رجال دولت در مقابل مرتجعین داخله ونیرنك بازی عمال خارجه آگاه گردند. *

* باوجود آنکه دولت ایران توسط آقای میرزا حسن خان مشیر الدوله وزیر امور خارجه وقت نسبت بمعاهده مذکوره (۱۹۰۷) اعتراض شدیدی (پروتست

باالجمله باوجود غلبه قوای انقلابی ومغلوبیت کهنه پرستان محافظه کار
و اعتراض بمعاهده مذکور معهذا روسهای تزاری همه روزه بر فشار خود افزوده
و تقاضای جدیدی برای تحمیل معاهده مذکور و توسعه قدرت خود مینمودند!*
در تعقیب تقاضای نمایندگان همسایه شمالی دیگران بعنوان تساوی
حقوق پیشنهاد روسها را تائید کرده و باتقدیم نصایح عاقلانه بکابینه وزراء قسمت
خود را درجنوب مطالبه میکردند!
این بود خلاصه دورنمای وضعیات آنروزه .
ولی باتمام اینگونه مشکلات داخلی و خارجی درنتیجه بیداری
شعور ملیون وطن پرست در مجلس و خارج از محوطه محافل رسمی
باشور وغوغا سرگرم اصلاحات و برای نجات ایران از محاصره نفوذ
سیاسی استعماری نقشه‌های اساسی را بموقع اجرا میگذاردند .
برروی همین نظریه برای دخول یك سیاست بین المللی درمیدان
رقابت همسایکان جنوبی وشمالی از امریکای شمالی (اتازونی) شوشتر
را جهة اصلاحات مالی طلب و بعنوان حسن جریان ـ منابع مالی قشون
مختصر ومنتظمی بنام ژاندارمری مالیه مرکب از افرادجوان وطن پرور
تشکیل داده وقوای متفرق ملی را (مجاهدین وسواران بختیاری وغیره)
برای جلوگیری از بازیهای سیاسی خارجه که در تحت نقاب نهضت
ارتجاع بود بکار میبردند .

نموده و اعتراض خودرا بوسیله نمایندگان مقیم پایتخت بتمام دربارهای دول اعلام داشت
شماره ٤ روزنامه مساوات دوره شوال ١٣٢٥ (هجری قمری)
* محمی نماند آنکه درنهضت تجدد خواهی ومشروطیت نسوان ایران عامل
مؤثری محسوب و کارهای مهم و بزرگرا درطریق احد تمدن جدید انجام داده اند
برای تکمیل اطلاعات خوانندگان محترم سطوری چند از کتاب (اختناق ایران)



(۲۰) عضدالملك نايب‌السلطنه

تاليف (شوستر) معروف امريكائی خزانه‌دارماليه ايران درسنه ۱۳۲۹ هجری قمری نقل‌مينمائيم :

« درطهران شهرت داشت که دسته‌ها از اعضاء انجمنهای سری زنان‌هستند که مخفی وگمنام ودرتحت اوامر مرکزمعينی که زمام نظم ايشان را دردست داشت ميباشند تا امروز هم نه اسم هيچيك از آنهارا دانسته و نه فرد برجسته (ليدر) آن فرقه را ميشناسم

ولی از طرق عديده مطلع شدم که هزار ها از جنس آن زنهای ضعيف درپيشرفت کارهای من مساعدت مينمايند» پس ازذکر چند مثال باز مينويسد

« دريك معامله جماعت بسياری اززنان فقير وپريشان ايرانی به‌پارك آمده بمن اظهارنمودند که چون اداره خزانه نميتواند وظايف و مستمريهای مردم رابرساندوبيشر

گاهی سالارالدوله دیوانه‌وار ازسرحد غرب (کردستان) وارد و تاچند فرسنگی پایتخت را بباد غارت و چپاول اکراد والوار وحشی میسپرد . وبازحمت وجان نثاری مجاهدین مشروطه طلب دررباط کریم منکوب ومغلوباً پیشخانه را به‌پسخانه تبدیل و بایکمشت اندوخته غارتی بممالك خارجه فرار میکرد .

زمانی محمدعلی میرزای بخت برگشته‌باخیل تراکمه بسرداری سردار ارتجاع (ارشدالدوله) از صحرای یموت تافیروز کوه مازندران وبلوك ورامین‌را ویران وهستی جمعی رعایارا بباد فنامیدادوعاقبت بادست خالی ولعنت ابدی‌هزیمت‌مینمود ودرعین اینکه‌حالت اطراف بدینگونه‌بود اهالی پایتخت هم از اغتشاش ونا امنی بی نصیب نبودند .

چنانکه بواسطه تفتین عمال‌این وآن چنان آتش نفاق بین ملیون معتدل و تندرو فراهم شده بود که وسط شهر در بهترین معبرطهران (خیابان لاله‌زار) قاب‌جوان ناکام مرحوم‌میرزا محمدعلی خان‌آماجگاه تیر گردیده وسرای تجارتی بازار امیر از خون پاك جوانان مجاهدین‌در راه‌وطن آغشته وپارك اتابك سنگر وپناهگاه مرحوم ستار خان سردار

از یك ملیون دولار قرض دارد و مثل این وجه برای مصارف قشون داوطلب که با پادشاه مخلوع جنگ میکند و هنگام‌بازگشت محمدعلی میرزا بصحرای تراکمه چنانکه گذشت) لازم دارد » بعد از شرح هیجان‌ملیون درموقع اتمام‌حجت‌روس (اولتیماتوم) مینگارد (تقریباً سیصد نفر از جنس ضعیف از خانه وحرم سرای محصور باافروختگی بشره که‌ازعزم ثابتشان خبر میداد ـ بیرون آمده درحالیکه درچادرهای سیاه‌و نقابهای مشبك سفید (روبندهای) مستور بودند حرکات نظامی مینمودند

بسیاری از ایشان که درزیر لباس یا آستین های خود طپانچه پنهان داشتند بمجلس رفتند» الی آخر»

باشهامت ملی (درموقع انقلاب تبریز) ـ درمقابل حکومت نوزادمشروطه شد.
باتمام این مصائب ومشکلات که زائیده عدم انتظام ونادانی اکثریت ملت ودسیسه خائین خودی وبیگانه بود ملیون حقیقی در کشاکش مبارزه



(۲۱) میرزا ابوالقاسم خان همدانی (ناصر الملك) نایب السلطنه

اصول قدیم و جدید خود را نباخته وپرده بغرنج سیاسی و اقتصادی و اداری واجتماعی را ازروی دسایس گوناگون برداشته و پیش میرفتند تاعاقبت رازها آشکار وروسهای تزاری بعنوان حمایت ازشاهزاده

شعاع‌السلطنه اتمام‌حجة (اولتیماتوم) چهل‌وهشت‌ساعته بدولت ناصرالملك ومجلس تقدیم وتقاضای خودرا مبنی برعزل شوستر ووقفه اصلاحات مالی ونظامی علنی ساخته ونمایندگان جنوبی باتقدیم نصایح عاقلانه قبول اتمام حجةرا توصیه نمودند.

مرحوم ناصرالملك نایب‌السلطنه نیز ازفرصت استفاده ومجلس دوم را بانتها نرسیده باتدابیر مخصوصه منحل نمود بدین ترتیب که ازطرف دارالشورای ملی برای تعیین تکلیف موضوع اتمام‌حجة پنج نفر ازنمایندگان بااختیارات تامه منتخب وچنانکه قبلا دستور مخفی داده بودند هیئت پنج نفره باکثریت موضوع انحلال دارالشورای ملی راتصویب و مجلس منحل گردید !

بعد ازانحلال مجلس جمعی از وکلای تندرو ودموکرات که ازآنجمله شاهزاده سلیمان میرزا بود گرفتار و بقم تبعید گردیدند . دوره دوم ظاهرا مناقشه بین دولت وملت درکار نبود

ولی سختگیری‌هاوفشار مستقیم‌وغیر مستقیم بیشتر بطبقه‌تندرو خصوصا بافراد دموکرات که تازه بابعرصه‌وجود گذارده وصفوف متحدی را تشکیل داده بودند تحمیل گردید .

دردوره‌فترت (دوم ۱۳۲۹ هجری قمری) مرحوم ناصرالملك همدانی نایب‌السلطنه ومحمد ولی خان سپهسالار تنکابنی وهمدستان آنان ازتندروی ونهضت فکری احرار هراسناك شده وسعی داشتند عاقلانه مولود جدید یعنی مشروطه‌را بنفع طبقات بالادرقیدقانونی درآورده‌و دموکراسی را عقیم بگذارند .

ازاین نظر در صدد برآمدند انتخابات عمومی ومستقیم ومخفی ویکدرجه راازبین برده‌وانتخابات خصوصی ودودرجه رامعمول بدارند .

درنتیجه تصمیم فوق جلسانی درمنزل مرحوم حاجی علی قلی خان سردار اسعد وغیره تشکیل وپس ازشور ومباحثه متصل نظامنامه طرح وبرای تهیه مقدمات اجرای آن بجلب آراء عمومی احتیاجمند گردیدند .



(۲۲) ممتاز الدوله رئیس دارالشورای ملی

لذا جلسه مهمی مرکب ازمعاریف طبقات درمسجدشاه تاسیس و مرحوم شیخ مهدی‌واعظ ساطان المتکلمین برای ابلاغ نظامنامه‌مذکور بالای منبر رفته ولایحه جهة مردم قرائت نمود ،

مردم واعظ مزبوررا از منبر پائین کشیده و باالنتیجه غوغائی

برپا وبازار ها تعطیل ودرآن روز قریب صد نفر از معاریف توقیف گردیده وموضوع ازبین رفت بعد بواسطهٔ تگرافات سختی که بحکومت ناصرالملك ازولایات مانند تبریز واصفهان وغیره رسید وزراء از سیاست خود منصرف وانتخابات بانظامنامه سابق بجریان افتاده و دوره سوم دارالشورای ملی درسنه ۱۳۳۱ هجری قمری شروع گردید و بالاخره دوره سوم هم طوریکه شرح آن بیاید در نیمه عمر ساقط و ادوار سه گانه مشروطیت اول تسلیم یك فترت طولانی گردید



فصل ششم

مهاجرت و جنك بين الملل

دروسط هنگامۀ جوش وخروش ایران برای اخذ تمدن جدید ـ دسته بندی دول اروپا دروطن ما خود نمائی میکرد ـ وایرانیان که مدتها در صدد پاره نمودن قیود نفوذ استعماری دول همسایه بودند ـ ودر پی هر صدای تازه با نظری کنجکاوانه میدویدند از موقع استفاده نموده وملیون ایران از جان ودل نسبت برقباء سیاسی جنوبی و شمالی تمایل مخصوصی نشان میدادند.

بروز اینگونه تمایلات برای خاطر این وآن نبود بلکه مبادی این توجه و تمایل را فشار و تضییق سیاست نفوذی روس و انگلیس تشکیل میداد که تذکر مختصری داده شد.

اقدامات ودسته بندی متحدین، آلمان (ایطالیا: اطریش وعثمانی) ومتفقین (انگلیس وفرانسه و روس) تا آنجا خود نمائی میکرد که همه را متوجه ساخته بود.

نفوذ وسیاست دول مذکوره درتمام نقاط معموره ارض در حال اصطکاك وتصادم بود،

عثمانیها که با دست صاحبمنصبان ورجال قابل آلمانی قشون خود را تنظیم وتنسیق نموده بودند آمال زیادی را تعقیب میکردند.

وفرقه ژون ترك درشرق عموماً ودر ممالك اسلامی خصوصاً باسم اتحاد اسلام دامنه تبلیغ را وسعت داده ودرصدد جلب عناصر متعصب ملی برآمده بودند،

عدهٔ از افراد مبرز مانند مرحوم سید محمد رضای مساوات شیرازی ومرحوم میرزا کوچك خان گیلانی دعوت اتحاداسلام عثمانیهارا لبیك گفته و ضمناً اندك تمایلی بطرف آلمانها مشهود میشد . و مخفیانه جلساتی بعنوان اتحاداسلام علاوه براحزاب داخلی دائر وترویج میگردید

بطوریکه سابقاً اشارت رفت عناصر تجدد خواه وآزادی طلب قبلا تشخیص داده بودند که صلاح ایران در رهائی از محاصره نفوذ استعماری وطمع ورزی عمال روسهای تزاری وهمدست جنوبی که درنتیجه تنظیم معاهده ۱۹۰۷ تحکیم یافته بود . دراینست که پای سایر دول مغرب را بصحنه سیاست ایران جدید کشانیده و بامساعدت سایرین از محاصره نفوذ سیاسی نجات یابند .

برروی همین نظریه بود که عقلاء مآل اندیش برای توازن بودجه عمومی واصلاحات مالی (شوستر) را جاب وجهة استقرار امنیت وایجاد قوه منظم (یالمارسن سوئدی) را احضار واصلاح وتشکیلات نظمیه قانونی را بعهده لیافت (وستداهل) واگذاروبرای رفورم وزارتخانهای عدلیه و داخله ازمستشاران فرانسوی استفاده کردند .

تا آنکه در نتیجهٔ اینگونه اقدامات دوره دوم دارالشورای ملی منحل وجمعی ازسران آزادیخواهان بشهر قم تبعید شدند معهذا از آمال ملی دست نکشیده ودردنبال مقاصد وطنی رهسپار بودند. عقیده نگارنده دنباله همینگونه مسائل بود که بالاخره بواقعه مهاجرت کشیده وآنچه شد شد که درموقع خودش شرح داده خواهد شد

***

باری هیاهوی اتحاد اسلام ازطرفی و کشمکش سرحدی ایران

وعنمابی ازطرف دیگرموجبات مشاجرات خصوصی را درمحافل ومجالس فراهم ساخته و بازار مباحثات سیاسی در هر گوشه و کنار آماده شده بود. نتایج این تبلیغات موجب توسعه احزاب سیاسی را بیشتر فراهم و بالنتیجه سبب تظاهرات علنی برضد نفوذ و فشار جنوبی و شمالی گشته کیفیات مهاجرت ۱۳۳۳ هجری قمری را سریعتر گردانید .



(۲۳) - آقای میرزا حسن خان پیرنیا

(مشیرالدوله ائینی)

فصل هفتم

فرق سیاسی در ایران

در تاریخ پیدایش احزاب سیاسی واقتصادی درعالم تمدن گویند :

اولین حزب درقاره اروپا یعنی روم غربی پیدا شده بدین ترتیب که جمعی بعنوان ارستوکرات و نجباء وطبقه ممتازه کلیه امور مهمه ز قبیل حکومت ، قضاوت . وفرماندهی و سایر مقامات عالیه را بخود ختصاص داده و سایر کارهای پرزحمت و عملگی مانند ساختمان منازل ـ کشت‌وزرع . ورمه‌داری وغیره را بجامعه واگذار نموده بودند

باینواسطه بین طبقه خاصه وعامه فاصله زیادی ایجاد شده بود ـ

افراد طبقه عامه حق نداشتند در برابر اربابها بنشینند ، سواری ختصاص بارباب داشت . حق ازدواج بین افراد طبقه عامه با افراد و دسته نجباء ممنوع بود چنانکه فعلا بین سیاه وسفید در امریکا تقریباً ممنوع است

حاصل آنکه تمام زحمات وکار بعهده افراد وطبقه عامه‌واگذار بوده وغیر از مزد بخور و نمیری که تکافوی نان و مخارج مختصری را برای بردگان بنماید قائل نبودند ،

ازطرف دیگر دسته نجباء و طبقه ممتازه و اربابهای موروثی در ناز ونعمت غنوده وحز ازعیش وطرب شغل وکار دیگری نداشتند .

درنتیجهٔ کم کم‌طبقه برده‌ومزدوران(پله بین‌ها) ازسرنوشت خود وتحمل مالایطاق بتنگ آمده وبنای شکایت راگذاردند .

اربابها نیز برسخت گیری خود افزوده ازهیچ قسم جبر و فشار فرو گذار و کوتاهی نمینمودند.

طبقه عامه ناچار تصمیم گرفتند که شهرراتخلیه وبکوهها پناهنده و فرار را برقرار اختیار نمایند. وتصمیم خود را شبانه عملی کرده آبادی را خالی ازسکنه ساختند.

اربابها ونجباء صبح ازرختخواب برخاسته وشهر را خالی و امور جاریه را مختل دیدند. هرچه خواستند فراهم نشد -

بالجمله پس ازمشاجرات زیاد نمایندگانی بمکمن فراریها اعزام وبا شرایط چندی گریخته گان را بمحل خویش عودت دادند.

اینست فرض (تئوری) تاریخی احزاب فرنگستان وفاسفه اعتصابات

***

در ایران بطوریکه افسانه تاریخی حکایت میکند - اولین ظهور فرقه سیاسی را باید از انقلاب و قیام کاوه آهنگروپیروان او برضد ضحاك سلطان بی باك اجنبی محسوب داشت، که ایرانیان برای خاتمه دادن بفرمانفرمائی اجانب (ضحاکیان) قیام نموده و فریدون راکه مغلولا در کوه وهامون سرگردان وازنژاد پاك تاجداران کیان بود ازطرف ملت بسمت پادشاهی برگزیدند.

ونیز درعصر ساسانیان که مؤبدان وهیربدان ومغان فلسفه دین پاك زرتشت را برطبق سلیقه و منافع خود تفسیر و تعبیر کرده و بر خلاف اصل خلقت اهالی را بچهار طبقه تقسیم نموده و سلسله این تقسیمات را بدوره جمشید نسبت میدادند- بدین ترتیب مؤبدان وهیربدان و مغان یك طبقه امرای لشکرو کشور طبقه دوم، تجارو پیشه وران سومین طبقه کشت کاران وفلاحین طبقه چهارم و مطابق دستورات عمومی مداخلات

هرطبقه در طبقه دیگر ممنوع وحتی حق معاشرت و ازدواج و ریاست برای طبقات رعایا باطبقات‌عالیه از محالات شده بود.- این مسئله مساوات را از بین برده وراه ترقی را برای افراد لایق مسدود کرده‌بود.- غافل از آنکه اصل خلقت برعکس دسته بندی ظاهر که مولود تمدن غلط بشری بوده و سرتاسر اوراق وصفحات تاریخ نشان میدهد که : « نوابغ هم ازکلبه فقرا ظهور کرده و هم ازقصور اغنیاء پیدا شده اند» خلاصه طبقه بندی ارباب دیانت زردشت باعث گله‌مندی افراد طبقه دانیه گشته وبدین جهة گروهی بیشمار دعوت اشتراك بی سر وته مزدك را لبیك گفته ومزدکیان ازعدم رضایت عامه استفاده وچندی باعث اغتشاش و انقلاب گردیدند . (*)

بعد ازظهور و تفوق اسلامیت نیز فرق متعددی در ایران پای بعرصه‌وجود گذارده‌وکارهای قابل‌ذکری ازخود بیاد گار گذارده‌اند از آنجمله فرقه سیاسی (خرمیه) که مرام و وجه نظر خود را

(* بطوریکه از تحقیق وتتبع تاریخی دانسته میشود ، مهمترین علل‌انقراض سلطنت چهارصدوشصت ساله دودمان ساسانی علاوه برحقانیت معنوی اسلام و نفاق خانوادگی اولاد اردشیر بابك ، ولشگرکشیهای مفصل بدون‌مطالعه ایران‌بسرحدات دولت مقتدر روم که بالنتیجه باعث ضعف قوای مادی ومعنوی روم وایران گردید.
کیفیت عدم رضایت عامه یعنی طبقات دانیه از استبداد وجود خواهی طبقهٔ ممتازه بود که گروه ملت را از حق طبیعی محروم وحق ترقی ونشو ونما را از افراد لایق سلب کرده بودند.
بدیهی است وقتی جمعی بیایند وبگویند وراست هم گفته وعمل هم‌نشان بدهند براینکه کلیهٔ مخلوق بشر بندگان خدای واحدند ، وسید قرشی وسیاه حبشی در مقابل عدل الهی یکسان واز بین گروه بندگان فقط وفقط اشخاص پرهیزکار ومتقی در نزد خداوند گرامی میباشند ، طبیعی است جماعت مردم خود باالطوع ورغبه اقبال نموده وخود ، با جان ودل اسباب فتح وغلبه اعراب مسلمان را فراهم داشته اند)

برانداختن خلافت عربی ازایران قرار داده وکامیاب نیز شده اند . از حزب وطن پرست خرمیه جدی‌تر فرقه (شعوبیه) بود کـه آرمان فرقه را درهم شکستن اولویت وآقائی نژاد عرب و اثبات برتری تاریخی نژاد ایرانی را برسایر نژادها قرار داده بودند .

فرقه اسماعیلیه ایرانهم دخالتهای مهمه در سیاست ابراز داشته و تربیت شدگـان حسن صباح وفرزندان وپیروان او قریب یك‌قرن صد ساله موجبات بیم ووحشت رجال مخالف را فراهم ساخته ومیتوان گفت (تروریستهای) اروپا شاید تا حدی عملیات‌خلاف امنیت‌خودرا ازفدائیان اسماعیلی سرمشق گرفته اند .

سلسله پیروان‌شیخ صفی الدین‌اردبیلی نیزازاغراض سیاسی بر کنار نبوده‌اند. چنانکه بعد از زد و خورد مریدان‌شیخ درتحت فرماندهی شاه اسمعیل با شیروانشاه درقفقاز وتسلط بامور مملکت داری درایران زمام داران بعد [illegible] را ازبعضی کار [illegible] گردید کـه غالباً کشش وکوشش بزرگان خراسانی برای استقلال کامل ایران و پیرو نظریه سیاسی بوده ودرصورت فرصت ازوقت استفاده بموقع کرده اند ـ

درقرون اخیره یعنی دردوره ناصرالدین‌شاه قاجار اولین اقدامات سیاسی حزبی‌را باید ازتاسیس‌وتشکیل (فراماسیون) باباصطلاح فراموش خانه ـ یادداشت کرد که‌در نتیجه زحمات پرنس ملکم‌خان و امین الدوله وجمعی ازمعاریف آنروزی تشکیل گردید

جمعیت‌فراماسون دربدوتاسیس وتشکیل برای تسریع نفوذمغرب‌و جلب رجال دولت‌وعلماء‌دین ومعاریف‌مملکت بذل مساعی زیادی نمودند واشخاص ذی‌نفوذمهمی مانند مرحومین‌آقاسیدصادق مجتهد سنگلجی

وسید اسمعیل مجتهد بهبهانی را که از معاریف درجه اول علماء دارالخلافه بودند ـ به محفل خاص دعوت وراز نهفته را در میان نهاده واز هر جهة موجبات جلب اعتماد آنان را فراهم ساختند!

آقایان سید صادق و سید اسمعیل پس از مطالعه کامل و دریافت مقاصد مؤسسین حزب جدید التشکیل شاه را ملاقات و حضوراً برای تأمین خاطر ملوکانه اظهار داشتند که آنچه ما فهمیده ایم تشکیل و تأسیس فراماسون در ایران با ترتیبات فعلی مضر بدین ومخالف تاج و تخت ومقام سلطنت نیست) *

باالجمله محفل مذکور چندی تعطیل و مجدداً در اوایل جلوس مظفرالدین شاه سنه ۱۳۱۶ هجری قمری بادست (مسیو وبزیور فرانسوی مدیر سابق مدرسه آلیانس طهران) تشکیل و عده از رجال و علماء را بعضویت پذیرفته و بعد از بهم خوردن مشروطه اول در نتیجهٔ تعقیبات محمد علی میرزا تشکیلات مزبور ظاهراً منحل واثاثیه آنرا گویا بسفارت فرانسه برده اند!

اصولا تشکیل وتأسیس فراماسون درایران برای نزدیکی روابط شرق و غرب و جهة تعدیل اوضاع سیاسی و ترویج تمدن فرنگ درایران بود.

ولی ظاهراً مسائل خیریه ومعارف و اصلاحات اخلاقی را دنبال کرده و تا اندازهٔ باعث توسعه امور خیریه از قبیل مدرسه و مریضخانه نیز شده اند. همچون مریضخانه مرحوم شیخ هادی ونجم آبادی وغیره.

(* محض نماد آنکه در ایران تشکیل فراماسون از سه جهت (از غیر قسمت ـ ایطالیا ـ واسکاتلاند سرع وغالبا برای هم کار سکانی هم دیگر دنبال ملی محدود ارفکر در این کتاب از فراسا میباشد که در اخذ تمدن غرب خدماتی انجام داده اند)

ضمناً برای ایجاد تأسیس مشروطیت وتدوین واجرای قوانین جدید نیز کارهائی انجام داده اند !

دیگر از احزاب قبل از طلوع مشروطیت انجمن اصلاح خواهان است که مخفیانه باسرپرستی مرحوم آقای سید محمد طباطبائی مجتهد سنگلجی دایر و اعضاء قابل ذکر همچون بحر العلوم کرمانی و مجدالاسلام کرمانی مدیر روزنامه (ندای وطن) جهة پیشرفت مشروطیت واخذ تمدن جدید خدماتی شایسته بمنصه ظهور رسانیده اند .

بهار اجتماعات

شیوع وانتشار حزب سازی وفرقه بازی و بحران اجتماعات سیاسی مولود مشروطیت وحکومت پارلمانی بوده واین دوره را باید بهار جنجال سیاسی احزاب ایران دانست . در دوره مشروطیت کبیر یعنی مجلس اول برای تحکیم و حفظ مشروطیت و دفاع از حقوق ملی جماعات گوناگون باعناوین مختلفه و مقاصد متنوعه وپریشان در تحت عنوان انجمن پا بعرصه بروز و ظهور گذاردند . ظاهراً عمده مقاصد و هدف و آمال انجمنها را بسط و توسعه و حفظ حقوق ملی و تحکیم استقلال با تمام معنی ایران تشکیل میداد ،

و در مواقع لازمه پشتیبان محکمی جهة مجلس نوزاد مقننه نیز بوده اند .

طبیعی است در بین افراد عناصر انجمنها اشخاص ناپاك و عمال سیاسی بیگانه و دربار استبداد هم عضویت یافته و خود را بلباس آزادی خواهی و مشروطه طلبی آراسته و از آب گل آلود باصطلاح ماهی می گرفتند .

چنانکه سعد الدوله بالباس مشروطه طلبی داخل در سالك آزادیخواهان شده و تا بمقام ریاست مجلس نیز ارتقاء یافت و کمی بعد باعمال باغشاه همدست و نقشه انهدام بهارستان را فراهم آورد. یا ارشد الدوله در هنگام بهار انجمنها ـ یکه تاز میدان لفاظی شده در دوره استبداد عامدار و بعد از غلبه مجاهدین و



۲٤ میرزا حسن خان مستوفی (مستوفی الممالك)

افتتاح دوره دوم مجلس از گنبد قابوس تا شهر ورامین پیشرو چپاول چیان اشرار ترا کمه واردوی غارت گر محمد علی میرزای مخلوع شده و کرد آنچه را که باعث ویرانی یکقسمت از مملکت و مقتول شدن خودش

بدست قوای ملی گردیده و نفرین تاریخ را برای بدکاران جلب نمود.

خلاصه ـ اسامی انجمنهای دوره اول که خدماتی باخذ تمدن جدید و نهضت ایران نو کرده اند عبارت است از انجمن آدمیت ؛ آذربایجان، اصناف، برادران دروازه قزوین، طلاب، تجار، حقوق وغیره



(۲۵) - آقای سیدحسن مدرس اصفهانی

افراد انجمنهای مذکور درمواقع بحرانی چون واقعه میدان توپخانه وبمباردمان مجلس دراطراف دارالشورای ملی تمرکز یافته و باندازهٔ قدرت خود مجلس را از تهاجم مرتجعین و بدخواهان حفظ مینمودند چنانکه درروز بمباردمان مجلس قسمتی از افراد مسلح انجمنها خصوصاً اعضاء انجمن آذربایجان قریب هفت ساعت باقوای منظم دولت

مبارزه نموده و پس از دادن تلفات و خرابی سنگر جمعی اسیر وعده متفرق شدند .

در استبداد صغیر هم دو فرقه مخفی و سیاسی وانقلابی مهم در طهران وتبریز ورشت بعرصه‌وجود آمده و اثری از خود باقی گذاردند (کمیته ستاری و کمیته جهانگیری) با ترتیبات مخصوص و نظامات سری .

هدف ومنظور جمعیت ستاری وجهانگیری فراهم آوردن ارتباط و مساعدت با انقلابیون آذربایجان ، گیلان واصفهان و تسهیل تهیه ورود قوای ملی بمرکز بود (*)

بعد ازافتتاح دوره‌دوم دارالشورای ملی بدواً فرقه سیاسی دموکرات مرکب ازافراد تجددطلب وتندرو تشکیل وبعد بطوریکه تذکر داده شد

ازنظر جلوگیری و ممانعت از پیشرفت آمال وسیع ملیون جمعیت اعتدال برای مدافعه از سیاست دولت ناصرالملك تأسیس و مبارزات و اختلافات زیاد که یکی بنام دین حریف را تکفیر میکرد و دیگری بانقاب وطن پرستی حمله مینمود تا زمان انحلال دوره سوم مجلس و

(*) اینکه زبانزد برخی است که ناصرالملك باعث تشکیل احزاب سیاسی ایران در قرن اخیر شده حرفی بی اساس است

بلی چون ناصرالملك در موقع اشغال مقام نیابت سلطنت از وجود احزاب مخفی دموکرات واتفاق وترقی باخبر و از تندروی ملیون در هراس بود . برای جلوگیری و ممانعت از پیشرفت فرق ملی وتامین مطامع خویش جمعی (فرقه اعتدال) ولی در باطن محافظه کاران را تشویق باجتماع نموده وازهرحیث تقویت می بخشود و از طرف دیگر نهایت سعی را برای علنی شدن احزاب دیگر بکار برده و بالنتیجه کامیاب وسبب پریشانی فرق مذکور گردید

مهاجرت ۱۳۳۳ هجری‌قمری ادامه یافت و بعد ازعقب نشینی مهاجرین درقصر شیرین آخـرین نقطه سرحد غربی ایران فیمابین سید محمد رضای مساوات شیرازی و سید محمد صادق طباطبائی مبرزین فرقه دموکرات و اعتدال قرار متارکه اختلافات‌حزبی داده شده و یك کمیته



(۲۵) - شاهزاده سلیمان میرزای محسن

واحد برای پیشرفت نظریهٔ مهاجرین ایجاد شدکه دنباله آن در زمان بازگشت مظفرانه مهاجرین بکرمانشاهان قطع گردیدکه درسطور آینده متذکرخواهیم‌شد- دردوره سوم مجلس تقنینیه فرقه مؤثر ومهمی تظاهر نکرد ودرجریانات همان‌فرقه دموکرات واعتدال‌دخیل بوده واختلافات بنهایت شدت خود رسیده وغالباً مطامع شخصی جای گزین اغراض‌ملی شده بود .

بطوریکه حزب محافظه کار اعتدال دو دسته متمایز تشکیل داده
وبرای مقام و پیشرفت نفوذ برسرهم میکوفتند وسبب این اختلافات آقای
سید حسن مدرس شده بود بدین ترتیب که جمعی ازافراد اعتدالیون
درگرد آقای سیدحسن مدرس و مرحوم حاجی آقای شیرازی جمع
وعدهٔ پیرو آقای میرزا محمد صادق طباطبائی شده بودند .



(۲۶) - آقای میرزا قاسم خان صور

پیروان سید محمدصادق طباطبائی باسلیمان میرزا رئیس فراکسیون
دموکرات درمجلس قرارومداری گذارده واعتبارنامه حاج آقای شیرازی
نماینده طهران رارد کردند

در ختام جنگ بین الملل ومراجعت تدریجی مهاجرین بطهران
مجدداً بازار احزاب سیاسی باتشویق آقای میرزا حسن خان وثوق الدوله

ومخالفین ایشان رونق گرفت ولی اغلب از روح مسلکی عاری و در زمینه خصوصیات دور میزد *

درهمان آوان که درمرکز مشغول دسته بندی بودند

در پایتخت حکومت غربی مهاجرین (کرمانشاهان) شالوده کمیته (تروری مجازات) وحشتی ریخته شده بود و بواسطه چند عمل شدید درپایتخت اولیاء امور مرکزی‌را بوحشت انداخته‌بود (سنه۱۳۳۵ هجری‌قمری) کمیته جنائی مذکور مرکب بود از منشی زاده ابوالفتح خان ، کریم دواتکر ، إحسان‌الله خان، رشیدالسلطان، حسین خان لله ، عمادالکتاب وغیره

در مدت کمی چند نفر از معاریف متنفذ مانند مرحوم آقای صدرالعلماء ومتین‌السلطنه‌مدیرروزنامه‌هفتگی عصرجدیدومنتخب‌السلطنه و میرزا اسمعیل خان رئیس انبار غله را مقتول ووضعیات را آشفته و مشوش نمودند .

***

پس‌ازخاتمه جنك بین‌الملل‌وروی کارآمدن کابینه‌مجددآقای‌میرزا حسن خان وثوق‌الدوله و تشنج سیاسی اوضاع دنیا و ایران رونق بازار حزب سازی تجدد وافراد بی‌مسلك وبامسلك درزیر نقاب دموکراسی دو دسته متمایز تشکیل داده وبعضی بنام (دموکرات) مطاق و عدهٔ موسوم به (دموکرات ضد تشکیل) وتاسیساتی نیز ایجاد کردند

(* بدیهی است هرجمعیتی مرکب از افراد مختلفه واغراض گوناگون میباشد وعناصر پاك و ناپاك باهم ترکیب شده و برای پیشرفت مقصود معینی تشکیل هیئتی میدهند و در اینجا نظر نگارنده تجزیه مطلب نیست ازنظراختصار تاریخی روی‌کلیات بحث میکنم وتشریح واسناد را برای جلد بعد میگذاریم)

دموکرتها تحت قیادت آقایان مهدیقلی خان هدایت و سید محمد تدین.

دموکرات ضد تشکیل بریاست سیدمحمد کمره و میرزاتقی خان بینش.

مبرزین جمعیت اعتدالیون سابق ودموکرات قدیم ماندحضرات آقایان سیدمحمد صادق طباطبائی وسلیمان میرزا ومیرزا قاسم‌خان‌صور



(۲۷) آقای ارباب کیخسرو شاهرخ

نماینده مجلس شورای‌ملی

وغیره همعهد وجماعتی بنام اجتماعیون بعرصه وجود آوردند وجماعتی هم باعنوان قیام ملی ونهضت ملی قیام کرده‌اند ـ دیگران نیزدراین‌میان از اختلاف احزاب استفاده وهرچند نفر ازهمه جا بازمانده دورهمدیگر جمع وبا اختیار عناوین مختلف مانند (دموکرات زره پوش) طبقه سوم

و غیره عرض اندام نموده و چندی احزاب ملی را مضحکه و مسخرهٔ یار واغیار قرار داده بودند . (*)

بعد ازسقوط کابینه دوم آقای وثوق الدوله ۱۳۳۸ هجری قمری درمدت عمر کابینه دوم آقای میرزا حسن خان مشیرالدوله و کابینه فتح‌الله خان اکبر سپهدار رشتی تقریباً فترتی برای احزاب نامور پیش آمدو جمعیت سیاسی مؤثری را که بشود نام برد عبارت از تشکیل (کمیته آهن) استدر زرگنده شایدباعضویت آقایان سید ضیاء الدین طباطبائی مدیر روزنامه رعد و ماژور مسعود خان و الکساندر خان وچند نفر دیگر که تذکار نام آنها لزومی ندارد

پس از کابینه نودروزه سید ضیاء الدین در کابینه میرزا احمدخان قوام‌السلطنه مجدداً تا اندازه بازار فرق واجتماعات گرم شد از آنجمله بود. اند احزاب(سوسیالیست) (دموکرات مستقل) (کمیته اتحادشرق) (تجدد ایران) و سایر دستجات و اخیراً (ایران نو) که بتدریج طالع شده و پس از چندی غروب کرده اند .

(* بطوریکه ملاحظه میشود فرق سیاسی ایران بدواً بایك روح وطن‌پرستانه ومسلك آزادیخواهانه ومرام ترقی طلبانه تشکیل ودر خدمت باستقلال کامل وطن مردانهٔ کوشیدهٔ وجان فشانیها نموده اند ولی بعد عمال سیاسی و مغرضین نفع پرست برای شروع فساد در جامعه وتامین منافع شخصی موجبات تفرقه و تشتت را با وسایل گوناگون بزریق و فرق سیاسی را در نظر یار و اغیار بی وقر وبی اعتبار نموده اند)

فصل هشتم

اثرات جنك بين الملل در ايران

در ضمن شرح جريانات نهضت ملى ايران در هنگام ظهور معاهده ۱۹۰۷ ميلادى نگارش رفت كه مليون ايران هميشه نگران اوضاع بوده و با كمال توجه در صدد يافتن علاج و نجات از محاصره نفوذ استعمارى دول همسايه جنوبى وشمالى بوده و دائماً وضعيات سياسى فرنك را اززير نظر دقت ميگذرانيدند

درهنگاميكه مقدمات جنك بين المال ۱۹۱٤ بانهايت عجله وشدت دردنياى مغرب عرض اندام نموده و متحدين ومتفقين بواسطه نشريات وتبليغات خود عالم را بهيجان آورده بودند ، بويژه ابلاغيه هاى جنگى آلمان ، اطريش ، عثمانى كه باآب وتابى مخصوص منتشر و احساسات و افكار را بمبارزات وجنگها وخونريزيهاى فرونت شرق وغرب اروپا متوجه ميساختند افراد استقلال طلب و آزاديخواه كه بواسطه فشار و تجاوزات عمال دربار تزارى روس بستوه آمده وپيروى آمال وآرزوى روز بهترى را داشته ومنتظر فرج بعد ازشدت بودند .شهرت و انتشار غلبه نظامى و تفوق معنوى دول متحده آلمان ؛ اطريش و عثمانى را فوزى عظيم شمرده وبخلجان و هيجان آمده بودند

ازطرف ديگر وسعت دايره جنگهاى فرونت اروپاى مركزى و جنوبى تاسرحدات شمال وغرب ايران كشيده شده ولشكريان متخاصمين خانمان قسمتى از رعاياى سرحدى را بباد فنا ميدادند .

سالها قبل ازپیدایش جنك بین‌المللی یعنی از دوره استبدادصغیر محمدعلی میرزا ـ روسهای تزاری ازهرج‌ومرج وضعف قوای مرکزی استفاده نموده، وپیش قراولان اردوی تزار در سنوات ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ هجری قمری درحدود خراسان وآذربایجان داخل ودر مشهد مرتکب فجایع گردیده بواسطه توپ بستن بگنبد مطهر رضوی (ع) قلوب ایرانیان را جریحه‌دار ودر تبریز با تقویت صمدخان شجاع‌الدوله باعث قتل و



(۲۸) آقای مهدیقلی خان هدایت (حاج مخبرالسلطنه)

اولین وزیرقانونی علوم دردوره مشروطیت

غارت جمعی از وطن خواهان گشته ومرحوم ثقة‌الاسلام‌را بدار اعتساف کشیده‌واز هیچ جنایتی فرو گذار ننموده بودند.

بعد از قتل وغارت تبریز وخرابی گنبد وصحن حضرت رضا (ع) در خراسان و آذربایجان لنگر انداخته و بانتهاز فرصت اوقات می گذرانیدند.

با چنین وضعیتی نزدیك شدن ار دوی مخاصم (قشون عثمانی) را بسرحدات ایران ۱۹۱۵ میلادی بهانه قرار داده و برای اشغال واقعی ایران از بندر انزلی (بندر پهلوی) قدم پیش گذارده و شهر قزوین ۱۶۰ کیلومتری پایتخت را اردوگاه لشکر قزاق وسالدات قرار داده مرکز را تهدید وآماده حمله وتهاجم گردیده بودند.



(۲۹) آقای محمدعلی‌خان فروغی (ذکاءالملك)

عمال سیاسی (دیپلوماتیك) جنوبی وشمالی نیز بیکار ننشسته و باب مذاکره و یادداشت ونصایح عاقلانه و خیرخواهانه را با دولت وقت گشودند و پیشنهادات چندی تقدیم نمودند که با مصالح واقعی وطن واستقلال با تمام معنی مملکت سازش نداشت ـ ازجانب دیگر نمایندگان دول متحده آلمان واطریش وعثمانی احساسات عمومی را غنیمت شمرده با ملیون و نمایندگان مجلس باب مراوده ومذاکره مفتوح و از هیچ

اقداماتیکه موجب غلیان احساسات و عواطف ملت بگردد فرو گذار نمینمودند. درایران بالنتیجهٔ عناصر تجدد طلب ووطن خواه پیش آمدیک چنین وضعیتی را با گشاده روئی استقبال کرده و افکار واقدامات خودرا برضد نفوذ روس وانگلیس علنی وهویدا ساختند.

تصادم و اصطکاك سیاست جنگی اروپا درصحنه سیاست ایران و پشت هم‌اندازی ودخالت نمایندگان دول‌متفقه ومتحده وتشنج وبلاتکلیفی افکار عمومی کابینه مرحوم میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالك‌را باتخاذ تصمیم واداشته وچندی موضوع دخالت یاعدم شمولیت ایران در جنك در محافل رسمی و غیر رسمی دولت و ملت مطرح وبالاخره تصمیم کابینه علنی‌وبیطرفی ایران درجنك بین‌المال رسماً اعلان وبتمام‌سفارت خانهای مقیم پایتخت و نمایندگان ایران در ممالك سائره ابلاغ گردید ۱۹۱۵ میلادی مطابق۱۳۳۳ هجری قمری (*)

در ختام جنك بین‌المللی درکالج امریکائی طهران کنفرانسی دایر و سید ضیاءالدین مدیر روزنامه رعد خطیب کنفرانس درموضوع رد بیطرفی ایران دلایلی اظهار و گفته بودند:

اگر درآنموقع کابینه مستوفی الممالك به پیشنهادات نمایندگان دول همسایه ترتیب‌اثرمیداد ودرجنگ دخالت‌رسمی میکرد - میتوانست

(*بعقیده نگارنده که جریانات تاریخی بعدهم معین میدارد یکی ازسیاست های خوب ومفید ومطابق مقتضیات وحوائج ملی وافکار عمومی آنروزی که‌ازکابینه مرحوم میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالك دریك موقع باریك وسخت که مقدرات ملی در تزلزل بود همانا موضوع بیطرفی ایران در جنك بین الملل بود - چه بیطرفی فرصت نیکوئی جهة خود آرائی وتحکیم بنیان استقلال باتمام معنی ایران بدست میداد که هم استفاده سیاسی بشود و هم بهره اقتصادی گرفته شده ومنافع وطن وملت را کاملا تامین بنمایند چنانکه همینطور شد.)

منافع زیادی برای مملکت حاصل نمایند - وضعیات بعد بخوبی نشان داد که نظریه مذکور مورد نداشته و باضعف واوضاعی که آن روز برای ایران پیش آمده بود و بارویهٔ که عمال تزاریست پیش گرفته بودند. اگر در آنموقع ایران تسلیم هوا و هوس این و آن شده و مهاجرت



(۳۰) آقای میرزا حسین خان نائینی (مؤتمن الملک)
رئیس دارالشورای ملی

وقیام ملیون پیش نیامده بود قطعاً سرنوشت ایران کنون تغییر یافته و صورت نازیبائی بخود گرفته بود.)

اعلان بیطرفی نه تنها از اشتداد و سختی اوضاع نکاست ، بلکه بیش از پیش عمال و نمایندگان سیاستهای مختلفه را بفعالیت وا داشت

و صفحه پهناور وطن میدان کشاکش حرفای جنگی گردیده و ایران بیطرف را ویران و قسمتی از اهالی صلح طلب ورعایای بی پناه را بخاك و خون کشیدند .



(۳۱) آقای سید محمد تدین رئیس دارالشورای ملی
در موقع ریاست مجلس

از جهة دیگر آلمانیهای جمع شده درطهران در ظل وزیر مختار زبردست خودشان (برنس رءس) بنای دسته بندی و تبلیغ را گذارده بطوریکه شنیدم و بادست حسین زاده مجاهد ویارانش برای قبضه اسلحه ومحل دفاع

نقشه انهدام قزاقخانه را میریختند ولی نقشه مزبور کشف و از طرف دولت از حوادث محتمل الوقوع جلوگیری بعمل آمد ۱۹۱۶ میلادی

***

ژاندارمری جوان که باخون دل و بذل فداکاری ملیون در تحت هدایت و تعلیمات صاحبمنصبان سوئدی تشکیل یافته و برای تحکیم و ایجاد مرکزیت فدیه‌های گرانبها میداد. برحسب تعلیمات دولت از نظر پیش آمد جریانات ممکن الوقوع - افراد خود را از اطراف طاب و درباغشاه تمرکز داده و بااحساسات غرور ملی پشتیبان نفوذ دولت و مجلس بودند،

در یك چنین وضعیت منقلب احمد میرزا آخرین پادشاه قاجاریه تصمیم بعزم حرکت و انتقال پایتخت ازطهران باصفهان غوغائی درشهر ایجاد و همه را نسبت بآینده نگران ساخت!

انتشار خبر حرکت شاه سبب شد که یکدسته از قشون روس متوقف در قزوین برای مرعوب کردن مجلس و دولت و تصفیه وقبضه پایتخت باعجله وشتاب از قزوین حرکت و تا قریه کرج شش فرسنگی ۳۶ کیلومتری طهران پیش آمدند!

جلوآمدن پیش‌قراول قشون روس برهیجان وغلیان افکارافزوده بازارها تعطیل، مجلس شورای ملی آشفته. دربارآماده حرکت بطرف اصفهان، افراد ملیون سرگرم تجهیز برای دفاع و عدهٔ از وکلاء بطرف قم رهسپار گردیدند ۱۳۳۳ هجری قمری

***

اردوی ژاندارمری از نظر احتیاط از تصادم با قوای روس و محاصره فرضی در تلاطم - مجاهدین که با دست و فکر (شونمان) آلمانی تهیه شده بودند. همچنین سفرای آلمان و اتریش و عثمانی از

نظر تسریع در حرکت که برنفع خود تصور میکردند ، بقصبه حضرت عبدالعظیم نقل و مکان داده وبانگ حرکت زنگ قافله های مهاجرین سیاسی گوشزد زائرین حضرت معصومه در جاده قم میگردید .



(۳۲) میرزا حسین‌خان دادگر (عدل‌الملك)
رئیس دارالشورای ملی

***

اهالی دست از کسب و تجارت بر داشته در آن روز برای تعیین تکلیف بعمارت گلستان محل دربار و هیئت وزراء هجوم آور و تا اواخر شب در گلستان مقیم بودند .

جلسه هیئت وزراء تا سه ساعت بعد از نصف شب دائر وبلاتصمیم مشغول مذاکره در اطراف وضعیات بودند .

مردم برای فهم قضایا و تعیین آخرین تکلیف در آن شب تاریخی بشدت و خشونت خود افزوده از کابینه مستوفی تقاضای اتخاذ تصمیم فوری را داشتند :

نمایندگان جنوبی و شمالی برای متقاعد کردن دولت مرتباً با دربار رفت‌وآمد داشته ، وشبانه جهة متوقف ساختن عملیات قشون روس تا قریه کرج نیز میرفتند .

جماعت در گلستان بهمان حال باقی بوده مقارن نصف شب میرزا حسن خان مستوفی الممالك برای اقناع مردم و توضیح قضایا از جلسه هیئت وزراء خارج و بطرف اهالی پیش آمد .

در این بین جماعتی بطرف رئیس الوزراء پیشرفتند و نگارنده نیز درقفای جماعت نگران اوضاع بوده ودیدم مستوفی الممالك بالحن مخصوص و صدای گرفته ومتشنج بدون‌توجه باظهارات‌مخاطبین سربلند نموده و گفتند (کارها خراب است وشما هنوز اینجا هستید ؟) بمحض اظهار این‌مطلب وانشاء این‌جمله‌راه خودرا تغییرداده ورفت !

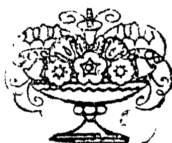
بلاتأمل‌خواص ومحارم‌مستوفی افرادرا بخروج‌از گلستان دعوت وباحالت نجوا و تنگ گوشی به‌مبرزین مجتمعین میگفتند:

(غرض از فرمایش آقا این بودکه فوراً از شهر خارج وباردو بطرف قم بروید که اوضاع وخیم است)

نویسنده بعد از خروج از گلستان شهر را پریشان و دستجات مختلفه‌را سواره‌وپیاده بطرف‌دروازه روان‌میدیدم وصبح‌زود اشخاصیکه

ناظر جریان مهاجرت بودند ـ ملاحظه می کردند که درجاده حضرت عبد العظیم قطار اشتران مست پیاپی و در دنبال یکدیگر عبور نموده و بار قطار ها اسلحه و سایر ملزومات جنگی و قورخانه بود که مرتباً از باغشاه محل ژاندارمری حمل وبراه می افتادند .(*)

از قرائن معلوم بود که قبلا تدارك سفر دیده شده و وسایط نقلیه لازم را تهیه دیده بودند.



(* متاسفانه چند میلیون اسلحه ومهمات وعدهٔ افراد تربیت شده که درظرف چندسال تهیه شده بود، بواسطه عدم تصمیم چندی درحفظ بیطرفی ونداشتن خطمشی ثابت دام در راه و بیراهه تفریط و بعد مایه شرارت الواط و اوباش گردید .

فصل نهم

مهاجرت و کمیته دفاع ملی

وکلای مجلس شورای ملی و سایر معاریف طبقات و اردوی پراکنده ژاندارمری و دستجات مجاهد و چریك که از طهران حرکت نموده بودند. بتدریج وارد قم شده وسکونت موقت اختیار کردند.

ولی هیئت وزراء و دربار بواسطه تأکید وتأمین سفارتین جنوبی و شمالی و متوقف شدن پیش قراول قشون روس در کرج و تمرکز قوای ملی در قم فسخ عزیمت نموده و از ترك پایتخت منصرف شدند.

وزراء مختار اطریش و عثمانی که بقصبه حضرت عبدالعظیم نقل ومکان نموده بودند. بمرکز مراجعت ولی وزیر مختار آلمان ازمراجعت بطهران خودداری و با مهاجرین همعنان گردید.

بالجمله شهر قم مرکز قوای ملی اعلام و درآنجا عدهٔ از نمایندگان دارالشورای ملی در تحت ریاست سلیمان میرزا برای ایجاد مرکزیت و تهیه قوای دفاع در مقابل قوای مهاجم روس کمیتهٔ موسوم به (کمیته دفاع ملی) ۱۳۳۳ هجری تشکیل و بلا فاصله تشکیل کمیته دفاع را تلگرافاً بتمام ولایات اعلام وچون قشون روس برای تفرقه مهاجرین ازقزوین بطرف ساوه حرکت نموده بود ازطرف کمیته دفاع ملی عده ایرا برای جلوگیری بساوه اعزام وبانهایت جدیت درصدد فراهم کردن وسایل عقب نشینی وتکمیل و تجهیز قوا برآمدند.

خلاصه بواسطه تهاجم طلایه روسها و جنگ مختصر ساوه ـ رباط کریم ـ قریه‌منظریه‌مهاجرین شهرقم‌را تخلیه وجمعی ازراه‌عراق و بروجرد و لرستان عازم کرمانشاهان و عمده سرسلسله گان مهاجر از راه کاشان عازم و باصفهان ورود نموده و پس از تهیه مسافرت از راه بختیاری بطرف کرمانشاهان حرکت نموده و رفتند .(*)

کابینه مستوفی در نتیجهٔ اتخاذ سیاست ملی و اعلام بیطرفی و بطلان نقشه تصرف غیر مستقیم روسها بواسطه قیام مهاجرت سیاسی ساقط و محمدولی خان سپهسالار تنکابنی که مورد اطمینان روسها بود زمامدار امور گردید .

در اینموقع نفوذ جنوبی و شمالی در مرکز مملکت بلامعارض روبتوسعه، ملیون ووطن‌خواهان مغضوب وفراری، مالیه ایران باتشکیل کمسیون مختلط زیر نظر (کنترول) ۱۳۳٤ هجری واقع گردید *

پلیس جنوب درفارس وبنادر حکمفرما و اوضاع ازهرجهة تیره بنظر میرسید .

(* از مطالب‌قابل تذکار آنکه بعدازعزم بتوقف درباردرطهران آقایان‌میرز حسین‌خان‌عدل‌الملك(دادگر)وارباب کیخسرو ونماینده زرتشتیان برای‌معاودت‌نمایندگا مهاجر از طرف مستوفی الممالك رئیس الوزراء تا کاشان آمده و بلا نتیجه مراجعت کردند) دراصفهان دسته عقب ماندگان از مهاجرین برای تهیه وجه درامور بانك شاهنشاهی دخالت نموده ومبلغی برضرر دولت افزودند .)

* دو نفر نماینده از طرف جنوبی و شمالی کلیه عایدات و مخارج ر در تحت نظر گرفته و کنترول مینمودند .

بعد از انحلال کابینه سپهسالار و روی کارآمدن کابینه اول میرزا حسن خان وثوق الدوله در اثر قوت گرفتن ملیون مهاجر در غرب و شکست قشون روس د همدان کمسیون مختلط با شرایط جدی برداشته شده و نظارت مالی ملغی گردید

***

تهاجم و پیشرفت قشون روس که از قزوین شروع شده بود تا قصر شیرین آخرین نقطه سرحدی غرب ادامه داشت ودر آنجا بواسطه شکست سختی که از قشون ترك خورد متوقف و بعد بوسیله حملات شدیده سواران ایلات سرحدی ایرانی (سنجابی وکاهر و قلیخانی) و قوای تحت فرماندهی احسان علی پاشاقوای روس بعقب نشینی مجبور وتاآوج بین همدان وقزوین و سلطان آباد عراق رانده شدند جمادی الاخر ۱۳۳۵ هجری: قوای مهاجرین ایران (ژاندارم وسوارمتفرقه) بامساعدت وتقویت قشون علی احسان پاشا کرمانشاهان ، همدان ، ملایر و نهاوند و بروجرد و قسمتی از کردستان را اشغال وبرای اداره کردن قطعات مصفی شده ازقشون بیگانه ـ درشهر کرمانشاهان درتحت قیادت مرحوم نظام السلطنه مافی حکومت موقتی تشکیل و شهر کرمانشاهان پایتخت ومرکز حکومت مستقل موقتی مهاجرین گردیده ۱۳۳۵ هجری و اعضاء حکومت موقتی بطریق ذیل معرفی شدند:ـ

نظام السلطنه رئیس الوزراء ورئیس حکومت موقتی ، ادیب السلطنه سمیعی وزیرداخله، میرزا قاسم خان صور وزیر پست وتلگراف محمد علی خان فرزین مالیه ، سید حسن مدرس قمشهٔ عدلیه واوقاف ، عباس میرزا سالار لشکر فرمانفرمائیان وزیر جنك ، حاجی عزالممالك اردلان خزانه دار ومستقلا شروع بکار کردند .

چنانکه قبلا اشارت رفت درنتیجهٔ نزدیك شدن قوای مهاجرین وملییون بمرکز ومعلوم نبودن سرنوشت ختام جنك ـ کابینه بیملاحظه محمد ولی خان سپهسار تنکابنی منحل ومیرزا حسن خان وثوق الدوله زمامدار شده وبااتخاذ سیاست معتدل ملییون مرکزی را جلب وبطوری

که ذکر شد کمسیون مختلط مالی را ملغی وبرای تکمیل اقدامات معتدلانه خود نغمه انتخابات دوره چهارم تقنینیه را ورد زبانها ساختند.

***

در کرمانشاهان فیمابین مهاجرین اختلافات شدیده برپا شده بود ودنباله اختلاف تابجائی کشید که بعنوان سوء قصد برعلیه رئیس حکومت موقتی (*) سیدجلیل اردبیلی وچند نفر دیگر راتوقیف کردند و سران گروه مهاجرعلل اختلافات‌را برروی خط مشی اساسی عنوان میکردند

سلیمان میرزا ویاران اورا عقیده براین بود که سازش مستقیم با عثمانیها برای آینده استقلال ایران بی‌ضرر نیست، ولازم است مهاجرین سیاسی بلاواسطه بـا دربار برلن مسائل را برروی منافع متقابله قطع و فصل نموده ومستقلا بعمل بپردازند.

سید حسن مدرس وتابعین اورا عقیده بر این بود که باید سیاست اتحاد اسلام را درنظر داشته واز تفرقه وجدائی با عثمانیها و کدورت بین دربار خلافت وعالم اسلام احتراز جست.

(* درآنموقع بواسطه ضعف مرکزیت وحالت بیگانگان دو حکومت رسمی درمملکت فرمانروائی میکرد، حکومت قانونی مرکزی درطهران که آقای وثوق‌الدوله عامل تشکیل آن بودند. یکی هم حکومت موقتی نظام‌السلطنه درغرب.

شهرت فتوحات وپیشرفت قوای مهاجرین درحدود غرب وتجدید هیجان و غلیان احساسات ملیون مرکز رئیس الوزراء را بفکر ارتباط باحکومت موقتی نظام السلطنه انداخت اول تصمیم براین اتخاذ شده بود که مرحوم میرزا محسن راروانه بنمایند ــ ولی بواسطه اشکالات جنگی راه یا عدم اطمینان از پذیرفتن و نتیجه گرفتن قرعه این فال بطورمستقیم ازنظر ارتباط مسلکی بنام نگارنده زده شد ــ نویسندهٔ ازپایتخت حرکت وازراه قم وعراق وملایر خودرا بکرمانشاهان رسانیده وپیغامات خودرا برله مرکزیت واستقلال کامل وطن در یکی از جلسات رسمی هیئت مشاوره حکومت نظام‌السلطنه ابراز و در کرمانشاهان تاخاتمه مهاجرت متوقف‌شدم

حاشیه نشینان کنجکاو اینگونه نمایشات را بیموضوع دانسته و اختلافات را زائیده ریاست طلبی ومقام خواهی تصور مینمودند)

***

در نتیجهٔ اوضاع عمومی جنگ وفشار قشون انگلیس در فرونت بصره وبغداد قوای عثمانی داخله ایران را تخلیه و از همان راهی که آمده بودند شروع بباز گشت نمودند.

قوای مهاجرین نیز بالطبع عقب نشینی اختیار و دنباله هزیمت رؤسای مهاجر تا اسلامبول و برلن کشید. ودر این میان باصطلاح کاسه وکوزه برسر بیچارگان شکسته وموجبات قتل وغارت عشایرسنجابی در سرحد قصر وتبعید سلیمان میرزا فراهم واکثریت افراد مهاجر بعد از انتشار اخبارانقلاب روسیه وگسیختن رشته انتظامات افواج روس در فرونت بتدریج باوطان خود مراجعت کردند .

ورود پیاپی مهاجرین بپایتخت احساسات خفته را بیدار وابلاغیه های حکومت انقلابی روسیه بیشتر موجب امیدواری ملیون گشته و واژگونی کاخ مظالم تزارروس باعث شادمانی عامه ملت وموجب تشنج حکومت گردیده وکابینه های وثوق‌الدوله‌ساقط وکابینه مرحوم علاء‌السلطنه با عضویت مستوفی الممالك ومشیرالدوله دایر و بعد از ایام مختصری علاء السلطنه بر کنار ودر ظرف شش ماه دوکابینه شاهزاده عین‌الدوله و مستوفی الممالك محلل واقع شده ومرحوم نجفقلی خان صمصام‌السلطنه برای تسکین اوضاع زمامدار گردید .

هیئت وزراء صمصام السلطنه آقایان ممتازالملك . ممتازالدوله ، مستشارالدوله میرزا حسین خان علاء ؛ حکیم‌الملك . از موقعیت سیاست

اروپا وشکستن طلسم تزاریست روسیه که یکتامانع ترقی و تکامل ایران در قرن اخیر بود. خصوصاً از بین رفتن معاهده ترکمانچای و الغـای رسمی قیود متجاوز از روسیه ازطرف حکومت انقلابی مسکو استفاده نموده برای پیشرفت وترقی معنوی مملکت وتسکین افکار عامه وطن‌پرستان که باشدت بهیجان آمده بود.

متهورانه اعلان الغای (کاپیتولاسیون) قضاوت قونسولات خارجه را درایران صادر وبتمام سفارتخانها ابلاغ ودر جراید پایتخت به‌ترتیب ذیل اعلام وذکر خیری درصفحات تاریخ ازخود باقی گذاردند

«نظر بآنکه معاهدات ومقاولات وامتیازاتی که ازیکصدسال باین طرف دولت استبدادی روس واتباع آن ازایران گرفته‌اند تماماً یادرتحت فشار وجبر وزور یا بوسیله عوامل غیرمشروعه از قبیل تهدید وتطمیع برخلاف صرفه وصلاح مملکت وملت ایران اخذ شده‌است.

نظر براینکه دول معظمه دنیا از ابتدای جنك حفظ و رعایت مختاریت واستقلال اقتصادی وسیاسی ملل ضعیفه‌را بوسایل متنوعه گوشزد جهانیان مینمایند.

نظر براینکه دولت جدید روسیه آزادی ومختاریت تام ملل را مقصد وآرزوی خود قرارداده و بالخاصه الغای امتیازات و عهودی را که از ایران تحصیل کرده اند ازمجاری رسمی و غیر رسمی بدفعات اعلان کرده است.

نظر براینکه امتیازات وعهدنامجات و مقاولات مزبوره علاوه بر اینکه درتحت فشار وزور برعلیه مصالح مملکت اخذ وآنهائیکه بعداز اعلان مشروطیت ایران برخلاف نص‌صریح قانون‌اساسی مملکت تحمیل

ده است یا بموقع اجرا گذارده نشده ویا بترتیب خیلی ناقص اجرا
مخالف مواد مصرحه آنها رفتار شده !! نه تنها حقوق معینه دولت استیفا
گشته بلکه نقل و انتقال و یا سوء استعمال مدلول آنها غالباً به بهانهای
ض سیاسی و اقتصادی بر ضرر استقلال دولت و حوائج ملت اتخاذ
نده است و بالجمله نظر براینکه دولت وملت ایران هم حق دارد مثل
سایر دول وملل عالم از منابع ثروت وآزادی طبیعی خود استفاده بنماید
لهذا هیئت دولت درجلسه شنبه چهارم اسد ۱۲۹۷ شمسی مطابق
شوال المکرم ۱۳۳۶ هجری قمری الغای کلیه عهدنامجات و مقاولات
امتیازات فوق‌الذکر را قطعاً تصمیم ومقرر میدارد که وزارت جلیله
مور خارجه بمامورین و نمایندگان دول خارجه مقیمین دربار ایران
سفرای دولت علیه مقیمین خارجه را ازمفاد این تصمیم مستحضرداشته
وزارت جلیله فوایدعامه‌وتجارت‌وفلاحت بوسایل مقتضیه‌برای استحضار
عموم‌اعلان بنمایند. (کابینه ریاست وزراء)
مندرج در شماره ۲۷۶ سال دوم روزنامه ایران مورخه سه شنبه
۲۱ شوال مطابق هفتم برج اسد ۱۲۹۷ شمسی (*)

(* مرحوم صمصام السلطنه شخصی ملت دوست ووطن پرور بود، ولی
واسطه نقص معلومات از اجرای آمال ومنویات استقلال طلبانه ملت برنیامده و
ود ومملکت مجروح از لشکر کشیهای چندساله اجانب را چندی دیگر گرفتار
گربه رقصانی عمال بیگانه و خائنین داخلی ساخت ! موضوع بیعلمی آنمرحوم
بهانه خوبی بدست دشمنان سیاسی کابینه و بذله گوهای خودمانی داده بود
زمامدار مرحوم مذکور درجریانات سیاسی خودرا نباخته وتسلیم‌دسایس
یگانه برخلاف منافع استقلال وطن نمیشد
از شخص موثقی شنیدم که روز قبل از اعلام الغاءکاپیتولاسیون ازطرف
یکی ازعمال ذینفع خارجی براتی بمبلغ یکصد هزار تومان تقدیم کرده بودند

حرکت تند وسریع کابینه صمصام السلطنه درزمینه استفاده ازموقع وتزلزل نفوذ دول استعماری- بیگانگان ذینفع وخائنین داخلی را بیش از پیش برای انحلال حکومت صمصام السلطنه باقدامات و سرعت عمل وادار و بتکاپو بازداشت .

سرکیسه ها باز شده وازطرفی عدهٔ از دلالهای تاجرنما واصناف و افراد ولگرد احزاب‌را برانگیختند تادرمسجد شاه بساط پلو وسور راه انداخته وبرضدکابینه جنجال برپا واز ناامنی شکایت نمایند .

سیدحسن مدرس که تازه ازگردراه رسیده بود باچند نفرمرید پولکی با دستور مخصوص درصحن حضرت عبدالعظیم تحصن اختیارو تقاضای مجتمعین درمسجد شاه را تائید میکرد (*)

که چندی‌ازانتشارتصویب‌نامه‌خودداری‌نمایند ولی باشرافت‌ایرانیت‌حوالهٔ را مسترد و با سرعت عمل‌کار خودرا انجام داده‌وذکر خیری ازخود درصفحات‌تاریخ ملی‌باقی گذاردند .)

(* سید حسن مدرس که نام ایشان درسنوات اخیر چندی ورد زبان عوام شده بود دردوره دوم دارالشورای ملی ازجانب مرحوم آقای آخوندملا کاظم مجتهد خراسانی که خدمات شایانی بعالم مشروطیت نوزاد ایران انجام داده بودند بعنوان نظارت شرعی بمجلس وارد ودرحین ورود بالباس فقاهت در زمره سیاسیون داخل وبعد عضویت درحزب اعتدال و از طرف ناصرالملك قبول و دردوره سوم‌چنانکه‌گذشت عامل تفرقه ودو دستگی اعتدالیون گردیده‌وفرقه‌مذکور را بدو قسمت‌تقسیم کرد .

درهنگامه مهاجرت سیاسی نیز درکرمانشاهان عامل نفاق بین سران‌مهاجر گردیده و بعد ازختم غائله‌مهاجرت مهمترین‌عامل‌سیاست بازی‌روی کارآمدن کابینه قرار داد وسپس بعنوان ضدیت با قرارداد علم مخالفت براوراشتهٔ ودر نهضت جمهوریت نیز در کشاکش‌وضدیت‌شرکت داشته وبالاخره معلوم نبود برروی چه‌مقاصدبخصوص کار می کند)

بالجمله کابینه براندازهای حزبی و بازاری ودستهای غیبی برای برهم‌زدن وضعیات و سقوط کابینه صمصام‌السلطنه از هیچ نوع کارشکنی فرو گذار نمیکردند .

حتی سید هاشم پهلوان اکبری که یکی از سرجنبانان محلات طهران بود باجمعی ازجوانان‌سرگذری‌را اسلحه‌وپول داده‌جهة بی‌اعتبار جلوه دادن حکومت و تزلزل امنیت مامور کردندتا گلدسته مسجد امام زاده سید ولی را واقع در وسط بازار شهر طهران سنگرگاه خود قرار دادند .

باینهم اکتفا نکرده وسایلی برانگیختند تا چند نفر اراذل در تحت ریاست حسین تفنگچی گاری پست دولتی را در بیرون دروازه قزوین سرقت وا موال مردم‌را بغارت بردند.

با تمام اینگونه اقدامات مخل امنیت عموم در زیر نقاب آرامش طلبی وصورت حق بجانب وهرزه گیهای صادره از مراکز نقشه خودی وبیگانه کابینه صمصام‌السلطنه از کناره گیری وتسلیم ممتنع و از تقدیم استعفاء خودداری کردند تافرمان عزل‌صمصام‌السلطنه ونصب آقای میرزا حسن خان وثوق‌الدوله بسمت ریاست وزراء در روزنامه ایران منتشر و عمر هرج ومرج مصنوعی وساختگی خاتمه داده شد !

با مقدماتیکه قبلا ذکر شد کابینه دوم وثوق الدوله با عضویت شاهزاده فیروز میرزا نصرة‌الدوله و اکبر میرزا صارم الدوله و فتح‌الله خان اکبر سپهدار رشتی ومیرزا حسن‌خان مشارالملك تشکیل و رشته انتظام را بکف گرفتند !

خط مشی اولیه کابینه فراهم‌آوردن ارزاق وامنیت و انتظام بوده

وضمناً نسبت بعناصر ملی و مهاجرین تازه‌وارد پرشور و شر ومملو از احساسات وطنی سیاست جلب واستمالت درپیش گرفته بودند .

در وهله اول قسمتی از اغتشاشات که با دست این وآن برای ضدیت باکابینه قبل فراهم شده بود خود بخود ازبین رفت .

وبرای‌خاتمه‌دادن‌براهزنی ـ ماشاءالله خان کاشانی را در طهران بدار کشیده و برای سر کوبی حسین کاشی پدرش و رضای جوزانی عدهٔ اعزام وآنهارا مقتول‌وبعد از یکسال ازعمر حکومت زمینه جدید برای اجرای‌منویات اصلی ظاهراً مصفا وآماده گردید که شرح آن از نظر اهمیت تاریخی بطوریکه‌مقدمات امرنشان‌داد درفصل آتی ازمعرض افکار خوانندگان‌خواهد گذشت.



فصل دهم

قرارداد ۱۹۱۹!

انقلاب ۱۹۱۷ میلادی روسیه که باعث وموجب فرو ریختن کاخ مظالم امپراطوری روسیه گردید نه تنها عمر جنك بین الملل را کوتاه وتکان سختی بوضعیت استعمارطلبی برخی ازدول غربی داد بلکه اثرات مهمی در سرتاسر شرق عموماً و ایران خصوصاً بخشیده وسبب جنبش عمومی وتجدید غلیان احساسات ملی گردید.

ولی ازجانب دیگر در نتیجهٔ جنك عمومی و ویرانی ایران ستم کش چنان رشته اوضاع ازهم گسیخته شده بود که ترمیم آن بزودی‌زود بافکر وعقل هیچ دوراندیشی مناسب نمی آمد.

مملکتی که درظرف پنج‌سال جنك‌بین‌الملل لگدکوب سم‌ستور قشونهای‌روس‌وعثمانی‌وانگلیس شده وخانمان رعایای بی‌سروسامان آن بباد فنا رفته باشد ــ کشوریکه بواسطه دخالت عمال بیگانگان در شئون اداری‌ومرکزیت و امور مالی و نظامی و اجتماعی شیرازه سیاسی آن بطوری بکسلد که علاوه بر خودسری وتمرد ملوك‌الطوایف در ظرف سنوات ۱۳۳۳ ـ الی ۱۳۳۵ هجری قمری در مرکز و غرب رسما دو حکومت با دو رژیم مختلف زمامدار گردیده وهر یك مطابق دلخواه خودعمل بنمایند (حکومت موقتی نظام‌السلطنه در کرمانشاهان وحکومت سپهسالار و وثوق‌الدوله درطهران).

مملکتی که درمدت یکسال۱۲۹۶ شمسی بواسطه وضعیات خراب چهار رئیس‌الوزراء وهیئت کابینه بخود به‌بیند (علاء السلطنه ـ عین‌الدوله مستوفی ، صمصام السلطنه) ومعروف بکابینه فصول بشوند . کشوریکه وزیر مالیه آن آجر عشریه فخارخانه و چند هزار خروار آخرین



(۳۳) - آقای میرزاحسن خان وثوق
(وثوق‌الدوله)

ذخیره انبار غله دولت را بعنوان مواجب در بین جمعی از مستخدمین دولت تقسیم نموده و موجبات قحطی مصنوعی را فراهم و هزاران نفر نفوس بیگناه‌را بدیار عدم برتاب بنمایند. و پادشاه‌آن کشور(احمد میرزا) در عین قحط سالی و فقدان آذوقه و خرابی دهات وفقر کشاورز ها برای ازدیاد قیمت گندم کوشش ورزیده ودرب انبار غله شخصی خود را بر روی افرادمات مسدود کند.

بدیهی است هر بیگانهٔ بیك چنین مملکت درهمچو موقعی طمع دوخته و بفکر سلب استقلال آنملت می افتد صرف نظر از آنکه باقتضای سیاست استعماری خود عامل بروز چنین اوضاعی نیز شده باشند.

خلاصه باوجود این کیفیات معلوم ومسلم بود که درعقب این پرده های سیاسی چه نیرنگها خفته ومآل کار بکجا منجر خواهد شد. ؟ ولی خواست خدا واستعداد ملت کهن سال ایران غیراز این بود - وامروزه بخوبی می بینیم تمام آن وضعیات بطوری اصلاح و ترمیم شده- ومملکت با سرعت رو بطرف ترقی و تعالی سیر مینماید که مورد غبطه آشنا و بیگانه واقع وغیر ازسطوری چند درصفحات تاریخ برای عبرت و تنبیه نسل آینده آثاری ازآن دورهها باقی نیست - این بود مجملی از دور نمای حوادث تاریخی آندوره - رشته مطلب را ازدست ندهیم:

***

بعد از انقلاب اکتبر ومتلاشی شدن کاخ امپراطوری نیکلای دوم - زمینه بهتری برای پیشرفت نظریات سیاسی همسایه جنوبی درایران مهیا شده بود.

چنانکه درصفحات گذشته اشارتی رفته است از بدو تشکیل پلیس جنوب با پول وتعلیمات مستقیم صاحبمنصبان انگلیس درجنوب- ملیون ایران بنای ضدیت ومخالفت را بادخالت قوای مذکور در فارس وبنادر گذارده وقوای پلیس جنوب را یك قوه مستقیم خارجی وعامل پیشرفت سیاست استعماری درجنوب میدانستند.

در کابینه اخیر مستوفی الممالك (۱۳۳۶ هجری) که هرچند ماهی هیئت وزراء بعد مقام ومسند وزرای قبل را اشغال میکردند. و رشته اتصال مملکت از هر جهة گسیخته شده بود انگلیسها موقع را مناسب

یافته وبنای دخالت مستقیم وعلنی را گذارده و بوسیله یادداشت رسمی منویات خودرا آشکار ساختند ،

اینك قسمتی از یادداشت مذکور را که ضمن ابلاغیه وزارت خارجه ایران درشماره ۱۸۶ سال‌دوم روزنامه ایران مورخه دوم جمادی الثانیه ۱۳۳۶ هجری قمری درج وانتشار یافته برای تکمیل اطلاعات خوانندگان مینگاریم:

« بطوریکه اولیاء دولت ایران مسبوق هستند ، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان همیشه اوضاع ایران را درتحت نظر و توجه صمیمانه داشته ودر این اواخر علنا موافقت خودرا در موضوع استقلال ایران اظهار داشته اند .

سفارت انگلیس برحسب دستورالعمل دولت خود اخیرا چندین دفعه با دولت علیه ایران مذاکرات دوستانه نموده و تنها چیزی که خواهش شده این بود که حسیات دوستانه !! خودراکاملا نسبت بمصالح انگلیس بطوریکه باید محل توجه قرار بدهند .

برای حفظ ایران ازتجدید اتفاقاتیکه ازعملیات پائیز و زمستان ۱۹۱۵ بحصول پیوست وامروز نیزهمان مخاطرات بخوبی مشهود است جلوگیری نمایند .

و بالاخره نظر بمصالح فوق‌العاده دولت همجوار انگلستان در جنوب و بملاحظه هرج و مرجی که بواسطه فقدان قوه منظم ممکن است بظهور برسد ،

دولت علیهٔ ایران قشون جنوب را بطوریکه حال تشکیل یافته تا آخر جنك رسما بشناسد و در مقابل دولت اعلیحضرت پادشاه انکلستان حاضر هستند که مساعدت مالی وافری !! بدولت نموده وبرای ایجادقوای

متحد الشکلی پس از اتمام جنك برای تمام مملکت که بالاخره قشون جنوب‌هم منضم بدان گردددر تحت نظر صاحبمنصبان خارجه که درخصوص ملیت آنها بعد ازاین بایدبین دولتین موافقت حاصل شود کمال مساعدت بنماید .)

درهشتم جمادی‌الاخرهمان سنه یعنی یکهفته بعد کابینه مستوفی الممالك درقبال یادداشت مذکور فوق پروتست نموده وپلیس جنوب‌را درپردهٔ عبارات یك‌قوه متجاوز خارجی خواند

طبیعی بود انکلیسهای بیداروم‌راقب بدین سهلی از نیات ومقاصد خود دست نکشیده و با اصرار وقت شروع باقدامات نموده و جهة رسمیت دادن بنظریات سیاسی خود منتهز فرصت واشخاص مناسبی شدند

کابینه مستوفی درمقابل فشاربسقوط محکوم ومسند ریاست‌وزرائی نصیب صمصام‌السلطنه بختیاری شد

بطوریکه گفته شد مشکلات داخلی و خارجی از هر جهة کابینهٔ صمصام‌السلطنه را احاطه و باصطلاح دست و پای دولت را در (پوست گردو) گذارده بودند .

قحطی وخرابی که از نتایج تاخت وتاز لشکر کشی خارجه‌بود از یك طرف - سر کشی و یاغی گری راهزنان وحشی و دزدان تحریك شده و سیاسی از طرف دیگر .

تهی بودن خزانه و نبودن قوای منظم تأمینیه در پایتخت و فشار دیپلوماسی که باعث سقوط کابینه قبل شده و مجال را از کابینه‌جدید بریده‌بود . معلوم بود که تندروی دولت صمصامی را بقائی نیست ودیر یا زود وضعیات صورت دیگری بخود خواهد گرفت .

لذاطولی نکشید که هیئت وزراء صمصام السلطنه راه خانه را در

پیش گرفته و میرزا حسن خان وثوق‌الدوله زمامدار امور گردید و در خاتمه سال اول زمامداری معظم له مقدمات برای تظاهر و بندو بستهای سیاسی آماده و مهیا گردید .

عملیات سریع کابینه و جمع آوری جمعیتهای مخصوص مردم مطلع را ظنین و متفکرین انتظار بروز و ظهور حوادث مهمی را میکشیدند چنانکه مدتی قبل از علنی شدن قرار داد کذائی و اعلام آن در جراید مشهور شده بود که در قریه ییلاقی پست قلعه سه فرسنگی طهران جلسه مرکب از چند نفر رجال رسمی خارجی وداخلی تشکیل و مقدرات ملت و مملکت را بطور دل بخواه حل کرده اند « در موقع طرح اعتبار نامه یکنفر از نمایندگان در دوره پنجم مجلس تقنینیه از طرف عده از وکلاء اظهار شد که قسمتی از اعضاء کابینه قرار دادمبلغ صد هزار لیره بعنوان مخارج ابتدائی و تبلیغات برای تحمیل قرار داد بمملکت اخذ نموده و جماعتی از خوان یغمای استقلال سبیلی چرب کرده اند »

در همان اوان که اینگونه شایعات در افکار عمومی جریان‌داشت. روزنامه ایران که درآن موقع با ماهی هفتصد و پنجاه تومان کمک خرج در تحت مدیریت میرزا محمد خان ملك زاده منتشر میشد - در شماره ۳۹۷ سال دوم زیر عنوان - ایران خواه کیست؟ مینویسند:

«ایران‌فیل کیست ؟ ایرانو فیل کسی است که یك دولت همجوار را در نظر آورده قوای مادی و معنوی اورا حساب کرده ، اخلاق سیاسی و مناسبات اورا با ملت خود سنجیده ، منافع و مطامع ویرا در خاك خود در نظر داشته . میزان و مقدار مساعدتهائی را که ممکن است ازآن

دولت برسد باخود حساب کرده. بتاریخ، جغرافیا، آمال ملی وسیاسی مات مزبور و ملت خود رجوع نموده و وقتی که این حسابها درست درآمد و یقین حاصل شد که دوستی او باایران برای ایران صرفه دارد. یاالااقل کمتر ضرر وزحمت دارد - آن وقت ملت خودش را بدون بیم و وحشت وبادلایل مثبته واقناع کننده بطرفداری آن دولت دعوت نموده وزمامداران دولت را بهمراهی آن دولت تحریص بنمایند»

در شماره دیگر ضمن مقالات مسلسل (اصلاحات) درپایان دوازدهمین مقاله اصلاحیه بقلم مدیر سیاسی مینگارد:

«بایستی از خارجه مستشار خواست! که هم بوسیله آن باصلاحات شروع نموده و هم خود آن دولتی که باصمیمیت بما مستشار خواهد داد نقطه اتکاء واصلاح طلبان خواهد گردید»

خلاصه کلام زمینه کار از هرجهة برای تظاهر آماده و راز نهفته از پرده بدر افتاد - اینك برای تکمیل اطلاعات خوانندگان، بیانیهٔ که بقلم آقای میرزا حسن خان وثوق الدوله از نظر تشریح اوضاع و لزوم تنظیم مواد قرارداد بعنوان مقدمه انتشار یافته و ذیلا مواد قرارداد را رسماً اعلام نموده‌اند از نظر تذکر تاریخی از شماره سال سوم روزنامه ایران مورخه یکشنبه سیزدهم ذیقعده ۱۳۳۷ مطابق ۱۸ - اسد ۱۲۹۸ عیناً نقل مینمائیم:

بیانیه ازطرف آقای رئیس‌الوزراء

(آخرین تصمیم)

« در اینموقع که ذات اقدس شهریاری ارواحنا فداه مصمم مسافرت اروپا میباشند ، مدت یکسال از تاریخ زمامداری اینجانب میگذرد . و البته هموطنان من مترصد هستند ازاقداماتیکه درحل مشکلات داخلی و مناسبات خارجی مملکت در مدت این یکسال نموده‌ام بیشتر اطلاع حاصل بنمایند ،

بنابراین لازم میدانم حقایقی را که تأثیر آنها در گذشته وآتیه متضمن مصالح حیاتی مملکت میباشد . باطلاع عامه برسانم . برای مقایسه وضعیات قبل از زمامداری خود تا امروز وبیان حقایق فرصت و مجال وسیعتر وتسوید اوراق بیشتری لازم‌است ، بعلاوه مایل نیستم خاطر هموطنان عزیزم‌را از شرکت در تمام تأسفات ومعاینات تاثر انگیز خودماول سازم پس قسمتی از حقایق ناگفتنی را به تشریح تاریخ و تفرس افکار دقیق حوالت نموده و فقط رؤس مسائل را یادآور میشوم ـ سال گذشته در همین ایام اعلیحضرت‌اقدس شهریاری ارواحنا فداه وظایف تشکیل هیئت دولت وسرپرستی مملکت‌را بعهده بنده مقررفرمودند ، من نیز باآنکه روزنه امید وشعاع بهبودی‌را باآنهمه گسیختگی شیرازه‌ها از هیچ‌طرف مشاهده نمیکردم فقط به نیت فداکاری و اینکه شاید مداخله من لااقل بتواند از توسعه دایره مصایب جلوگیری کند . امر پادشاه متبوع و مفخم خودرا اطاعت کردم ـ ازنخستین نقطه شروع ودرهرقدم باسلاسل طاقت فرسای مشکلات و موانع مصادف گشته برای حل کوچکترین قضایا بزرگترین محذورات را مشاهده کردم . درآنموقع جنگ بین‌ـ

الملل با تشنجات شدیده خود زلزله گیتی را هم چنان مداومت میداد، و برائر آن مملکت مانیزبنوبه خود بیشتر از توانائی بنیت وطاقت خویش متزلزل میگشت.

امنیت در تمام نقاط مملکت مسلوب، دولت مرکزی فاقد کل وسایل و اختیارات- هم چنانکه افراد و تشکیلات ترور درپایتخت آسایش عامه را دچار اختلال نموده بودند. و دستجات یاغی و قطاع الطریق دراقطار ایران برعرض ونوامیس عامه حکمفرمائی داشته واغلب ولایات ونقاط مهمه مملکت بی حکومت وسرپرست ودستخوش غارتگران محلی، باقی مانده قوای متلاشی شدهٔ تأمینیه بارقت ناکترین احوالی درمقدرات خود نالان وافرادآن از گرسنگی درحالت احتضار، خزانه تهی، عایدات مالیاتی لاوصول، اقساط مخارج مهم وضروری دولت دوایر درعهده تعویق و تعطیل؛ ابواب تجارت بکلی مسدودوهمه کس برای ضروریات زندگانی نگران و سرگردان، سختی ارزاق عمومی درمرکز و ولایات باقیافه فجیع خود حیات هیئت اجتماعیه را تهدید قحطی واستیلای امراض چرخ نظام اجتماعی وزندگانی افراد را متوقف- مناسبات باخارجی ما تعطیل وروابط بادولت انگلستان دولتی که درآنموقع بیش از همه مساعدت و مخالفتش مؤثر در وضعیات داخلی بود، تیره و مبهم . و بالاخره تمام موجبات بدبختی و انقراض مهیا و باندك اشتباه و خود پرستی یاتعلل و لاقیدی و یا جبن وبد دلی ممکن بود-آخرین ضربه مخاطرات متوجه حیات سیاسی و استقلال ملی ما گردد.

در يك چنین موقع خطیر و ایام سیاهی بود که متوکلا علی الله با اعتماد بنفس و اتکاء بوجدان و حقیقة، خود خواهی و خود پسندی

را از نظر دور کرده و منافع ملت را بمصالح شخصی ترجیح دادم و از هیچ مخاطره جانی وشرافتی نهراسیده بارسنگین مسئولیت خدمت گذاری مملکت را بردوش خود گذاردم ،

بدیهی است در اول امر محض تغییر و بهبودی موقتی اوضاع مجبور بودم با هرنوع سعی و تلاش وسایل آنی وفوری را تدارك نمایم و باوضعیاتیکه مستلزم مخاطرات آنی بود. مقاومت و فرصت کافی برای امعان نظر و مطالعه دقیق حقایق در هنگامه عظیم دنیا و تجسس طرق ممکنه برای اصلاحات اساسی و تأمین حقیقی آتیه مملکت تحصیل نمایم.

حالت من درآن ایام مانند غریقی بود که اول بحکم اضطرار بهر تخته پاره متوسل گردد، تاخودرا بواسطه آن بکشتی و ساحل نجات برساند ، بهمین دلیل درتصمیمات و عملیات خود اگر معارضی می یافتم و منقد بیخبر از اوضاع میدیدم طرف توجه قرار نداده و برای رسیدن بمقصد یعنی نجات مملکت احکام عقل و دانش را بر احساسات خود و دیگران ترجیح میدادم .

بسی مشعوف و خورسند هستم که بیاری خدای تعالی نخستین تکالیف موقتی خود را با هدایت عقل و وجدان و به نیروی آندرجه توانائی که باری تعالی جل اسمه باین بنده ضعیف عطا فرموده در تهیه وسایل پیشرفت موقتی و درعین حال خاتمه دادن بمخاطرات و منع عوایق داخلی و خارجی با حس فداکاری تاحدی که مقدور باشد انجام دادم.

درادای این وظیفه صعب پس از تأییدات غیبیه و توجهات اولیای اسلام واتکای به تقویت های شاهانه که البته علل اصلی موفقیت اینجانب بودند. مساعدت وحسن موافقت اولیای دولت انگلستان نیز عامل مؤثر وقوی گردید و البته

نباید از امتنان و مساعدتهای آن دولت خاموش نشست !

دولت‌معظم انگلستان درعقیده جلوگیری ازهرج ومرج وایجاد امنیت و نظم درایران با اولیاء دولت شاهنشاهی ابراز موافقت نموده و حصول این مقصودرا موافق‌مصالح‌خویشتن‌یافته. درحدودیکه وضعیات عمومی اجازه میداد از کمك باکابینه اینجانب مضایقت ننمود .

اگرچه این مساعدت ازبعضی حیثیات ومخصوصاً ازحیث اسلحه ومهمات نظامی رضایت بخش وتاآن‌درجه‌کافی‌نبود که موفقیت‌دولت را درحفظ انتظامات زودتر وبیشتر محسوس نماید .

لیکن همان مقدار کمکی که با دولت ایران بعمل آمد قابل تقدیر ودر موفقیت دولت تاثیر کامل داشته ـ مخصوصاً مساعدت مالی در تامین ارزاق واقتدار دولت برتادیه منظم مصارف جاریه مملکت برای استقرار وبقای نظم بموقع ونافع واقع گردید .

بدیهی است دراین‌مدت معاندین من و جاهلین و ارباب اغراض از آنچه توانستند برای اینکه اینجانب را خسته و مأیوس و به کناره ـ گیری مجبور نمایند خودداری نکرده علاوه باانواع تشبثات جاهلانه مکرر سعی کردند خاطر مهر مظاهر ملوکانه را از این بنده مکدر نمایند . ولی هیچوقت ذات اقدس شاهانه از القائات آنان متأثر نگردیده و همواره علاقه خاطر همایونی بحفظ مصالح مملکت پشتیبان قوی و نگاهبان مؤثر اینجانب بود. درطی این عقبات و در عین اینکه برای نکاهداری‌وبهبودی اوضاع‌موقتی‌صرف مساعی مینمودم البته ازاین‌نکته غفلت نداشتم که‌این‌بهبودی موقتی‌دارای جنبه‌دوام‌وثبات نیست؛ واتخاذ تدابیر اساسی برای تامین زندگانی دائمی وترقی‌وتکامل‌مملکت ازنقطه

نظر اقتصادی واجتماعی مرحله ثانوی ومهمتر وظیفه اینجانب است و مادام که دراین طریق فکروتدبیری نشده‌است زحمات ومشقات بی نتیجه و مخاطرات حتمی الوقوع است زیرا همه روزه تجربه جدیدی عقیده راسخه مرا تائید میکرد که نجات مملکت بدون انتظام واصلاح ادارات میسر نیست وانتظام ادارات بدون توسل بمعلومات فنی مستشارهاومعلمین خارجی صورت نمیگیرد ،

وبالاخره تاسیس واصلاح ادارات ایران که علی الظاهر مدعی مشابهت باادارات اروپائی هستند . ولی از حقایق تنظیمات اروپائی بکلی بی بهره میباشند ـ بدون توسل بمعلومات متخصصین وارباب فن خارجی غیر ممکن است

سعی وتلاش اداره کنندگان ایرانی که بواسطه نقص تجربه و تعلیمات ونبودن وضعیت ثابت تاکنون دراجرای اصلاحات عقیم مانده ـ ودر مقابل برچیدن‌اوضاع قدیم بایجاد هیچ‌وضع جدیدی که قابل دوام وبقاباشد موفق نشده وعدم‌نظامات خودرا ثابت‌واین حقیقت را روشن‌تر نموده‌است که مادام که معلمین کارآزموده‌شالوده‌محکمی برای اصلاحات طرح نکرده و اساس متینی ایجاد ننموده اند که عناصر مستعد ایرانی را در مکتب عمل و اداره با تمرین متینی که لابد منه آموختن فنون وتجارب اداری است ، بر این خدمات مملکت حاضر نمایند ـ تشکیل ادارات ودوایر شعب وهیئت ها و کمسیونها و غیره جز افزودن خرج وتشویق هرج ومرج حاصل ونتیجهٔ نخواهد داشت .

ثانیا بالبداهه معلوم ومسلم بود که مساعدت مالی که با دولت ایران میشد واثرات موقتی خودرا می بخشید بامضرتی که داشت صرف

نظر از آن ممکن نبود مانند مخدرات که در تسکین درد مؤثر - ولی در رفع مرض نمیتوانست دوای دائمی مملکت و موجب شفای قطعی باشد - تغییر زندگانی اساسی و دائمی مملکت و ترك زندگانی روزمره بی اساس که هر روز بصورتی ودر تحت تاثیر حادثه جدیدی لزوم غیر قابل انکار خودرا اثبات نموده و اوضاع مالیهٔ مملکت بیش از آنچه بشرح درآید اسف انگیز بود.

مالیاتهای دولت بواسطه کشمکشها وبی نظمیهای داخلی و نتایج جنك بین الملل وقحطی و امراض و عوامل مهلکه دیگر بدرجه صفر رسیده بود.

عایدات گمرکی بواسطه عدم امکان مبادلات تجارتی ازمیان رفته ومهمات برای تنظیمات و تجدید قوای تامینیه غیر مقدور بود و برای شروع بهر اصلاح واستفاده ازهر وضع وعلاج هر خطری مراجعه بسرمایه خارجی وسیله وشرط منحصر بنظر می آمد.

تبدیل سیاست دنیا درنتیجهٔ جنك بین المال وطرح خطوط ونقوش اصلیه درنقشه جغرافیای عالم مخصوصاً پس ازانقلاب وتشنج عظیم روسیه وسعی وتلاش هریك ازقطعات مجاور مملکت برای تقویت و نیرومندی خویش واتصال آنها بدول قویتر ونیرومندتر - درهر لحظه درس جدیدی وتنبیه تازهٔ بود که: باید درتقویت مملکت کوشید ومزاج مملکت را برای مقابله باوضعیات ومشکلات محتمل الوقوع آتیه حاضر ومهیا کرد.

بالجمله بطوریکه درفوق ذکر شد احتیاج مملکت ازحیث توسل بکمکهای فنی ومالی خارجه محل شبهه وتردید نبود.

سخن دراینجا بود که این کمك‌های فنی ومالی ضروری از کدام منبع خارجی تحصیل بشود که شرایط اصلی ممکن بودن را دارا بوده -

موافقت آن با استقلال مملکت مشکوك نباشد .

در این باب عقاید مخصوصاً از نقطه نظر احساسات متفاوت بود و طرق مختلفی برای مشی سیاسی دولت ترسیم میشد - ولی بواسطه دور بودن از محیط حقیقی سیاست وعجز از تمیز وضعیات با ملاحظه در اظهار عقیده جنبه اجرا وقابلیت عمل در آنها کمتر رعایت میگردید .

هیئت دولت که مسئول مقدرات مملکت بود مجبور بود نظر خود را بحقایق وواقعیات محدود کرده از احساسات واوهام تحقق ناپذیر دوری جسته متعاقب تجربیات دهساله و تشبث بتمام وسائل متصوره بالاخره عقیم ماندن نقشه های اساسی ونتایج وخیمی که از آن حاصل گردید غیر از خرد ودانش هادی دیگری برای خود نپذیرد

در نتیجهٔ این افکار هیئت دولت مطالعات زیادی در اطراف قضیه نمود وتمام طرق را درتحت نظر وتفکر درآورد .

درنتیجهٔ معتقد باین عقیده شده که مراجعه و توسل بمتخصصین ازملل مختلفه برای مصالح دولت ومملکت عملی نبود .

زیرا علاوه براحتمال رقابتهای ملی ونژادی مابین آنان که برای پیشرفت اصلاحات مضر ونتایج سوءآن متوجه ما میگردید .

هیچیك ازملل را درتمهید وسایل سعادت مملکت طوری ذیعلاقه وذینفع نمیکرد که مساعدتهای مهمی برای ترقیات فوری وسریع نموده مملکت را ازحالت بدبختی وفلاکت امروزه بطرز مؤثری رهائی بخشد

علاوه براینکه رقابتهای دول امر امکان وقوع آنرا مشکل مینمود برفرض وقوع - پس ازمدتی تجربه وعمل - باتحمل مضار وآفات مسامحه تاخیر مسئله توحید سبك و اسلوب اصلاحات بمراجعه بمبدء واحد فنی را مخصوصاً درباره ادارات مهمه الزام میکرد .

با توجه بنکات فوق و تحت نظر آوردن حقایق وضعیات داخلی وخارجی ومراجعه بدولت دیگر غیر ازانکلستان علاوه برآنکه باسوابق مساعدت و اطمینان قطعی که درضمن مذاکرات‌ازنظرمساعدت آندولت بحسن استقبال وآتیه ایران حاصل گردید . اقتضا نداشت شرط امکان و عملی بودن‌را نیز فاقد بود

بنا برملاحظات فوق هیئت دولت درضمن ایفای وظایف روزانه و استقرار نظم و تهیه موجبات آسایش حال اهالی از نقطه نظر تعیین خط مشی سیاسی دولت و روشن کردن این تکلیف ازمذاکره با دولت انکلستان در تامین آتیه مملکت خود داری ننمود . چندی از متارکه جنك نـگذشته بود که در این مسائل بطور کلی بااولیای دولت معظم لها مذاکرات بمیان آمد؛ ودراین مذاکرات تمام شرایط اصلاح مملکت رعایت و درنتیجه تبادل نظریات و اقدامات که چندین ماه طول کشید قرار داد هائی با موافقت طرفین مقرر گردید .

البته برای تصمیم در عقد این قرارداد وخاتمه دوره بی تکلیفی علل و موجبات دیگری نیز موجود بود که اظهار واعلام آن فعلا نیز خالی ازاقتضا است‌وارباب فراست بامختصر تامل وتوجهی بوضعیات بین الملل میتوانند آن حقایق را دریافته و تصمیمات دولت را تقدیر نمایند قسمتی ازاین‌حقایق مربوط‌بسیاست گذشته ایران‌درمدت‌امتدادجنك بود که سعی و کوشش نمایندگان دولت‌را در کنفرانس صلح دچار موانع و اشکالات کرد وبالاخره باتمام مشکلات وملاحظات فوق موفقیت در انجام این قرارداد ها حاصل گردید .

بطوریکه ملاحظه میشود درآنها دولت تامینات کافیه برای حفظ

حیثیات واستقلال و تمامیت ایران تحصیل نموده واستفاده ازمعلومات فنی متخصصین انگلیسی را با کمکهای مادی ومالی دیگر ازقبیل اسلحه و مهمات بدون اینکه تکالیف دیگری قبول بنماید بدست آورد .

تغییر عهدنامه وتجدید نظر درتعرفه گمرکی برای اینکه عایدات درآتیه کفایت مصارف اصلاحات را نیز بنماید مسلم گردید - علاوه براینها بموجب مراسله وتعهدات رسمی جداگانه و تحصیل مساعدت دولت انگلستان برای موافقت با تقاضاهای مشروع مملکت در کنفرانس صلح موفق گردیده است .

موفقیت دولت راجع بعضویت ایران درمجمع اتفاق ملل که علیحده محرز ومسلم است نیز یك وثیقه بین المللی مهمی برای استقلال وتمامیت ایران از نقطه نظرسیاست خارجی موجب اطمینان تام میباشند .

درضمن ازذکر این نکته هم نباید خودداری نمایم که این قرارداد ها بالذات هر شرط و تعهد مضری را فاقد و اصول و موجبات مسلمه سعادت و استقلال مملکت را داراست . لیکن بدیهی است شرط استفاده مملکت از آن بوسیله حسن استعمال و اجرای آن بدست اشخاص بصیر بوضعیات و مصالح مملکت است زیرا بهترین قراردادها و عهد نامها اگر مورد سوء استعمال شود و دست های آلوده یا نالایق مامور اجرای آن گردند مضاری را در برداشته و فاقد منافع خواهد گردید و در چنین صورتی نقص و کمال قرار داد یاضرر و نفع آن بالسویه خواهد بود و مملکتی که اشخاص واقف بمصالح وقت وقادر براجرای وظایف را فاقد باشد یانخواهد بشناسد ازهیچ قراردادی استفاده نخواهد کرد و بطریق اولی فقدان قرارداد و دوام بلاتکلیفی و

درماندگی هیچوقت از زوال وفنای آن جلوگیری نخواهد نمود .
اینجانب همانطوری که تطبیق وضعیات حالیه را باسال گذشته ومقایسه عملیات دوازده ماهه موقتی خودرا بمحاکمه وانصاف افکارعامه واگذار نمودم - در موضوع این موفقیت اساسی نیز وجدان پاك اشخاصی را که بسعادت حقیقی مملکت علاقه‌مند هستند وازاغراض جاهلانه وحسیات عوام فریبانه دورند . وحکم وتصدیق آنها از روی عقل سلیم و منظور داشتن حقایق است - حاکم قدر شناس و حقگذار قضیه قرار داده - امید واوم نتایج حسنه این موفقیت منظور نظر حقشناس عموم اهالی مملکت بوده بهترین مزدخدمات وفداکاریهای اینجانب که ظهور سعادت وآبادی حقیقی مملکت است هرچه زودتر مشهود گردد (وثوق الدوله)

قرارداد بین دولت انگلستان و دولت ایران

نظر بروابط محکمه دوستی و مودت که از سابق بین دولتین ایران وانگلستان موجود بوده است - ونظر باعتقاد کامل باینکه مسلماً منافع مشترکه واساسی هردودولت درآتیه تحکیم و تثبیت این روابط را برای طرفین الزام مینماید -

و نظر بلزوم تهیه وسایل ترقی و سعادت ایران بحد اعلی - بین دولت ایران از یك طرف و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان بنمایندگی ازدولت خود از طرف دیگر مواد ذیل مقرر میگردد:

۱ - دولت انگلستان با قطعیت هرچه تمامتر تعهداتی را که مکرر در سابق برای احترام استقلال مطلق و تمامیت ایران نموده است تکرار مینماید ،

۲ - دولت انگلستان خدمات هرعده مستشار متخصص را که برای

لزوم استخدام آنها در ادارات مختلفه بین دولتین توافق حاصل گردد ـ بخرج دولت ایران تهیه خواهد کرد .

این مستشار ها با کنترات اجیر ـ و بآنها اختیارات متناسبه داده خواهد شد ، کیفیت این اختیارات بسته بتوافق بین دولت ایران و مستشار ها خواهد بود .

۳ ـ دولت انگلیس بخرج دولت ایران صاحبمنصبان و ذخایر و مهمات سیستم جدیدرا برای تشکیل قوه متحدالشکل که دولت ایران ایجاد آنرا برای حفظ نظم در داخله و سرحدات در نظر دارد تهیه خواهد کرد ـ عده و مقدار ضرورت صاحبمنصبان و ذخایر و مهمات مزبور بتوسط کمسیونی که از متخصصین انگلیسی و ایرانی ، تشکیل خواهدشد واحتیاجات دولت‌را برای تشکیل قوه‌مزبور تشخیص خواهند داد ـ معین خواهد شد ،

٤ ـ برای تهیه وسایل نقدی لازمه بجهة اصلاحات مذکور در ماده (۲) و (۳) این قرارداد دولت انگلستان حاضر است که یك‌قرض کافی برای دولت ایران تهیه و یا ترتیب انجام آنرا بدهد .

تضمیناً این قرض باتفاق نظر دولتین از عایدات گمرکات یا عایدات دیگری که در اختیار دولت ایران باشد تأمین میشود .

تامدتی که مذاکرات استقراض مذکور خاتمه نیافته دولت انگلستان بمنظورمساعده وجوهات لازمه که برای اصلاحات مذکوره لازم‌است ، خواهد رسانید .

٥ ـ دولت انگلستان باتصدیق کامل احتیاجات فوری دولت ایران بترقی وسایل حمل و نقل که موجب تأمین وتوسعه تجارت وجلوگیری

ز قحطی در مملکت میباشد حاضر است که بادولت ایران موافقت نموده قدامات مشترکه ایران وانگلیس را راجع بتأسیس خطوط آهن و یا اقسام دیگر وسایل نقلیه تشویق نماید .

در این باب باید قبلا مراجعه بمتخصصین شده و توافق بین دولتین در طرحهائی که مهمتر و سهلتر و مفیدتر باشد حاصل شود.

۶ - دولتین توافق مینمایند درباب تعیین متخصصین طرفین برای تشکیل کمیتهٔ که تعرفه گمرکی را مراجعه وتجدید نظر نموده و بامنافع مملکتین وتمهید و توسعه وسایل ترقی آن تطبیق نمایند .

سواد مراسله ضمیمه قرارداد :

«جناب مستطاب اجل اشرف افخم، امیدوارم که حضرت اشرف دردوره زمامداری باموفقیت خودتان در امور مملکت ایران یقین کرده اید که دولت اعلیحضرت بادشاه انگلستان همیشه سعی نموده است که آنچه در قوه دارد کابینه حضرت اشرف را برای اینکه از یکطرف اعاده نظم و امنیت را در داخله مملکت تکمیل و از طرف دیگر روابط صمیمانه بین دولتین ایران و انگلستان محفوظ باشد تقویت نماید .

برای ابراز جدید این احساسات که همواره مکنون خاطر کابینه لندن بوده است. من حالا ماذون هستم که بحضرت اشرف اطلاع بدهم که در موقع امضای قراردادی که مربوط بر فورمها ایست که کابینه حضرت اشرف اجرای آنرا درنظر گرفته اند. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حاضر خواهند بود با دولت علیه ایران برای اجرای تقاضا های ذیل موافقت نمایند :-

۱ ـ تجدید نظر در معاهدات حاضره بین دولتین

۲ـ جبران خسارات مادی وارده برمملکت ایران بواسطه دول متخاصم دیگر .

۳ ـ اصلاحات خطوط سرحدی ایران در نقاطیکه طرفین آنرا عادلانه تصور نمایند .

انتحاب ترتیب قطعی و زمان ووسایل مقتضیه تعقیب مقاصد فوق در اولین موقع امکان موضوع مذاکره بین دولتین خواهد گردید .

این موقع را برای اینکه احترامات فائقه خودرا بحضرت اشرف تقدیم نمایم مغتنم میشمارم . (ب ، ز . کاکس)

***

انتشار مواد قرارداد انگلیس و ایران باشدت اختلال روسیه و تمرکز افکار ضد استعمار بریطانی در حدود شمال ایران در داخل و خارج مملکت سوء اثر بخشیده ! از هرطرف غوغای مخالفت برپا و از هرسمت لوای هیاهو برافراشته شد !

مجاهدین گیلان و دسته میرزا کوچك خان که مدتی بود جنگل را مأمن خویش قرارداده و گاهگاهی دستبردی بقوای روسیه متوقف درآن حدود میزد ـ از هیجان عامه استفاده و پایتخت را مورد تهدید و تخویف قرار داد .

ملیون آذربایجان درتحت قیادت مرحوم شیخ محمد خیابانی در تبریز جنبش نموده و برای فلج کردن سیاست مرکزی بدسته بندی پرداخته بودند.

حرارت و ضدیت افراد ملیون مرکزی که مستقیم و غیرمستقیم کارشکنی میکردند ـ نیز ممد موضوع گردیده و راه اجرای عملی شدن قرارداد مذکوررا مسدود و اصولا جریان قرارداد به بوته اجمال گذارده شد .

مخالفین کابینه نیز این مسئله را دست آویز نموده وبرای تکمیل هیجان افراد حساس جمعی ازمردمان متفرقه را در مسجدشیخ عبدالحسین واقع دربازارپاچنار طهران بهتهیه بساطروضه خوانی سیاسی وادار بر علیه کابینه تبلیغات شدیده میکردند،

آقای وثوق الدوله رئیس الوزراء نیز از نظر مرعوب کردن افکار عامه - نسبت بجماعت مسجد سیاست خشن و سختگیری در پیش گرفته و امر کرد عنفا شبانه چادرروضه را سرنگون و عدهٔ از سران مخالف کابینه را بکاشان و قزوین تبعید کردند.

آقایان مستشارالدوله - ممتازالدوله - محتشم السلطنه بکاشان اعزام وآقایان میرزاحسین خان عدل الملك دادگر ومرحوم میرزاحسین خان صبا - مدیر روزنامه ستاره ایران ومیرزاتقی خان بینش و جمعی دیگررا بقزوین گسیل داشتند.

برخی را نیز در پایتخت امر بتوقیف داده و حبس کردند باوجود تمام اینگونه تخویفات و جاب دستجات زیادی از عناصر گوناگون - معهذا جنبش و نهضت مسالمت‌آمیز و معتدلانه مخالفین قرارداد تکان سختی بموقعیت داد وبواسطه علل سابق الذکر استقامت کابینه قرداد درهم شکسته و از مقام خود ساقط و کابینه آقای میرزاحسن خان مشیرالدوله زمام امور را بر کف گرفته بکار پرداخت وتایك اندازه بآن دوره پرشوروشور خاتمه داده شد.

فصل یازدهم

روزنامه نگاری در ایران

از قراریکه در تاریخ تمدن ضبط کرده اند تقریبا در هزار سال پیش در پکن پایتخت کشورآسمانی چین که تاریخ وقایع چندین هزار سال خودرا بخوبی ضبط وربط کرده‌اند روزنامه دولتی انتشار می یافته ولی بطوریکه تاریخ جدید نشان میدهد .

در ایران در دوره داریوش هخامنشی همانطور که برای سهولت امر مدنیت و اجرای نفوذ مرکزیت در اطراف واکناف مملکت را بایالاتی چند تقسیم نموده وهرولایتی را به(ساتراپی) سپرده بودند . وجهة توزیع و تقسیم فرامین دولتی و مراسلات تجارتی و عمومی ایجاد پستخانه کرده و در بلندیهای طول جاده مکانهائی برای نشاندادن راهها ومخابرات فوری بوسیله برافروختن آتش ونمایاندن شعله مهیا میساختند همینطور در تمام مراکز ساتراپ نشین وقایع نگارانی ازطرف شاهنشاه متوقف وموظف بودند کلیه وقایع وحوادث مهمه‌را یادداشت و بوسائل ممکنه بعرض ملوکانه برسانند باوجوداعتراف واذعان باینکه نژاداغلب اقوام فرنگ آرین (هند و اروپائی است) و شرق مرکز تمدن قدیمه عالم بوده معهذا تعصب دانشمندان مغرب زمین چنین اقتضاء میکند که اختراع و کشف کلیه اصول تمدن را بجامعه مغرب اختصاص داده و شرق را از حیث رتبه مدنیت چه قدیماً و چه جدیداً در درجه دوم قلمداد کنند

باحفریات و اکتشافات تاریخی که درسنوات اخیره بعمل آمده بتدریج حقایق مدنیت شرق طالع و صفحات جدیدی در کتب تاریخ معاصر تدوین شده وخواهد شد. خلاصه بطوریکه درداٸرة المعارف قرن نوزدهم (انسیکلوبدی) فرانسه مینویسند.

رومیها از دیر زمانی بامر روزنامه معرفت داشته اند (اما نگفته اند که این معرفت از کجا برای آنان پیدا شده است) در بدو امر این مسئله خیلی محدود و مخصوص اعیان بود که درغیبت خودشان غلام های خودرا مجبور میکردند وقایع روزمره را برای آنان بنویسند.

بعدها درفرنگستان اهمیت روزنامه نگاری برخورده و ابتدائی ترین روزنامه که مورخ بین وقایع نگاری خصوصی و بحث در گذارشات عمومی بود در سنه ۱۵۷۷ میلادی مطابق ۱۰۶۰ هجری در فرانسه منتشر گردید. مرآت البلدان اندر حقیقت ظهور وقوت نفوذ روزنامه را باید از سال ۱۷۸۹ تاریخ انقلاب کبیر فرانسه دانست ـ جرایدی که درموقع انقلاب فرانسه بعرصه بروزوظهور گذاردند ـ عبارت بودند ازروزنامه پاریس (اوژورنال دوپاری) روزنامه انقلاب پاریس (رولوسیون دوپاری) (لاگازت) و چند روزنامه دیگر.

در (لاروس) راجع بروزنامه مینگارند قبل از قرن هفدهم در هلاند وآلمان و بعضی ممالك دیگر نیز بتناوب جرایدی انتشار یافته و پس از چندی افول نموده اند.

***

اساساً تاریخ روزنامه با کشمکشهای دستجاتی و اختلافات حزبی توأم بوده و غالباً اولیاء مطبوعات گرفتار شدت و سختیها شده و گاهی

نیز بر شداید غلبه جسته ومنویات خودرا بروفق دلخواه بموقع اجرا گذارده اند .

در ایران ما هم مطبوعات بتناسب عده محدود خود از جزر و مد بی نصیب نمانده و هم تلفات داده و هم مقامات بلندی را در جامعه اشغال کرده اند .

باآنکه از بدو پیدایش تمدن جدید و ظهور روزنامه بیش از نیم قرن نگذشته وتقریبا شاید زیاده از یکصد جریده یعنی روزنامه که اقلا یکسال بعمر خود مداومت داده باشد یا بمعرض افکار و مطالعه جماعت نگذارده - معهذا اولیاء مطبوعات از زمامداری یا بالعکس فداکاری بی بهره نمانده و در طریق نهضت ایران جدید صف مقدم را احراز کرده اند .

چنانکه اشخاصی مانند میرزا جهانگیر خان شیرازی مدیر و محرر روزنامه انقلابی صوراسرافیل و مدیر جریده (روح القدس) و متین السلطنه صاحب امتیاز و ناشر نامه(عصر جدید) و رکن الاسلام مدیر روزنامه (کوکب ایران) شربت ناگوار مرگ اجباری را چشیده و کسانی همچون مجد الاسلام کرمانی مدیر جریده (ندای وطن) و میرزا حسین خان صبا مؤسس (ستاره ایران) و امثالهم بحبس و تبعید گرفتار و در راه آمال خویش مبتلا بانواع مشقات شده اند .

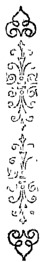
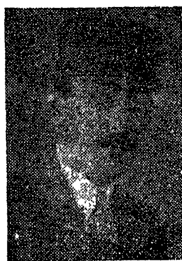
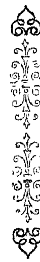
همچنین رجالی نامدار بذروه ارتقاء رسیده و خدماتی به نهضت ایران انجام داده اند .

آقایان میرزا علی اکبر خان داور مدیر روزنامه (مرد آزاد) سید حسن تقی زاده نویسنده نامه (کاوه) سیدضیاء الدین مدیر روزنامه



(٣٤) آقای سید ضیاء الدین طباطبائی مدیر روزنامه رعد

(رعد) آقای سید محمد تدین مدیر جریده (صدای طهران (میرزا علیخان دشتی صاحب امتیاز و نویسنده روزنامه (شفق سرخ) میرزا زین العابدین خان رهنما مدیر روزنامه (ایران) و غیر هم هر یك مقامات مهمی مانند ریاست وزراء ، ریاست مجلس وزارت مالیه و عدلیه و نمایندگی دارالشورای ملی را اشغال نموده اند .

آقای میرزا علی اکبر خان داور
(مدیر روزنامه مرد آزاد)

بالجمله روزنامه نگاری یکی از شاهکارهای اصول تمدن جدید است - که میتوان آنرا قوه چهارم تمدن عالم خواند .

روزنامه خوب و متین که زائیده افکار عمومی باشد برای عالم بمنزله آئینه تمام نما و زبان گویای جامعه بوده و کانون شورای حقیقی معارف و ناشر علم وهنر بین اقوام متمدن بشری محسوب میگردد . که درعالم تمدن کنونی جای هر قسم اسلحه تعرضی و تدافعی را اشغال نموده و جنگهای سیاسی رجال نامدارعالم بوسیله این حربه برنده صورت میگیرد

***

روزنامه کاوه منطبعه برلن در ضمن مقاله تحت عنوان (روزنامه نگاری) نوشته است « کلمه روزنامه و روزنامچه از قرون اولیه اسلام در ایران مستعمل بوده و در کتب قدیم بنظر می آید .

چنانکه در کتاب (یتیمة الدهر) ثعالبی چندین جا «کلمه روزنامه و روزنامچه را آورده - من جمله شرحی از کتاب روزنامچه صاحب ابن عباد نقل میکند - خلاصه آنکه روزنامه در آن اوقات بمعنی شرح گذارش روزانه و یادداشت وقایع همه روزه بوده - ضمناً مینگارد - اولین روزنامه بزبان فارسی بترتیب امروزی روزنامه هفتگی (اخبار) در سنه ۱۲۱۲ هجری قمری در دهلی منتشر میشد)

آنچه در تفحص بنظر نگارنده رسیده است اولین روز نامه عمومی موسوم بروزنامه (وقایع اتفاقیه) در تاریخ ربیع الثانی ۱۲٦۷ هجری منتشر و این روزنامه بحکم و تشویق میرزا تقی خان امیر کبیر و مسئولیت حاج میرزا جبار انتشار یافته و در سنوات بعد روزنامه دیگری اخباری و مصور با چاپ سنگی بنام (دولت علیه ایران) بمدیریت ابو الحسن خان غفاری منتشر شده است .

بعدها کم کم دایره مطبوعات وسعت یافته ودرزمان وزارت علوم علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه چندین روزنامه دایر ودرموقع تصدی محمد حسن خان اعتماد السلطنه روزنامه (ایران) بااسلوب محکمتر وجدی تر از آن منتشر و در همان اوان روزنامه علمی تربیت بریاست مرحوم فروغی درطهران منتشر ودرتبریز مقرولایت عهد و اصفهان حکومت نشین ظل السلطان نیز روزنامه هائی طلوع و افول کرده اند .

چنانکه ملاحظه شد ظهور و بروز روزنامه عمومی از اوایل سلطنت ناصرالدین شاه شروع و در آواخر دوره ناصری وبدوسلطنت مظفری بر قدرت و نفوذ مطبوعات فارسی افزوده شد و واسطه نقل و انتقال مدنیت جدیده شده اند - در همان نیم قرن اواخر ناصری

بود که خفته گی و خرابی و ضعف شرق عموماً وایران خصوصاً باعث قیام عناصر حساس شرقی گردیدوسید جمال‌الدین اسدآبادی(معروف بافغانی) نهضت و بیداری شرق را در تاو (اتحادملل اسلامی) تشخیص داده و برای تهییج طوایف مسلمانان-نامه شریفه (عروة‌الوثقی) را در زمینه دعوت باتحاد اسلام منتشر و بمعرض افکار مطالعه کنندگان گذارده وهمچنین روزنامه (اختر) که دراسلامبول چاپ میشد خدمت مهمی به‌بیداری ایرانیان انجام داد .

پرنس ملکم خان نیز از نظر ترویج قوانین مدنی جدیده‌درنامه (قانون) معایب و اصلاح دستگاه اداری را وجههٔ نظر قرارداده و مقالات پر معنی جالب توجهی انتشار داده اند .

مؤید الاسلام نیز برای ایجاد نهضت فیمابین هموطنان ایرانی خود نامه پایدار (حبل‌المتین) را براه انداختند

روزنامه های حکمت و (چهره نما) و(شمس و باختر) قد بر افراشته و دنباله تنویر افکار فارسی زبانان را توسعه بخشیده اند .

این دسته ازجرایداخیرالذکر درممالك فرانسه عثمانی وهندومصر انتشاریافته وازراه دورشعشعانیت خودرادرآن‌اوقات برروی محیط‌ایران خواب آلوده گسترده و خدماتی مهم بترقی ایران جدید کرده‌اند .

***

تبلیغات هادیان و فداکاران قوم در راه اخذ تمدن جدید اثرخود را بخشیده وهمانطور که اعلان مشروطیت باعث وموجب پرورش وظهور قوه ترقی‌طلبی افراد ملت گردیده وسبب بهاراجتماعات و تعدد انجمن و حزب و فرقه سیاسی شد همینطور دایره انتشارات جراید و مجلات توسعه یافته وکاملا ازعهده ایفای وظایف تعالی وتکامل جوئی وبیداری هموطنان خود برآمده اند .

در زمینه اوضاع و مسلك جرایـد دوره اول دارالشورای ملی

راپورت رسمی انـگلیسی در جلد اول کتاب آبی چنین مینویسد (در وقت تأسیس مجلس و تجدد اوضاع دو روزنامه جدید درطهران ایجاد شده، یکی موسوم بروزنامه (مجلس) که مذاکرات مجلس شورای ملی را درج نموده و گـاهی اوقات نیز مکتوبات و بعضی اخبار دیگری را مینویسد.

و یکی دیگر موسوم به (ندای وطن) که مدیر آنرا عین الدوله درموقع صدارت خویش بتقصیر پلتیکی در کلات نادری محبوس ساخت واین روزنامه مسلکش زبان ملی است.

در اصفهان دو روزنامه جدید بطبع میرسد و مخصوصاً بر ضد خارجه سخن میرانند، وهمچنین در تبریز یك روزنامه دایر گردیده(۱) روزنامه مظفری که در بوشهر بطبع میرسد ومدتی توقیف شده بوددر این وقت از توقیف بیرون آمده ودایـر است،

از جمله جرایدی که در طهران شیوع دارد روزنامه (حبل المتین است) که در کلکته بطبع میرسد. این روزنامه از زبان ملت سخن می گوید. و گـاهی از اوقات بر ضد خارجه مخصوصاً همیشه بـر عـلیه انـگلیس گفتگو میکنند: دریکی از نمرات اخیره که بطهران رسیده است مقالهٔ در تمجید حرکات تجدد طلبان در کمال اغراق مندرج بوده و درآن مقاله محرکین تأسیس بانك ملی را نجات دهنده ایران بیان نموده و چنین عنوان مینماید که:

«ایران بحالت جلالت وعظمت قدیمه خود عودت نموده است»

(۱) گویامقصود روزنامه «شفق» باشد که بنگارش ومدیریت آقای دکتر رضازاده شفق انتشار می‌یافت ودرنتیجه کودتای روسها ازبین رفت.

***

بعد از اعلام فرمان مشروطیت و دایر شدن دارالشورای ملی روزنامهای زیادی بظهور آمدند ؛ و پس از بمباردمان مجلس از بین رفتند مانند روزنامهای مجلس ندای وطن ، صور اسرافیل ، مساوات، تمدن ، روح‌القدس، شرافت ، آئینه غیب‌نما بمدیریت ملك المورخین، پرورش ، اقیانوس ، اصناف ، ارشاد ، و غیره .

دراستبداد صغیر که روح ارتجاع طلبی وخودسری درباریان باغشاه فوق‌العاده قوت داشت . نه‌تنهاازانتشار وطبع‌مطبوعات عمومی‌واجتماعات ملی که‌زائیده‌مشروطیت‌بودجلوگیری‌وممانعت‌شد-بلکه کاشیهای تازه‌کار جهة نمره بندی کوچه ها وخانها ودکاکین را افراد سرباز سیلاخوری و سواران قراچه‌داغی ولوطیهای محلات‌طهران بعنوان‌یادگارمشروطه و مخالف شریعت «ما دین نبی خواهیم ـ مشروطه نمیخواهیم» گویان خورد نموده وشکستند . آثاری که از جراید ملی باقی‌مانده بود از بین برده اوراق بی سر وتهی بود که در تحت نقاب حمایت از دین منتشر شده وشرایع راوارونه تعبیر میکردند .

***

در دوره دوم مجلس شورای ملی مجدداً بازار مطبوعات ملی با رونق شد و نشریات عمومی صورت بهتری بخود گرفت .

جراید طریق تکامل در پیش گرفته و هریك باسبك مخصوص‌وبامسلك خاصی شروع بانتشار نمودند .

چنانکه دموکراتها روزنامه (ایران نو) را تأسیس و جمعیت اعتدالیون‌جریده‌(شوری)وحزب‌(اتفاق وترقی شرق)نامه میانه‌رو(استقلال

ران) را بمعرض انتشار گذاردند . بعد از انحلال دوره دوم مجلس
کودتای معتدل ناصرالملك نیز بازار مطبوعات ازرونق افتاد وچندی
، محاق توقف بود .

بعد از افتتاح دوره‌سوم دارالشورای ملی مطبوعات نیز ازحالت
نمود گی خارج و جراید نوی همچون (بامدادروشن) جارچی ملت
غیره بر تعداد جراید افزود .

پس از انحلال دوره سوم تا افتتاح دوره چهارم مجلس فترتی
ولانی روی داد و دراین فترت که قریب ده سال‌طول کشید وقایع
حوادث عمده دروطن ماجریان داشته ولی بالنتیجه عاقبت بخیر گردید
بالمآل مطبوعات نضج گرفته و تحولاتی که حاکی از رشد
جتماعی میباشد در طرز توزیع و انتشار و ظواهر جراید و مجلات
ورت‌پذیر شد .

بایك نظر به‌تحولات این‌دوره یعنی ازسنه۱۳۳۰الی ۱۳٤۰هجری
مری که‌دوره بلوغ شمرده میشودملاحظه‌میگردد که مطبوعات عمومی
ز طرفی بسوی‌تکامل رهسپارشده وازجهتی درنگارشات جراید جنبه
لیت‌ومصالح‌عمومی‌ضعیف گردیده‌وغالباًمنافع فردی مورد توجه‌بوده‌است
با وجود نظریه فوق خوشبختانه در این ایام فترت بطوری که
نگارش رفت برعده مطابع افزوده و مطبوعات عامل ذی نفوذ در
سیاست عمومی شده و درغیاب مجلس شورای‌ملی خدمات لایقی بافکار
عمومی کرده اند .

بعض‌جراید ومجلات‌منتشره‌آن دوره‌عبارتست‌ازروزنامه‌های(ایران
(ستاره ایران) (عصر جدید) (رعد) (شرق) و(برق)(کوکب

یران) (نوبهار) (شفق‌سرخ) (ایران آزاد) (وطن) (عصر انقلاب)
(گلشن)(حلاج) (صدای طهران) (زبان‌آزاد) (صدای ایران) (میهن)
(بهارستان) (حیوة جاوید)(کار) (حقیقت) (مردآزاد) (قانون) (رهنما)
(شمس) و(بدر) و(جنت)و(توفیق)(نسیم‌شمال) گل‌زرد،وزنبور؛ وغیره .

در ولایات نیز جراید خوبی انتشار یافته : همچون راه نجات
و اخگر و عرفان در اصفهان ، بهار و مهر منیر و استقامت و چمن و
آزادی در مشهد ،

گلستان و عصر آزادی و استخر و تخت جمشید و بهارآزادی
در شیراز ،

پرورش وفکرجوان‌وندای گیلان‌وترغیب ومعیشت ملی دررشت .

تبریز و سهند عنکبوت و شاهین در تبریز ، بطوریکه سابقاً
اشارت رفت ـ فترت طولانی و بهم خوردگی اوضاع‌مسبب تغییرات
گوناگون در طرز خط مشی احزاب شده و دستهای نا پاکی برای
خراب کردن حیثیات فرق سیاسی کوشیدند ، از همین روی برای
بی‌اعتبار نمودن مطبوعات نوزاد ملی عناصر ذینفع دخالتهای مؤثری
نموده و باعث ظهور فساد در جامعه معارف وطن گردیدند . با وجود
اینگونه اعمال غرضهای مزورانه معهذا دامن مطبوعات ملی بطورکلی
ازلوث‌روش مخالف ملیت و استقلال کامل مملکت مبرا وبا همین رویه
بعمر متناوب‌مداومت داده و دنباله رشد خودرا وسعت داده و میدهند .

***

بعد ازانحلال کابینه نود روزه سید ضیاءالدین طباطبائی وتشکیل
هیئت وزراءمیرزااحمد خان قوام‌السلطنه علاوه‌بررفع توقیف ازجراید

گلشن ؛ حلاج ، ستاره ایران ، روزنامهای دیگری نیز رونق بخش بازار معارف شده‌اند. مانند جراید (ناهید) (کوشش) (اتحاد) (شهاب) (قرن بیستم) (پرتو) (سیاست) (طوفان) (آسیای‌وسطی) (اقدام) (فریاد) (سیاست‌اسلام) وغیره.

دنباله توسعه انتشارات جریان داشت تادوره چهارم‌مجلس‌شورای که آن دوره را نیز میتوان دوره بحران مطبوعات نامید.

برای آنکه چون عوامل مؤثرسیاسی داخلی‌وخارجی واشخاص‌متنفذ ذی‌غرض - پی به‌اهمیت نشریات عمومی درافکار عامه برده‌بودند هریك در صدد برآمدند قسمتی از جراید راآلت‌اغراض وخیالات خودقرار داده و استفاده بر وفق دل خواه بنمایند.

از این نظر مردمان گمنام را با تقویتهای مادی و معنوی داخل در صنف مطبوعات نموده آبرا برای نتیجه منظوره گل‌آلود و ضمناً تبلیغات شدیدی برای اطمه بحیثیات مطبوعات درانظارعمومی مینمودند.

چنانکه همان اشخاص که ذکر نامشان خارج از رویه این تاریخ است در اوراق منتشره بی هویت صفحاتی را از فحاشی سیاه نموده و انتشار میدادند و صبح روز انتشار همان نگارشات یاوه را که زادهٔ اغراض فحاشی بود برخ مردم از همه جا بیخبر کشیده و میگفتند (به بینید جراید فحاشی میکنند) مثلا شخصی راکه سابقه مشکوك‌داشت و برطبق قانون مطبوعات فاقد صلاحیت بود غیر مستقیم تقویت‌بخشود عناصر معلوم الحال با عناوین مختلفه بعنوان (اتحادیه‌جراید) بدیوار نصب و دیگران در زیر نقاب روزنامه مسلك فحاشی را ترویج میکردند وعمال فساد برای بی‌اثر گذاردن نشریات ملی باعث اینگو

رفتار زشت‌شده و بر خلاف قانون و نظامات سوء استفاده از معارف نموده و مرتکب این نوع حرکات نفرت‌آور میگردیدند .

بالجمله بطوریکه در باب احزاب و فرق اجتماعات سیاسی ملاحظه کردیم ـ که احزاب و فرق بدواً صرف از نظر مسلک و آزادی ایجاد شده بودند و کارکنان ارتجاع دخالت نموده و موجبات بی اعتباری انجمن ها را با دستهای ناپاك فراهم داشتند . راجع بمطبوعات هم باید گفت ـ روزنامهای ملی باجدیت وروح پاك برای خدمت بجامعه انتشار یافتند ولی عناصریکه از مطبوعات رنجیده بودند موجب هرج ومرج مطبوعات شده و این پریشانی که ریشه آن دربین دستجات نمایندگان دوره چهارم ـ روئیده بود* تا نهضت جمهوری و دوره سوم حکومت نظامی ادامه پیدا کرده بود

خلاصه با بر قرار شدن حکومت نظامی جراید سرکش در تحت سانسور قرار گرفته و سانسور مطبوعات نیز نافع واقع شد .

برای آنکه هویت جراید در تحت نظر گرفته شد و بالطبع عناصر مغرض ازمداخله در مطبوعات بر کنار واوراقیکه از نظر پیشرفت

* از بدو پیدایش مشروطیت تاحال نگارش این تاریخ درطهران و پایتخت سه مرتبه حکومت نظامی اعلام ومقررات آن با کمی اختلاف بموقع اجرا گذارده شده است .

مرتبه اول دردوره کابینه نجفقلی خان صمصام السلطنه بختیاری ۱۳۳۶ هجری قمری .

مرتبه دوم در کودتای ۱۲۹۹ شمسی ومرتبه سوم بواسطه قتل قونسول آمریکا وچراغانی وسقاخانه بازی سیاسی ازطرف مخالفین تجدد اوضاع در سنه ۱۳۰۴ شمسی)

اغراض اشخاص منتشر میشدند یکی بعد ازدیگری افول نموده و ازبین رفتند و در وضعیات مطبوعات تعادلی ایجاد شده علاوه بر جرایدیکه باقی ماندند روزنامهای دیگری نیز از افق معارف طالع شدند.

مانندجرايد (اطلاعات)(حصارعدل) (تجددایران)(آزادگان)(آینده ایران)(آئینه‌ایران)(اوقات) مساژه‌دوطهران (بزبان فرانسه) (ستاره‌جهان) وغیره‌وبرای تمرکز اخبار وتوزیع آن‌بین‌جرايد درسنهٔ ۱۳۳۱شمسی مؤسسهٔ موسوم به(مرکزاطلاعات)درتحت‌نظر میرزاعلی اکبرخان سلیمی دائر شده بود که سالها بمطبوعات ملی خدمت کرده اند

علاوه برمجلات ادبی بهار وارمغان ودانشکده در سنوات اخیره نیز مجلات رسمی و غیر رسمی و سالنامهای قابل توجهی نشر یافته که از هرحیث‌مورد دقت و شایان تشویق‌وتمجید بوده اند که برخی تعطیل واکثر در حال تکامل است (گاهنامه بمدیریت آقای سید جلال الدین طهرانی) (تقویم پارس) بمسئولیت آقای‌امیرجاهد سالنامه معارف بمدیریت آقای میرزا علی اصغر خان حکمت مجلات ملی (آینده) دکتر افشار (تقدم) آقایان فرامرزی و اخیراً (مهر) در تحت سر پرستی میرزا مجید خان موقر.

مجلات رسمی (تعلیم و تربیت) درتحت توجه آقای میرزا علی اصغر خان حکمت.

(بلدیه) بمدیریت میرزامهدیخان مافی.

(نظمیه) سرهنگ فضل‌الله خان بهرامی.

(عدلیه) علی خان‌صادقی مجلهٔ (قشون). (پست‌وتلگراف)(فلاحت) (گمرکات)(اطاق تجارت) (مذاکرات مشروح مجلس شورای ملی).

***

از بدو پیدایش روزنامه بمعنی امروزه مطبوعات ملی تا کنون سه دوره متمایز را بعقیده نگارنده طی و فعلا در حال رشد و تکامل قدم میزنند .

اول ـ دوره تحول و ترقی و بروز و ظهور آمال ملی در زمینه تجدد و آزادیخواهی و استقلال طلبی .

دوم ـ دورهٔ بحران و تصادم منافع فردی و اجتماعی .

سوم ـ دورهٔ رشد و بردباری؛ خلاصه در هرسه دورهٔ مطبوعات نوزاد فارسی با عدم تجربه و وسایل لازمه بخوبی ازعهده انجام‌وظایف رهنمائی جامعه برآمدهٔ و در عصر تحول وتطورمدنیت غربی وشرقی. پیش آهنگ قافله اتخاذ تمدن‌فنی وعلمی فرنگ ومظهر کامل‌احساسات و افکار طبقه منور مملکت بودهٔ اند .

***

در پایان فصل تاریخچه مختصر مطبوعات فارسی ایـران اسامی اشخاصیکه توانسته اند تاحال تحریر بخدمات خود در طریق روزنامه‌ـ نگاری‌ادامه دادهٔ واقلایك‌قرن کوچك (دهسال)ناشرروزنامه یومیه‌میباشند مینگاریم. تا ضبط دفترایام گشته وبعنوان یادگار باقی بماندشاید مورخین بعد را حاجت افتد ، انشاء الله در جلد دوم (ایران‌جدید) بطور تفصیل از عهدهٔ انجام وظیفه نسبت بعموم اهل قلم بقدرمقدور برایم باکسانیکه رشته خدمت هدایت قلمی را از کف رها نکردهٔ و تا حال نگارش بانجام وظیفه اشتغال دارند .

میرزا علیخان دشتی صاحب امتیاز و مؤسس روزنامه شفق سرخ

علاوه بر معلومات قدیمه از زبانهای عربی و فرانسه بهره‌ور و کتب نفیسی از حیث ترجمه و تألیف (ایام محبس - اعتماد بنفس - سر تقدم انگلیس) ازخود بیادگار گذارده وچندمرتبه بنمایندگی دارالشورای ملی بر گزیده شده اند.

میرزا زین العابدین خان رهنما صاحب و مدیر روزنامه ایران دارای اطلاعات لازمه وآشنا بزبان فرانسه و عربی عضو مجلس شورای ملی و در طریق تکامل و ترقی روزنامه ایران لیاقت و فطانت مخصوص نشان داده اند.

میرزا یدالله خان مایل تویسرکانی مدیر فعلی روزنامه شفق سرخ در خدمت بمطبوعات ملی شایق و در علوم اسلامی و فلسفه قدیم وجدید و در ادبیات عربی و فرانسه ماهر.

میرزا ابوالقاسم خان اعتصام زاده صاحب و مدیر روزنامه ستاره جهان از روابط بین المللی با اطلاع و در فنون ادبیات فرانسه استاد.

امیر رضوانی صاحب و مدیر جریده گلشن شاعر و ادیب وقریب بیست سال درعالم مطبوعاتملی بذل جهد کرده‌اند. سیدمحمد طباطبائی مدیرتجدد واجدمعلومات نویسندگی ومیرزا عباس‌خان مسعودی‌صاحب ومدیر روزنامه اطلاعات جوانی با اطلاع و عاشق اصلاحات و در اداره کردن روزنامه یومیه اطلاعات نهایت استعداد را نشان داده اند.

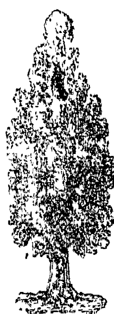
میرزا شکرالله خان صفوی صاحب و مدیر روزنامه کوشش در طریق عمل ساعی وزبان روسی را بخوبی میدانند.

***

از نظر اینکه نگارنده قریب هفده سال در خدمت بمطبوعات

های عمر بسر برده ام سزاوار چنان بود که بیش از اینها درزمینه و تاریخ مفصل مطبوعات فارسی را با نقل آثار و تراجم احوال کلیه نویسندگان‌وادبای مطبوعات سخن رانده عصر حاضر را برشته تحریر درآورم‌تاازعهده وظایف خود راجع به‌اساتید اهل‌قلم وآنانیکه درطریق معارف و مطبوعات ملی عالمانه و باخلوص نیت گام زده‌اند برآمده‌باشم ولی چون پایه نگارش تاریخ مختصر نهضت ایران برروی اختصار گذارده شد برای این‌سطور تدوین کتاب دیگری نیز در نظر است .

امیدوارم اساتید معظم عذر موجه نگارنده را پذیرفته و ازدعای خیر فراموشم نفرمایند ،



فصل دوازدهم

اوضاع قبل از کودتای ۱۲۹۹ هجری شمسی

بطوریکه سابقاً شرح و توضیح آن داده شد، کابینه میرزا حسن خان وثوق الدوله در اثر تیره گی وضعیات از کار کناره گرفته و میرزا حسن خان مشیر الدوله زمامدار امور گردیده و بعمل پرداخت!

بعد از انحلال هیئت وزراء قرارداد- اوضاع ازهمه جهة متشنج و راه چاره از هرطریق مسدود و مشکلات گوناگون پیاپی درحال بروز و ظهور بودند.

وضع طهران درآن اوقات آشفته و درهم و احساسات مایون- در نتیجه قرارداد ۱۹۱۹ در هیجان و افکار عمومی در بحران بود.

کار برهم خوردگی وضعیات پایتخت بجائی کشید که برخی از مؤسسات اقتصادی انگلیسی متوقف درمرکز نسبت به پیش آمد نگران شده و بانك شاهنشاهی ایران اعلانی انتشار داده و خبر انتقال مرکز بانك را ازطهران باصفهان درروزنامه ایران منتشر کرد. ۱۹۲۱ میلادی

قوای نامنظم معروف بجنگلیها که در گیلان تحت ریاست میرزا کوچك خان آراسته شده بودند وضعیات را بحال خود مساعد دیده وتا کوههای رودبار قزوین وبرغان پیش آمده و پایتخت را تهدید مینمودند.

بقول شخص مطلع و موثقی توسط حاج سید محمد سلطان العلماء ساوجی بوسیله ناصر الدین میرزا باحمد میرزا پیغام فرستادند که [قوای

جنگل برای تصفیه مرکز بطرف طهران حرکت نمود] تجاسر جنگلیها کابینه مشیرالدوله را وادار بجلوگیری ازقوای متجاسرین نموده وعدهٔ از بریگاد قزاق را درتحت فرماندهی صاحبمنصب روسی (استراسوسگی) تجهیز وجهةجلوگیری وممانعت‌ازقوای متجاسر ومهاجم بطرف‌مازندران و گیلان سوق و برای تحکیم مرکزیت بفکر ایجاد وتأسیس دوره چهارم دارالشورای ملی برآمده و در اطراف انتخابات نمایندگان که دردورهٔ وثوق‌الدوله‌بعمل آمده‌بود بمطالعات پرداخت ـ هنوز نتیجهٔ از نظریات خود نگرفته بودند که هجوم مشکلات‌خارجی وداخلی معظم‌له‌را بکناره گیری وادار و فتح‌الله خان اکبر سپهداررشتی عهده‌دار تشکیل کابینه گردیده و بعمل پرداخت .

***

در کابینه سپهدار معاهده مودت ایران و روس که مبطل معاهده ترکمانچای و سایر معاهدات دوره تزاری و موجب شناسائی رژیم جدید گردید از طرف دولت اتحاد جماهیر شوروی توسط علیقلی‌خان انصاری‌سفیر فوق‌العاده‌ایران درمسکو بکابینه‌سپهدار پیشنهاد گردید ـ ۱۹۲۱ میلادی ـ وازطرف رئیس‌الوزراء جلسه‌شورای‌عالی مرکب‌ازنمایندگان سابق و لاحق حاضر درمرکز ادوار سه‌گانه مجالس‌شورای ملی واعیان و رجال و معاریف پایتخت ازقبیل ـ مشیرالدوله ـ مؤتمن‌الملك ـ مستوفی الممالك ـ ممتاز الملك ـ ممتاز الدوله ـ حکیم الملك ـ مستشار الدوله و غیره در دربار گلستان تشکیل ودرآن مجلس موضوع شناسائی روسیه جدید و معاهده پیشنهاد شده مطرح و باتفاق آراء مورد تصویب واقع گردیده و پایه روابط فعلی ایران و ممالك اتحادجماهیر شوروی برروی

آن معاهده گذارده شد ـ روابط سیاسی و اقتصادی که چندی تعطیل بود بجریان افتاد که ذیلا برای تکمیل اطلاعات خوانندگان مبادرت بدرج مینمائیم ،

عهدنامه مزبور در بیست و سوم آبان ۱۳۰۰ هجری شمسی بتصویب مجلس شورای ملی ایران رسیده است .

متن عهدنامه

چون دولت ایرال از یكطرف و دولت جمهوری اتحادی اشتراکی شوروی روسیه ازطرف دیگر نهایت درجه مایل بودند که روابط محکم و حسنه همجواری و برادری درآتیه مابین ملتین ایران و روس برقرار باشد لهذا مصمم شدند که داخل مذاکره دراین باب شده و برای این مقصود اشخاص ذیل را وکلای مختار خود نمودند.

از طرف دوات ایران علیقلی خان مشاور الممالك از طرف دولت جمهوری اتحادی اشتراکی شوروی روسیه گدارگی و اسیلیویچ چیچرین و اومیخائیلویچ کاراخان

و وکلای مختار مزبور پس از ارائه اعتبار نامه های خود که موافق قاعده و ترتیبات مقتضیه بوده در آنچه ذیلا ذکر میشود توافق نظر حاصل نمودند .

فصل اول

دولت شوروی روسیه مطابق بیانیه‌های خود راجع بمبانی سیاست روسیه نسبت بملت ایران مندرجه درمراسلات ۱۴ یانوار ۱۹۱۸ و ۲۶ایون ۱۹۱۹ یکمرتبه دیگر رسماً اعلان مینماید که از سیاست جابرانهٔ که دولت های

مستعمراتی روسیه که باراده کارگران و دهاقین این مملکت سرنگون شدند نسبت بایران تعقیب مینمودند قطعاً صرف نظر مینماید. نظر بآنچه گفته شد و با اشتیاق باین که ملت ایران مستقل و سعادتمند شده و بتواند آزادانه در دارائی خود تصرفات لازمه را بنماید دولت شوروی روسیه تمام معاهدات و مقاولات و قراردادهارا که دولت تزاری روسیه باایران منعقد نموده و حقوق ملت ایران را تضییع مینمود ملغی و از درجه اعتبار ساقط شده اعلان مینماید.

فصل دوم

دولت شوروی روسیه از سیاست دولت های روسیه تزاری که بدون رضایت ملل آسیا و به بهانه تأمین استقلال ملل مزبوره با سائر ممالك اروپا در باب مشرق معاهداتی منعقد مینمودند که بالنتیجه منجر باستملاك آن میگردید اظهار تنفر مینماید.

این سیاست جنایت کارانه را که نه تنها استقلال ممالك آسیا را منهدم می نمود بلکه ملل زنده مشرق را طعمه حرص غارتگران اروپائی و تعدیات مرتب آنها قرار میداد دولت شوروی روسیه بدون هیچ شرطی نفی مینماید ـ نظر بآنچه گفته شد و مطابق اصول مذکوره در فصل اول وچهارم این معاهده دولت شوروی روسیه استنکاف خودرا از مشارکت در هر نوع اقدامیکه منجر به تضعیف و محفوظ نماندن سیادت ایران بشود اعلان نموده وکلیه معاهدات و قرار دادهائی را که دولت سابق روسیه با ممالك ثالثی بضرر ایران وراجع به آن منعقد نموده است ملغی و از درجه اعتبار ساقط می داند.

فصل سوم

دولتین معظمتین متعاهدتین رضایت میدهند که سر حد مابین ایران و روسیه را مطابق کمیسیون سرحدی ۱۸۸۱ تصدیق و رعایت نمایند ضمناً بواسطه عدم میلی که دولت شوروی روسیه از استفاده از ثمره سیاست غاصبانه دولت تزاری سابق روسیه دارد ازانتقاع از جزائر عاشوراده و جزائر دیگری که در سواحل ولایت استراباد و ایران واقع میباشند صرف نظر کرده و همچنین قریه فیروزه را با اراضی مجاوره آن که مطابق قرارداد ۲۸ مای ۱۸۹۳ از طرف ایران بروسیه انتقال داده شده است بایران مسترد میدارد.

دولت ایران از طرف خود رضایت میدهد که شهر سرخس معروف بسرخس روس یاسرخس کهنه با اراضی مجاور آن که منتهی به رودخانه سرخس میشود در تصرف روسیه باقی بماند.

طرفین معظمتین متعاهدتین با حقوق مساوی ازرودخانه اترك و سایر رودخانه ها و آب های سرحدی بهره‌مند خواهندشد و ضمناً برای تنظیم قطعی مسئله انتفاع از آب های سرحدی و برای حل کلیه مسائل متنازع فیهای سرحدی وارضی یك کمسیون مرکب ازنمایندگان ایران و روسیه معین خواهد شد.

فصل چهارم

با تصدیق اینکه هر یك از ملل حق دارد مقدرات سیاسی خود را بلامانع وآزادانه حل نماید هر یك از طرفین معظمتین متعاهدتین از مداخله‌درامور داخلی طرف مقابل صرف نظر کرده و جداً خود داری خواهند نمود.

فصل پنجم

طرفین معظمتین متعاهدتین تقبل مینمایند که :

۱ ـ از ترکیب و یا توقف تشکیلات و یا دستجات (گروپها) بهر اسم که نامیده شوند ویااشخاص منفرد که مقصود تشکیلات واشخاص مزبور مبارزه با ایران وروسیه وهمچنین با ممالك متحده روسیه باشد در خاك خود ممانعت نمایند.

وهمچنین از گرفتن افراد قشونی و یا تجهیزات نفرات برای صفوف قشون ویاقواء مسلحه تشکیلات مزبوره درخاك خود ممانعت نمایند

۲ ـ بکلیه ممالك ویا تشکیلات قطع نظر ازاسم آن تشکیلات که مقصودشان مبارزه با متعاهد معظم باشد نباید اجازه داده شود که بخاك هریك ازطرفین معظمتین متعاهدتین تمام آنچه را که ممکن است بر ضد متعاهد دیگر استعمال شود و اوردنموده یاعبور دهند.

۳ ـ باتمام وسایلی که بآن دسترس باشد ازتوقف قشون ویا قواء مسلحه مملکت ثالث دیگری در صورتیکه احتمال برود توقف قواء مزبوره باعث تهدید سرحدات ویامنافع ویا امنیت متعاهد معظم دیگر می شود باید درخاك خود ومتحدین خود ممانعت نمایند.

فصل ششم

طرفین معظمتین متعاهدتین موافقت حاصل کردند که هرگاه ممالك ثالثی بخواهند بوسیله دخالت مسلحه سیاست غاصبانه‌را در خاك ایران مجری دارند. یا خاك ایران را مرکز حملات نظامی بر ضد روسیه قراردهند واگر ضمناً خطری سرحدات دولت جمهوری اتحادی شوروی روسیه یا متحدین آنرا تحدید نماید و اگر حکومت ایران پس

از اخطار دولت شوروی روسیه خودش نتواند این خطر را رفع نماید .
دولت شوروی حق خواهد داشت قشون خود را بخاك ایران وارد
نماید تا اینکه برای دفاع از خود اقدامات لازمه نظامی را بعمل آورد
دولت شوروی روسیه متعهد است که پس از رفع خطر بلادرنگ قشون
خود را از حدود ایران خارج نماید .

فصل هفتم

نظر باینکه ملاحظات مذکوره در فصل شش میتوانند همچنین
در باب امنیت در بحر خزر مورد پیدا نمایند . لهذا طرفین معظمتین
متعاهدتین موافق هستند که اگر در جزء افراد بحریه ایران اتباع دولت
ثالثی باشد که از بودن خود در بحریه ایران برای تعقیب مقاصد خصمانه
نسبت بروسیه استفاده نمایند. دولت شوروی روسیه حق خواهد داشت که
انفصال عناصر مضره مزبوره را از دولت ایران بخواهد .

فصل هشتم

دولت شوروی روسیه انصراف قطعی خود را ازسیاست اقتصادی
که حکومت تزاری روسیه در شرق تعقیب مینمود و بدولت ایران نه از
نقطه نظر توسعه اقتصادی و ترقی ملت ایران بلکه برای اسارت سیاسی
یران پول میداد اعلان مینماید .

بنا براین دولت شوروی روسیه از هرنوع حقوق خود نسبت
قروضی که دولت تزاری بایران داده است ، صرف نظر کرده و این
گونه استقراضها را نسخ شده و غیر قابل تادیه میشمارد .

همچنین دولت شوروی روسیه ازتمام تقاضاهای راجع بانتفاع از

عواید مملکتی ایران که وثیقه استقراضهای مذکوره بودند صرف نظر مینماید .

فصل نهم

دولت شوروی روسیه نظر باعلان نفی سیاست مستعمراتی سرمایه داری که باعث بدبختیها وخونریزیهای بیشمار بوده و میباشد از انتفاع از کارهای اقتصادی روسیه تزاری که قصد از آنها اسارت اقتصادی ایران بود صرف نظر مینماید.

بنابراین دولت شوروی روسیه تمام نقدینه و اشیاء قیمتی و کلیه مطالبات و بدهی بانك استقراضی ایران را و همچنین کلیه‌دارائی منقول و غیر منقول بانك مزبور را در خاك ایران بمالکیت کامل ملت ایران واگذار مینماید .

توضیح آنکه درشهرهائی که مقرر است قونسولگری‌های روسیه تأسیس شوند و درآنجا هاخانهای متعلقه ببانک استقراضی ایران وجود داشته‌ومطابق‌همین فصل نه که منتقل بدولت ایران میشود دولت ایران رضایت‌میدهد که یکی ازآن خانها را مجاناً برای استفاده مطابق‌انتخاب دولت شوروی روسیه برای محل قنسولگری روسیه واگذار نماید .

فصل دهم

دولت شوروی روسیه کوشش سیاست مستعمراتی دنیارا که در ساختن راه ها و کشیدن خطوط تلگرافی در ممالك غیر برای تأمین نفوذ نظامی خود بر توسعه تمدن ملل ترجیح میدهد نفی کرده و مایل است که وسایل مراودات و مخابرات که برای استقلال و تکمیل تمدن

هرملتی لزوم حیاتی دارد باختیار خود ملت ایران واگذارده شود وضمناً هم بقدر امکان خسارات وارده بایران بواسطه قشون دولت تزاری جبران شود لهذا دولت شوروی روسیه مؤسسات روسی ذیل را بلاعوض بملکیت قطعی ملت ایران واگذار مینماید .

۱ - راه های شسه از انزلی بطهران و از قزوین بهمدان باتمام اراضی و ابنیه و اثاثیه متعلق براههای مذکوره

ب - خطوط راه آهن ازجلفا به تبریز وازصوفیان بدریاچه ارومیه باتمام ابنیه و وسائل نقلیه و متعلقات دیگر

ت - اسکلها و انبارهای مال التجاره و کشتی های بخاری و کرجیها وکلیه وسائل نقلیه در دریاچه ارومی با تمام متعلقات آنها

ث - تمام خطوط تلگرافی و تلفونی با تمام متعلقات و ابنیه و اثاثیه که در حدود ایران بتوسط دولت سابق تزاری ساخته شده است .

ج - بندر انزلی (پرت) باانبار های مال التجاره و کارخانه چراغ برق و سایر ابنیه .

فصل یازدهم

نظر باینکه مطابق اصول بیان شده در فصل اول این عهدنامه منعقده در ۱۰ فورال ۱۸۲۸ مابین ایران و روسیه در ترکمن چای نیز که فصل ۸ آن حق داشتن بحریه را در بحر خزر از ایران سلب نموده بود از درجه اعتبار ساقط است لهذا طرفین معظمتین متعاهدتین رضایت میدهند که از زمان امضاء این معاهده هردو بالسویه حق کشتی رانی آزادرا درزیر بیرقهای خود دربحر خزر داشته باشند.

فصل دوازدهم

دولت شوروی روسیه پس از آنکه رسماً از استفاده از فواید اقتصادی که مبتنی بر تفوق نظامی بوده صرف‌نظر نمود اعلان مینماید که علاوه بر آنچه در فصول (۹) و (۱۰) ذکر شد سایر امتیازات نیز که دولت سابق تزاری عنفاً برای خود و اتباع خود از دولت ایران گرفته بود از درجه اعتبار ساقط میباشند.

دولت شوروی روسیه از زمان امضاء این عهدنامه تمام امتیازات مذکوره را اعم از آنکه بموقع اجرا گذارده شده باشند و یا گذارده نشده باشند و تمام اراضی را که بواسطه آن امتیازات تحصیل شده اند بدولت ایران که نماینده ملت ایران است واگذار مینماید.

از اراضی و مایملکی که در ایران متعلق بدولت تزاری سابق بوده محوطه سفارت روس در طهران و در زرگنده با تمام ابنیه و اثاثیه موجوده در آنها وهمچنین محوطها و ابنیه واثاثیه جنرال قونسولگریها وقونسولگریها وویس قونسولگری های سابق روسیه در ایران در تصرف روسیه باقی میماند،

توضیح آنکه دولت شوروی روسیه ازحق اداره کردن قریه زرگنده که متعلق بدولت سابق تزاری بود صرف نظر مینماید.

فصل سیزدهم

دولت ایران از طرف خود وعده میدهد که امتیازات و مایملکی را که مطابق این عهدنامه بایران مسترد شده است بتصرف و اختیار و یا استفاده هیچ دولت ثالث و اتباع دولت ثالثی واگذار ننموده و تمام حقوق مذکوره را برای رفاه ملت ایران محفوظ بدارد.

فصل چهاردهم

با تصدیق اهمیت شیلات سواحل بحر خزر برای اعاشه روسیه دولت ایران پس از انقضاء اعتبار قانونی تقبلات فعلی خود نسبت بشیلات مزبوره حاضراست که بااداره‌ارزاق جمهوریت اتحادی‌اشتراکی شوروی روسیه قراردادی در باب صید ماهی باشرایط خاصی که تاآن زمان معین خواهد شد منعقد نماید.

همچنین دولت ایران حاضر است که بادولت شوروی روسیه داخل مطالعه وسائلی که‌حالیه نیز تارسیدن موقع شرایطمذکوره در فوق‌امکان رساندن مواد شیلات مزبوره را بروسیه درنظر ادارات ارزاق جمهوری اشتراکی روسیه تأمین بنماید بشود.

فصل پانزدهم

دولت شوروی روسیه نظر باصول اعلام شده خود درباب آزادی عقاید مذهبی مایل‌است به‌تبلیغات مذهبی که مقصود باطنی ازآن اعمال نفوذسیاسی در توده مردم و کمك به‌دسایس سبعانه تزاری بوده درممالك اسلامی خاتمه دهد،

بنابراین دولت شوروی روسیه انحلال تمام هیئتهای روحانی راکه در ایران دولت سابق تزاری تأسیس کرده بود اعلان مینماید و اقدام خواهد نمود که بعدها از روسیه بایران اینگونه هیئتها اعزام نشوند.

دولت شوروی روسیه اراضی و ابنیه و دارائی هیئت ارتودکس را در ارومیه و همچنین تمام دارائی سایر مؤسسات سنخ هیئت مزبوره را بلاعوض بملکیت دائمی ملت ایران که دولت ایران نماینده‌آن است واگذار مینمایند.

دولت ایران اراضی و ابنیه و دارائی مزبور را بمصرف ساختن مدارس و سائر مؤسسات معارفی خواهد رساند .

فصل شانزدهم

نظر بمندرجات مراسله دولت شوروی بتاریخ ۲۵ ایبون ۱۹۱۹ راجع بابطال قضاوت قونسول ها اتباع روسیه ساکن ایران و همچنین اتباع ایران ساکن روسیه از تاریخ امضاء این معاهده دارای حقوق مساوی با سکنه محلی بوده و محکوم قوانین مملکت متوقف‌فیها خواهند بود و بتمام کارهای قضائی آنها درمحاکم محلی رسیدگی خواهد شد .

فصل هفدهم

اتباع ایران در روسیه و همچنین اتباع روسیه در ایران از خدمت نظامی و تأدیه هر نوع مالیات نظامی یا عوارض نظامی معاف هستند .

فصل هیجدهم

اتباع ایران در روسیه و اتباع روسیه در ایران درآزادی مسافرت در داخله مملکت دارای حقوقی میباشند که باتباع دول کاملة‌الوداد بغیر از دول متحده باروسیه واگذار میشود .

فصل نوزدهم

طرفین معظمتین متعاهدتین درمدت قلیلی پس از امضاء این‌عهدنامه اقدام در تجدید روابط تجارتی خواهند نمود ،

وسائل تنظیم واردات و صادرات مال التجاره و تأدیه قیمت آن و همچنین طرز دریافت و میزان حق گمرکی که از طرف ایران بر مال‌

التجاره روس تعلق میگیرد مطابق قرارداد خاص تجارتی که بوسیله کمیسیون خاص از نمایندگان طرفین تشکیل خواهد شد معین خواهد گردید.

فصل بیستم

طرفین معظمتین متعاهدتین متقابلا بهمدیگر حق ترانزیت میدهند که از طریق ایران و یا طریق روسیه بممالك ثالثی مال التجاره حمل نمایند ضمناً بر مال التجاره حمل شده عوارض بیش از آنچه از مال التجاره دول کاملة الوداد غیر از ممالك متحده با جمهوری اتحادی شوروی روسیه اخذ میشود نباید تعلق بگیرد.

فصل بیست و یکم

طرفین معظمتین متعاهدتین در اقل مدت پس از امضاء این عهدنامه اقدام در استقرار روابط تلگرافی و پستی مابین ایران وروسیه خواهند نمود شرایط روابط مذکوره در قرارداد خاص پستی و تلگرافی معین خواهد شد.

فصل بیست و دوم

برای تثبیت روابط ودادیه هم جواری و تهیه موجبات درك حسن نیت همدیگر که پس از امضاء این عهدنامه فیمابین برقرارمیشود هریك از طرفین معظمتین متعاهدتین در پایتخت طرف مقابل نماینده مختار خواهند داشت که چه در ایران و چه درروسیه دارای حق مصونیت خارج از مملکت (اکستری توریالیته) و سایر امتیازات مطابق قوانین بین المللی و عادات وهمچنین قواعد ومقررات جاریه درمملکتین نسبت بنمایندگان سیاسی خواهند بود.

فصل بیست و سوم

طرفین معظمتین متعاهدین بەنیت توسعه روابط مملکتین متقابلا در نقاطیکه برضایت طرفین معین خواهد شد تأسیس قونسولگری ها خواهند نمود حقوق و صلاحیت قونسولها در قرار داد مخصوصی که بلا تأخیر پس از امضاء این عهدنامه منعقد خواهد شد و همچنین مطابق قواعد و مقررات جاریه در هردومملکت نسبت بمؤسسه قونسولها معین خواهد شد .

فصل بیست و چهارم

این‌عهدنامه باید در ظرف سه ماه تصدیق شود مبادله تصدیق‌نامها در شهر طهران حتی‌الامکان در مدت قلیلی بعمل خواهدآمد .

فصل بیست و پنجم

این عهدنامه بزبان فارسی و روسی در دو نسخه اصلی نوشته‌شده درموقع تفسیرآن هردونسخه معتبر میباشند .

فصل بیست‌وششم

این عهدنامه فوراً پس از امضاء دارای اعتبار خواهد شد ،
برای تصدیق‌آن چه گفته‌شد امضاء کنندگان‌ذیل این عهدنامه را امضاء کرده و بامهارخود ممهورنمودند. درشهرمسکو در۲۶فورال ۱۹۲۱ تحریر شد. امضاء ـ ! که‌اور کی چیچرین. ل. کاراخان ـ مشاورالممالك

پایان و نتیجه

در سطور و فصول گذشته ملاحظه گردید که مشروطیت ایران از دوره ناصرالدین شاه سرچشمه گرفته و نهضت ترقی طلبی و تجدید مظاهر تمدن بر وفق مقتضیات عصر شروع و حوادث بس مهم از نظر سیاسی و اجتماعی و تاریخی در وطن عزیز ما ظهور یافته است بنا بر مراتب فوق خلاصه و نتایج تاریخ گذشته را تکرار و تذکر میدهیم که اصولا نهضت اخذ تمدن جدید و اصلاح عادات ورسوم گذشته بعد از مغلوبیت قوای ایران از قشون منظم روسیه ۱۲۴۶ هجری قمری وتحمیل معاهده منحوس ترکمنچای ۱۸۲۸ که مبنای سایر قراردادهای مضره بنام معاهدات دول کاملة الوداد گردید * (خوشبختانه تمام اینگونه عهدنامه‌ها در عصر پهلوی که شرح آن در کتاب (ایران جدید) باید ملغی و معاهدات جدید بر روی تساوی حقوق و منافع متقابله تنظیم شده) و پی بردن مردان دانشمند ایران بخرابی وضعیات اداری و سیاسی و اقتصادی و مراوده رجال منورالفکر بامماللك وملل فرنگ شروع گردید ـ نهایت آنکه در دوره مظفری بحران وفرو ریختگی اوضاع بشدت رسیده و بذر افشانده ازحوادت آبیاری و بنای خودنمائی را گذارده دانشمندان گفته اند : **حوادث را باید از علل اصلیه شناخت و از حقیقت معنی پی بظاهر برد .**

بطوریکه ازمطالعه دقیق اوراق وصفحات تاریخ وطن استنباط میشود.

همیشه یك شعور باطنی که حاکی از روح زنده وفعال استقلال طلبی میباشد ـــ در کمون ایران باستانی موجود و از پیش آمدها استفاده نموده ودرمواقع لازمه استعداد باطني ایرانرا نشان داده‌ونوابغی

را برای اصلاح و مرمت خرابکاریها و تجدید جلالت وعظمت دیرینه کشور داریوش بمنصه بروز و ظهور رسانیده است.

اقوي دلیل تاریخي در زمان خود ما و عصر حاضر واقع شد **ستاره درخشان اقبال پهلوی یکی از همان گذارشات مهم تاریخی است** ـ زبان گویای تاریخ میگوید: صد یك صدمات وبحرانها و تشنجات و قتل عامهای تاریخی که بواسطه موقعیت جغرافیائی بوسیله اسکندر، اعراب، مغول ـ ترك، افغان وغیره بملت بردبارایران روی داد عارض ملل دیگرهمچون ـ کلده، آشور، روم شرقی شد و آنها از بین رفتندولی هنوزایران کهن بااستقلال بتمام معنی برپای ایستاده وباهمدستی سایر ملل متمدن هم عصرخودبرای ترقی و تکامل مدنیت بشر کوشش میورزد. « تاقبل از کودتا غالباً ازدهان برخي از نمایندگان بیگانه متوقف در ایران شنیده شده بود که گفته بودند (با این همه ابتلائات و با رویه واخلاق ظاهری اکثرایرانیان تعجب میکنیم. چطور تاکنون ایران زنده و استقلال خود را نباخته است) چندی ازاین گفته‌نـ‌گذشته بودکه دستی از غیب بدرآمدوبر سینه نامحرم زد و عظمت و جلالت دیرینه را تجدید کرد.

***

بطوریکه در فصول گذشته ذکر آن رفت تا قبل از کودتای ۱۲۹۹ مملکت هم از نظرداخله وهم از نظر خارجه بمنتهای خرابی و مذلت وبیچارگی رسیده بود که هیچ دانشمند عاقلی ظاهراً امید بهبودی وضعیات را نداشت.

خزانه تهی وکار بجائی رسیده بود که در سنه ۱۳۳۶ هجری قمری وزیرمالیه وقت چندهزار خروارجو ـ بقایای انبار غله دولت را

در ازاء حقوق ادارات فیمابین جمعی از مستخدمین دولت توزیع کرده و جریان قحطی مصنوعی را تسریع وبالنتیجه قریب شصت‌هزار نفر در طهران پایتخت مملکت از گرسنگی مردند و عده صدقه‌خور مبلغین‌مذهب پروتستان گردیدند .

مملکت تاقبل از کودتا ـ نوعی فاقد قوای منظم بود که برای سرکوبی رضای جوزانی چندماه‌وقت‌دولت‌صرف‌تهیه‌چندصدسوار بختیاری شد ـ بالجمله، دورنمای آنروزچنین بود ـ گیلان‌ومازندران‌درحال‌اغتشاش، آذربایجان لگدکوب سواران وحشی کرد. سمیتقو . استراباد واطراف خراسان مورد تاخت وتاز تراکمه . صفحات جنوب دستخوش یکه‌تازان بهارلو و بویراحمدی . قطعات مرکزی گرفتار چپاول‌الوار . پایتخت صحنه بازیگری جمعی ولگرد و ورشکستگان بازاری .

این بوددورنمای‌مختصری‌ازوضعیات داخله‌تاقبل از کودتای ۱۲۹۹

اماسیاست خارجی

تقریباً از یك قرن باینطرف مملکت از هر حیث اسیر فشار و تجاوز دو همسایه مقتدر جنوبی وشمالی شده بود.

از طرفی بعضی ازعمال جنوبیها سعی در انهدام قوای معنوی ایران داشته و طرفدار استقلال پوشالی ایران و راضی نمیشدند در جوار هندوستان دولت مقتدری بنام ایران موجود باشد ،

چنانکه داستان تصرف هرات این سیاست را روشن ساخت ـ آثار نشان میداد ـ و اسناد سیاسی منتشره دلالت دارد بر اینکه:

منظور سیاسی خود را این قرار داده بودند که در این کشور یك دولت پوشالی و حکومت بوروکراسی واز هر جهة ضعیف وآلت

دست موجود باشد . تا درمواقع لازمه بتوانند بهر طرفی و هر مقصدی که میل دارند آنرا سوق بدهند .

بالجمله طبق این نظریه در تمام کار ها از مساجد و بازار گرفته تاامور ایلات صحرا گرد وحتی قصابخانه باسم حمایت (کورمی) «قصابهای بروی طهران» مداخله واعمال نفوذ مینمودند .

از جهة دیگر روسهای تزاری برای رسیدن بدریای آزاد (خلیج فارس) از هیچ نوع فداکاری مضایقه نداشته و با قدرت سرنیزه همه روزه بر شدت تجاوز خود افزوده و صفحه ایران را مهمترین میدان نبرد خصومت دیرینه با حریف بیدار و زرنگ و قوی پنجه خود قرار داده ـ خراب میکردند و میکشتند و پیش میرفتند . و هیچگونه معاهده نیز مانند تقسیمات نفوذی معاهده۱۹۰۷ میلادی نتوانست ازطمع روسیه بکاهد وسیاست دربار تزار را از پیشرفت مقصود منحرف سازد .
جنگ بین‌الملل نیز ممد مبارزه شده و درعین اتفاق واتحاد جنگی دولتین از رقابت نکاست و پرده خونین فراموش نشدنی را در وطن بیطرف ما بمعرض نمایش گذارده وهستی رعایای صلح طلب را بباد فنا دادند .

اوضاع دربار

عدم علاقه دربارسلاطین قاجار خصوصاً در ادوار مشروطیت بیشتر سبب پریشانی وضعیات سیاسی و اجتماعی گردیده و ازهر طرف روزنه امید را مسدود و قلوب وطن پرستان حقیقی را مجروح و از پیش آمدهای تاریك و مجهول مأیوس ساخته بود .

با یك چنین وضعیتی که اندك را از بسیار نشان دادیم وعامه عقلاء دور اندیش سر بجیب تفکر فرو برده و بحال زار آینده نگران بوده

روزگار را تیره وتار مینگریستند ناگهان :-

صبح سوم حوت ۱۲۹۹ شمسی طلوع و در اندك زمانی خرابیها اصلاح و آب رفته را بطوری بجوی باز گردانیدند که ایران جدید ابداً قابل مقایسه باترتیبات قرون اخیر نیست: امنیت در همه جابرقرار ـ خزانه سرشار ـ قشون منظم و پا بر جا ـ صلای آبادی بلند. و طبقات هموطنان سرگرم خدمت و پیشرفت شدند که در کتاب (ایران جدید) مفصلا نگارش خواهد رفت .

تاریخ (نهضت ایران) را بذکر یك بیت حافظ شیرازی خاتمه داده و از دوستان همت و از خداوند مغفرت و رحمت میطلبم .

باش تا صبح دولتت بدمد

کین هنوز از نتایج سحر است

مرداد ۱۳۱۲ شمسی ح . مدیر حلاج



ضمیمه

فرمان مشروطیت

(السلطان مظفرالدین شاه)

جناب اشرف صدر اعظم :

از آنجا که حضرت باریتعالی جل شأنه سر رشته ترقی و سعادت ممالك محروسه ایران را بکف با کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی ایران و رعایای صدیق خومان قرار داده ـ لهذا در این موقع که برای رفاهیت و امنیت قاطبه اهالی ایران وتشیید و تایید مبانی دولت و اصلاحات مقتضیه که بمرور در دوائر دولتی و مملکتی بموقع اجراء گذارده شود ـ چنان مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان . و علماء و قاجاریه و اعیان و ملاکین و تجار و اصناف بانتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافه طهران تشکیل و تنظیم شود که در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مداقه لازمه را بعمل آورده و بهیئت وزراء دولت خواه در اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد اعانت و کمك لازم را بنمایند ،

ودر کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه واحتیاجات قاطبه اهالی مملکت بتوسط شخص اول دولت بعرض برساند که بصحه همایونی موشح وبموقع اجرا گذارده شود .

بدیهی است بموجب این دستخط مبارك نظامنامه و ترتیبات

این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آنرا موافق تصویب و امضای منتخبین از این تاریخ مرتب و مهیا خواهند نمود . که بصحه ملوکانه رسیده بعون‌الله تعالی ـ مجلس شورای مرقوم که نگهبان عدل ماست ـ افتتاح و اصلاحات لازمه امور مملکت و اجراء قوانین شرع مقدس شروع نماید. ونیز مقرر میداریم که سواد دستخط مبارك را اعلان ومنتشر نمائید تا قاطبه اهالی از نیات حسنه ما که تماماً راجع بترقی دولت وملت ایران است ـ کماینبغی ـ مطلع و مرفه‌الحال مشغول دعا گوئی دوام این دولت و این نعمت بی زوال باشند در قصر صاحبقرانیه ، بتاریخ چهاردهم شهر جمادی‌الثانیه ۱۳۲٤ هجری در سال یازدهم سلطنت ما .

محل صحهٔ همایونی

***

البته خوانندگان محترم ملاحظه فرموده اند که بعد از ابلاغ فرمان فوق توسط میرزا نصرالله خان مشیرالدوله ـ بطوری که در فصل سوم و چهارم شرح آن داده شد مجلس مؤسسان تشکیل وبعداً نظامنامه و قانون اساسی تدوین و بجریان افتاد ـ ولی نظر باینکه قوانین مزبوره در دسترس همه کس بود درج آن را زاید دانستیم .   (حلاج)